

صدور انقلاب اسلامی!!

در دو هفته گذشته هیات حاکمه کوشید تا با ضلح "انقلابیگری" خود را در زمینه سیاست خارجی و "صدور انقلاب" نشان دهد. کوششی که در بسیج و برگزاری "روز قدس" برگزاری کنفرانس قدس و روز عید فطر بعنوان روز جهانی مسلمانان متجلی گشت. آنچه مسلم است اینکه در این مراسم در واقع ایده خرد بورژوازی حاکم و نمایندگان فعال سیاسی آن در - و خائیت و حزب حاکم ابتکار عمل را بدست داشته است. ابتکار عملی که در برخورد به مسائل سیاسی و اجتماعی داخلی، حمله به نمایندگان مختلف بورژوازی، فلج کردن حتی قابل اعتمادترین این نمایندگان از نظر خرد بورژوازی حاکم (بنی صدر) و ادامه سیاست تعرض به انقلابیون و فعالینهای انقلابی را شامل میشده است. ابتکار عملی که البته بقا صد بورژوازی در سرکوب انقلابیون و ویژه کمونیستها و جنبشهای انقلابی توده ها (بخصوص در کوردستان) را بر آورده میکنند یا در روشن درسا زمان نهدی و برنا مریزی حتی بر ضد خود بورژوازی هم حرکت مینماید. و این تناقض ذاتی خرد بورژوازی و حتی قشر فو قانی و حاکم است.

در سیاست خارجی نیز ما شاهد همین خلعت خرد بورژوازی حاکم هستیم. از یکسو "مدور انقلاب" بهم ریختن نظام کام در کشورها و بخصوص "کشورهای اسلامی" و حمایت از جنبشهای آزادی بخش بر علیه "امپریالیسم غرب و شرق" و "صهیونیسم نفی ناسیونالیسم بورژوازی" بقیه در صفحه ۲

(کمونیست ها هرگز به مردم دروغ نمی گویند) کمونیست ها هرگز به صاحبان قدرت تکیه نمی کنند. کمونیست ها فقط به قدرت طبقه کارگر و سایر زحمتکشان و روشنفکران انقلابی متکی هستند. (ولادیمیر ایلیچ لنین)

رزمندگان

ارگان سازمان رزمندگان آزادی طبقه کارگر

سال اول شماره ۲۵ دوشنبه ۲۷ مرداد ۵۹ - باضمیمه ۳۵ ریال

کانوهای کوچک انقلاب

در گوشه و کنار بسیاری از شهرها کانونهای کوچک انقلاب میدرخشد اینها بساط های جوانان پر شور و مصممی هستند که هر روز از طلوع آفتاب تا شامگاه برای بسط آگاهی توده های مردم، بر روی سنگفرش کوچه ها و خیابانها پهن میشوند. چشمان جستجوگر مردم هر روز به کتا بها و جزوات، اعلامیه ها و نوشته های دیواری بساط خیره میشود. کتا بها و جزواتی که حکومت خواندن آنها را تقبیح نموده است، اعلامیه های بیسی که بسیاری از قایق و مسائل جاری را توضیح میدهند و نوشته های دیواری که بخصوص برای خاطرنشان کردن موضوعات مهم جامعه تهیه شده است. در کنار بساط ها بحث های داغ و زنده سرمیگردد. رفیق برای آن کارگر، آن دوره گرد، آن عابرتوضیح میدهد که چگونه میایدند و بر ای چه مبارزه میکنند، و غالباً افرادی از روی عقیده و گاه بحکم وظیفه (از روی مخالفت، بحث ها و گفتگوهای متحول را به مشاجرات تنبهدی

نگاهی به ضمیمه پیکار ۶۲

ترجمع بند معروف "سرما به داری را از او بستگی جدا میکنند" در یکجا انتساب بیدلیل اعتقاد به تکامل مستقل خود پوی سرما به داری را به رزمندگان بوجود آورد، و در جای دیگر مسئله جدا کردن وابستگی از سرما به داری و بی توجهی به وابستگی را، به هر دو این موضوعات تا حدودی پرداختیم، اما برای اثبات آنکه رزمندگان بقیه در صفحه ۳

در پیک رزمندگان میخوانید:

- از کودتای شوم ۲۸ مرداد درس بگیریم
- کارگران چون کوهی استوار در مقابل لغو سود ویژه ایستاده اند!
- ویژه نامه کردستان
- حمله و حشیانه پاسداران به خوابگاه دانشجویی روی ساواک را سفید کرد!
- اخبار کارگری اخبار کردستان قهرمان
- اخبار کوناه

بیانیه پیام روستا (خراسان)

بورژوازی یک سال و نیم پس از پیام

بنا بر این با توجه به آنچه گفتیم به خصوص از این پس منازعات درون حکومت جنبه سیاسی آشکار خود را بروز میدهد. مشخصاً چندین پیش از تصرف لانه جاسوسی آمریکا توسط دانشجویان، این اختلافات بروز کرده بود. لیکن پس از تصرف سفارت و گروگان گیری جاسوسان (نمایندگان سیاسی آمریکا در ایران) چهره سیاسی اختلاف آشکار تر گردید. در آن زمان البته اکثر گروههای چپ نتوانستند بد رستی میان آنچه که در سطح میگذشت و آنچه در عمق جریان داشت را رابطه ای برقرار کنند. اختلاف ظاهر درون حکومت را اغلب با "تضادی درون خلق" یا "تضادی ساختگی و در حقیقت یک سناریوی نمایشی" تلقی کردند. اگر بعضی گروهها تلاش کردند که این وقایع را منسوب به بورژوازی ملی (یا جناح چپ بورژوازی ملی!!) نمایند با هم واقعتاً سرخسخت بقیه در صفحه ۷

کارگران جهان متحد شوید!

بقیة صفحه ۱

سرمقاله

و اما لهم تا کید میگردد و بیانیها و خطابه های غلاظ و شاد دهنیه و تصویب میگردد. البته این تلاشها برای امپریالیسم و صهیونیسم و حکومت های مرتجع منطقه کاطنا خود شاپند است. اما از سوی دیگر این تحریکات ضد امپریالیستی و ضد صهیونیستی خلطی ارتجاعی نیز دارد هم از لحاظ ایده سیاسی که از سوی خرده بورژوازی حاکم دنبال میشود هم از لحاظ پراکتیک مشخص حمایت از جریانات سیاسی ضد کمونیستی!

آنچه از نظرایده سیاسی در تلاشهای بین المللی خرده بورژوازی حاکم مورد تاکید قرار میگیرد "مدور انقلاب اسلامی" برای تحقق بخشیدن به رویاهای پان اسلامیست است. این تلاشها اجبارا با مفهوم ملیت و ناسیونالیسم بورژوازی مخالفت و بنبغ اسلامیت و امت واحد و انترناسیونالیسم اسلامی بر آن حمله و ر میشود. اما از آنجا که محتوای این ایده چیزی جز بدست آوردن نفوذ سیاسی روحانیت باتکیه بر پایگاههای اجتماعی آن در هر کشور نیست. و از آنجا که این روحانیت و پایگاههای اجتماعی آن و مناسبات آنها با امپریالیسم و حکومتها در کشورهای مختلف غالباً کیفیتی ضد کمونیستی دارد، بنا بر این، این ایده، ایده ای ضد امپریالیستی و در عین حال ارتجاعی است. به علاوه، پراکتیک این چنین حرکت سیاسی، تا آنجا که واقعیت نشان میدهد عموماً تمایل به همگرایی، حمایت و کمک نسبت به جریانات سیاسی و جنبشهایی است که خردنه از موضعی دمکراتیک در عصر ما یعنی عصر امپریالیسم بلکه از موضعی واپسگرا - پان و از موضعی که خواهان حاکمیت دمکراتیک بوده ها نیست، با امپریالیسم و بورژوازی تضاد دارند. این چنین تناقضی، هم در تئوری و ایده ها هم در پراکتیک مبین هیچ چیز جز مبارزه از موضع خرده بورژوازی ارتجاعی با امپریالیسم و بورژوازی نیست.

برای مثال به همین مسئله "قدس" میتوان رجوع نمود. سالهاست که صهیونیستها فلسطین را به اشغال خود در آورده و آن را به یکی از مهم ترین پایگاههای امپریالیسم

آمریکا تبدیل کرده اند. سیاست توسعه طلبی اسرائیل از طریق جنگهای بی دریغی، سلطه صهیونیسم را تا مرزهای امروزی آن رسانده است. در میان نیروهای مختلفی که با انگیزه های گوناگون طبقاتی با صهیونیسم مبارزه میکنند آمده، ارتجاعی ضدیت با "قوم یهود" و تبدیل مبارزه، انقلابی خلق فلسطین و متحدین آن ها در سایر کشورهای عربی به یک مبارزه مذهبی اسلامی همواره یکی از موانع رشد حقیقی جنبش انقلابی بر علیه صهیونیسم بوده است. بر اساس این ایده، ارتجاعی فلسطین "ارض موعود یهودیان" نیست بلکه "ارض موعود مسلمانان" است (۱)

ورزید که با بدتمام اهالی اسرائیل را به دریا ریخت و این "اشغالگر" ان یهودی سرزمین اسلامی "رانا" بود که رو بیت المقدس را به صاحبان اصلی آن یعنی مسلمانان بازگرداند. البته در دنبال گفتار خود خواهند اتحاد تمام مسلمانان بر این "جهاد مقدس" گردید. این اراجیف اگر چه بر علیه و در ضدیت با اسرائیل و امپریالیسم پیشینیا و اواظهار میشود، اما از یک لحاظ بسوی آنهاست. زیرا نتیجه ای جز تائید رهبری ضد انقلابی بورژوازی صهیونیست اسرائیل بر توده های یهود که بلافاصله موجودیت خود را در خطر می بینند ندارد. و هم چنین از این لحاظ که محور اتحاد نیروهای

حکومتها بطور نسبی و لذا برای امپریالیسم حامی آنها دارد، اما از آنجا که محور اتحاد مردم را همانا اسلام قرار میدهد و اتحاد افشار و طبقاتی را که چشم به آئینده سبز نداشته، و از آن فرار میکنند، قرار میدهد، لذا این مسئله مطرح میشود که پس این "مدور انقلاب" و کلا نهضت های اسلامی در واقع بر علیه چه چیز و بنبغ کدام است؟ نسبی نیست، که این حرکت های خرده بورژوازی ارتجاعی موافق منافع و دولتهای امپریالیسم و دولتهای دست نشانده آنها نیست، و از این جهت که در تضاد با امپریالیسم عمل میکند، میتوان مورد بهره برداری جریانات ضد امپریالیست

سیاست بین المللی خرده بورژوازی حاکم در مبارزه با امپریالیسم و صهیونیسم درست بخاطر خصوصیت ضد کمونیستی و خصوصیت پان اسلامیستی که میل به اتحاد با نیروهای ضد کمونیست در کشورهای مختلف میکند، خلطی ارتجاعی دارد، اجرای چنین سیاستی بعنوان حرکات معین اگر چه قابل استفاده جنبش بین المللی و کارگری و نهضت های رهایی بخش بر علیه امپریالیسم و صهیونیسم میباشد اما بهیچ وجه بعنوان یک سیاست قابل حمایت نیست.

یا عبارت دیگر فلسطین "سرزمین اسلامی" است که قدس (بیت المقدس) مرکز آنست. این ایده، ارتجاعی همواره کوشیده است با اتحاد توده های زحمتکش خلق فلسطین برای سرنگونی صهیونیسم و بنای حکومتی دمکراتیک و انقلابی بی که در آن سیادت طبقات انقلابی به رهبری طبقه کارگر بروجود آید. ممانعت بعمل آورد، این ایده با لعن اتحاد مسلمانان را علی رغم هر قشر و طبقه ای که باشد تومی نمود و در نتیجه عمدتاً نهضت های شوونیستی مذهبی که طبقه رهبری آن در دست طبقات ضد کمونیست فلسطینی و کلا عرب میباشد را حمایت میگردد است. و این همان ایده ای است که خرده بورژوازی مرفه سنتی حاکم در ایران دنبال و بر این پایه روز قدس و کنفرانس قدس را برپا میکند.

هاشمی رفسنجانی در کنفرانس قدس مبلغ همین ایده، ارتجاعی بود. او به صراحت گفته ای را که به نا صر رئیس جمهور فقید مصر منسوب است * تکرار کرد و بر آن تاکید کرد * این نسبت از سوی دستگایهای تبلیغاتی صهیونیستی و امپریالیستی به ناصرا داده شده و بعنوان یکی از محورهای تهمینج و تحریک یهودیان جهان در دفاع از صهیونیسم و متحد نمودن ساکنان "اسرائیل"، بحول سیاست دولت صهیونیست بکار برنده شده است.

ضد صهیونیسم را اسلام قرار میدهند که از ملک حسین گرفته تا کارگر آواره فلسطینی را شامل میشود البته بنبغ ارتجاع عرب است که دائماً در پی غصب رهبری جنبش خلق فلسطین میباشد. اکثر سازمانهای با اصطلاح "نجات بخش" شرکت کننده در کنفرانس قدس نیز ایده های بهتر از این ایده، خرده بورژوازی ارتجاعی نداشته اند.

آیت الله خمینی که بقول مداح معروف فخرالدین حجازی، ایران برای او تنگ است و بایستد بر جهان حکومت کند، در سخنرانی روز عید فطر بگونه ای دیگر ایده، فوق را بیان نمود. سخنرانی وی در مقام بل سفرای "کشورهای اسلامی" به نمایندگی سفیر سومالی و در معیت صادق قطب زاده ایراد شد که خود نمودار دیگری از ترکیب طبقاتی اتحاد اسلامی بین المللی است (۱). در این سخنرانی وی به دولتتها نصیحت کرد که با مسلمانان کشورهای خود همراهی نکنند و متذکر شد که او بر ای "آشتی دولتتها و ملتتها" تلاش میکند، البته بشرط آنکه دولتتها نیز به نهضت اسلامی آنها بپیوندند. جالب اینجاست که اگر چه در سخنان "رهبر جمهوری اسلامی" "ایسران" مشکل مسلمانان "کشورهای دیگر" دولتتها این کشورها "ذکر میشود و از این لحاظ جنبه های نامطلوب و تحریک کننده بر علیه ایسران

و دمکرات انقلابی قرار گیرد. اما از آنجا که این خرده بورژوازی ارتجاعی آگاهانه میکوشد که خطی متمایز بر علیه کمونیستها و دمکراتهای انقلابی را دنبال کند، در نهایت بسود و نود انقلاب بر علیه امپریالیسم و طبقات ارتجاعی نخواهد بود. این حرکتها بخوبی شناختن خرده بورژوازی را در خود مجسم میکند، که از طرفی با بورژوازی بزرگ و امپریالیسم میستیزد و از طرف دیگر از پرتوهای وحشت داشته، و از آن میگریزد. از طرفی در ضدیت با امپریالیسم و بورژوازی بزرگ قرار دارد، و از طرف دیگر از

ضدیت با کمونیسم، ضدیت با اتحاد انقلابی توده های زحمتکش، ضدیت با جنبشهای انقلابی که به رهبری کمونیستها و دمکراتهای انقلابی برپا میشود و بالاخره تشکیل جنبه ای دیگر بر علیه کمونیستها اینست آنچه پان اسلامیسم یا بصورت دیگر شوونیسم مذهبی روحنانیت در خدمت آن درمیآید. و این است خلطی ارتجاعی سیاست بین المللی خرده بورژوازی ارتجاعی، علاوه بر خلطی ارتجاعی ایده، سیاسی خرده بورژوازی حاکم که علی رغم ضدیت آن با امپریالیسم و صهیونیسم بروز میکند، این خلطی در عملکردهای مشخص بین المللی آن نیز بوضوح دیده میشود. از یکسو بقیه در صفحه ۶

بقیه از صفحه ۱

نگاهی به...

در گذشته خلاف آنچه را بیکار به وی نسبت می‌دهند، بارها و بارها ابراز داشته، به نشریات قبلی رزمندگان و از جمله همان نشریه‌یی که مسوود استناد بیکار قرار گرفته، نگاهی میاندا زیم:

"بهر حال، با استقرار حاکمیت مناسبات سرمایه‌داری و درهم شکستن ستون فقرات فئودالیسم بر اثر فرم ضد انقلابی ۴۲ و رشد وسیع اما منحن سرمایه‌داری... با این وجود، سرمایه‌داری ایران وابسته و تحت سلطه امپریالیسم و امپریالیسم خودتاشیری قاطع در حاکمیت سرمایه‌داری و از بین بردن مناسبات ما قبل سرمایه‌داری داشت، سرمایه‌داری که امپریالیسم

رزمندگان شماره ۱۴ ص ۸، تاکید از ما ست "اینکه سلطه و بهره‌کشی و غارت امپریالیسم بر کشورهای تحت سلطه با نظام سرمایه‌داری وابسته دقیقاً وابسته به سلطه مناسبات اقتصادی - اجتماعی سرمایه‌داری وابسته است، امری آشکار است. اما می‌بینیم در پس این گفته‌های رزمندگان چه دید و تحلیلی نهفته است. و نتایج ناگزیر این تحلیلها چه خواهد بود. بر اساس نقل قول فوق و دید رزمندگان، گویا ابتدا سرمایه‌داری در ایران بطور خودیونکامل یافته و مستقلاً استقرار می‌یابد، و سپس طی روندی وابسته می‌شود. و با در حقیقت وابستگی بر آن سوار می‌شود. و در چنین حالتی "دینا میک خاص خود را را است" و "ساخته بلا را ده" امپریالیسم نیست. (با این معنی که عمدتاً دارای استقلال خاص خویش است) در عین حال رزمندگان وقتی از طبقه بورژوازی وابسته صحبت می‌کنند، باز هم در واقع همین دیدگاه را از جنبه اجتماعی قضیه منعکس می‌کنند و آن اینک گویا: کل طبقه بورژوازی در ارتباطی مستقیم و ارگانیک با سرمایه‌مالی امپریالیسم بوده و تا منفسز استخوان وابسته هستند. "بیکار ۶۲، ضمیمه

از خواننده عزیز پوز می‌خواهم که چینی نقل قول دراز را از بیکار آوردیم، ولی از آنجا که در این طور بخوبی نحوه استدلال و نتیجه‌گیری بیکار را از سخنان دیگران می‌توان مشاهده کرد، بناچار رو با وجود نرسیده و خسته شدن خواننده، آنها را نقل کردیم.

"رزمندگان" در عبارات استنادی بیکار نوشته است:

"بخصوص که این پایگاه یعنی سیستم سرمایه‌داری وابسته و طبقه بورژوازی وابسته ساخته بلا را رده امپریالیسم نباشد، و علیرغم وابستگی و تابعیت آن نسبت به سیستم جهانی سرمایه‌داری، دینا میک خاص خود را را است. "در اینجا بیروشنی رزمندگان در درجه اول بروابستگی سیستم سرمایه‌داری وابسته و تابعیت آن نسبت به سیستم جهانی سرمایه‌داری انگشت می‌گذارد، و سپس از دینا میک خاص آن سخن می‌گوید، توجه کنید دینا میک خاص نه دینا میک مستقل یعنی آنکه هر خواننده‌ای از نقل قول رزمندگان در مییابد که سیستم سرمایه‌داری وابسته که اولاً وابسته است و ثانیاً دینا میک خاص خود را دارد، بعبارت دیگر استقلال نسبی دارد و انگهی این نظر که سرمایه‌داری وابسته ایران در درجه اول و بصورت غالب وابسته است، و در عین حال استقلال نسبی دارد، بکرات در دیگر نوشته‌های رزمندگان آمده است، اما ببینید که بیکار چگونه از آن عبارات نتیجه می‌گیرد:

"به این معنی که عمدتاً دارای استقلال خاص خویش است" چه جالب! بیکار از عبارت "دینا میک خاص خود را علیرغم وابستگی دارد، با ساخته بلا را ده" امپریالیسم نیست "عمدتاً دارای استقلال خاص خویش است" را استنباط می‌کند. چه با بد کرد؟ این نوع نتیجه‌گیری را که در قوطی هیچ عطاری

بی‌بسته و بهر طریق، بخشی از ارزش اضافی حاصله در ایران را از سیکل باز تولید در ایران خارج می‌کند، و بدین طریق منافع مونوپولهای امپریالیستی و کشورهای متروپل را بر آورده می‌سازد. سرمایه‌داری نه تنها در خدمت سرمایه‌داری وابسته که در خدمت سرمایه‌ جهانی است، و وابستگی سرمایه‌داری نیز از ضروریات حرکت سرمایه‌داری است. (در کشورهای مثل ایران) بنا بر این بجز دینا میک با خواهم وابستگی را از سرمایه‌داری و اقتصاد خود حذف کنیم، سرمایه‌داری خود نیز با بد ضربه‌های بخورد و سلطه آن درهم شکند. زیرا سرمایه‌داری ایران نمیتواند حرکت مستقلی از کل سرمایه‌داری یا سرمایه‌مالی امپریالیسم داشته باشد. لیکن در عین حال که امپریالیسم در دیده ما بماند سرمایه‌مالی به عالی درونی تبدیل شده است، وجه مستقل خود را نیز دارد. و این همان امپریالیست‌های مشخص از قبیل آمریکا با غرب

آیا همه جوش و خروش بیکار بر علیه رزمندگان در مورد "طبقه بورژوازی وابسته" و ایراد آنها موضع گیری چپ روانه و شبه تروتسکیستی به رزمندگان ناشی از همین بیبختی "راست" بیکار را مبنی بر اعتقادش به وجود بورژوازی غیر وابسته نمی‌باشد؟

یا ژاپن می‌باشد. همانجا نه، بنظر می‌رسد که بیکار همان یک شماره و حتمی همان یک مقاله "رزمندگان" را بدقت بررسی نکرده است، و گرنه در یک نقدی که مضمون آن مباحثه رزه آیدولوژیک در جهت وحدت می‌باشد، حتماً می‌بایست به این مطلب توجه شود، که برداشت ما در قسمت‌های دیگر مقاله و نشریه تا حدی شده است یا نه! موضوع وقتی جالب می‌شود که بیکار در اثبات آن انتسابات عذیبه به رزمندگان از شماره‌های دیگر "رزمندگان" حجت می‌آورد، بیکار مینویسد:

"اما قضیه به همین جا خاتمه نمی‌یابد و ناخراف رزمندگان در تحلیل ساختار جامعه عمیق‌تر از آن است که در سایر نوشته‌ها بیرون نزنند آنها می‌گویند: "... موفقیت یا شکست عملکرد امپریالیسم ماکول و منوط به داشتن پایگاه مناسب در ایران است که بدون وجود این پایگاه امپریالیسم هرگز نمیتواند بر بنا می‌ها و منافع خویش را پیش ببرد. بخصوص که این پایگاه ساخته بلا را ده امپریالیسم نباشد، و علیرغم وابستگی و تابعیت آن نسبت به سیستم جهانی سرمایه‌داری، دینا میک خاص خود را را است. عملکرد امپریالیسم از نظر سلطه و بهره‌کشی بی حساب دقیقاً منوط و درگروا ما دگی. پایگاه آن یعنی سیستم سرمایه‌داری وابسته و طبقه بورژوازی می‌باشد. بدون تسلط مناسبات اقتصادی - اجتماعی و طبعاً طبقه خاصی که امپریالیسم از طریق آنها به غارت و بهره‌کشی خود ادامه می‌دهد و بدون تسلط گروه‌هایی که منافع امپریالیسم را تامین می‌کنند امپریالیسم نمیتواند سلطه نظام سرمایه‌داری جهانی را بر این کشور اعمال نماید. "رزمندگان

و بورژوازی داخلی به ایران ارزانی میداشت، سرمایه‌داری منحن و گندیده عصر امپریالیسم وزا شده بی‌مقتدر نظام سرمایه‌داری جهانی بود. و لزاماً با رتبه‌های مشکلات و ممانع عمرگندیدگی و زوال سرمایه‌داری راحتی بمراتب شدیدتر با خود حمل می‌کرد. و مهمتر اینکه با استقرار حاکمیت سرمایه‌داری در ایران منابع ثروت و دسترنج کارگران و زحمتکشان با شدت و وسعت بیشتری بتاراج امپریالیست‌ها میرفت. رشد و توسعه نیروهای تولید داخل کشور - هر چند بصورت وابسته، منحن و کمالاتنا موزون - زمینه‌ساز بهره‌برداری جدید از بسیاری منابع کشور و استخراج بیشتر ارزش اضافی از کارگران و زحمتکشان بسود بورژوازی وابسته و امپریالیسم گردید.

"رزمندگان شماره ۶ ص ۸ تاکید از ما ست "در اینجا رزمندگان بصراحت از نقش و تاثیر قطعی امپریالیسم در حاکم شدن سرمایه‌داری وابسته در ایران سخن گفته است، اما بیکار گویا فقط با خواندن یک شماره از "رزمندگان" قصد نوشتن نقد را پیش گرفته است. اما نمی‌تواند به همان یک شماره رزمندگان هم توجه لازم ننموده است. چنانکه در همان شماره رزمندگان در جهت خلاف برداشتهای بیکار چنین آمده است:

"این هواداران سرسخت استقلال معتقدند که وابستگی را در ایران باید بنا بود کرد، نه سرمایه‌داری وابسته را! آنها عملاً با جدا کردن وابستگی از سرمایه و قرار دادن آن در برابر استقلال، از کلیه طبقات و احاد مردم می‌خواهند که با هم متحدانه استقلال کشور کمک کنند."

شماره ۸ رزمندگان ص ۶ تاکید اول از ما ست. "هر کس میداند که سرمایه‌داری وابسته در ایران

بدون رهبری طبقه کارگر سیستم سرمایه‌داری وابسته به امپریالیسم نابود نمیشود!

نگاهی به ...

پیدا نمی‌شود، ناشی از توجه دقیق پیکار بیدار نیستیم، یا حامل برجیدگی بکنیم. بخصوص که این نوع نتیجه گیری و استنباط تنها همین یک مورد نیست. مثلا در همان قسمت رزمندگان می‌نویسد: "عملکرد امپریالیسم از نظر سلطه و بهره‌کشی بی حساب و دقیقاً منوط و درگرو آماجی پایگاه آن، یعنی سیستم سرمایه‌داری وابسته و طبقه بورژوازی وابسته می‌باشد. بدون تسلط مناسبات اقتصادی اجتماعی و طبعا طبقه خاصی که امپریالیسم از طرفی آنها به غارت و بهره‌کشی خود ادامه می‌دهد و بدون تسلط گروه‌هایی که منافع امپریالیسم را تامین می‌کنند، امپریالیسم نمیتواند سلطه نظام سرمایه‌داری جهانی را بر این کشور اعمال کند." همانجا

اما پیکار چنین برداشت و نتیجه گیری می‌کند: "در عین حال رزمندگان وقتی از طبقه بورژوازی وابسته صحبت می‌کنند، بازم در واقع همین دیدگاه را از جنبه اجتماعی قضیه منعکس می‌کنند، و آن اینکه گویا کل طبقه بورژوازی در ارتباطی مستقیم و ارگانیک با سرمایه‌مالی امپریالیستی بوده. ز تا مغز استخوان وابسته هستند." همانجا

بنظر می‌رسد که پیکار برای کودکان دیستانی تلم می‌زد، و گرنه "طبقه بورژوازی وابسته" کجا و "گویا کل طبقه بورژوازی در ارتباطی مستقیم و ارگانیک با سرمایه‌مالی امپریالیستی بوده، و تا مغز استخوان وابسته است" کجا؟ یا شاید پیکار گمان می‌کند که با دسته‌گوران طرف است. از خواننده و نیز پیکار انتظار داریم که چندبار عبارات بالای رزمندگان را مجدداً بخوانند، و ببینند که منظور رزمندگان این بوده است که "کل طبقه بورژوازی در ارتباطی مستقیم و ارگانیک با سرمایه‌مالی امپریالیستی است"؟!.

اگر پیکار با عبارت "طبقه بورژوازی وابسته" بران سر مخالفت دارد، و از جهت معنا و مفهوم با مرز بندی می‌کند لازم است که آنرا بصراحت و آرا علام کند، اگر پیکار میخواهد از "بورژوازی" وسط غیر وابسته خود که در پیکار شماره ۲۴ دی ری میشود، جان نبداری شما بدوستک غیر وابسته دن بخشی از بورژوازی ایران را بسینه می‌زد، را نیز با بصراحت باز گویند. نه اینکه از عبارت "طبقه بورژوازی وابسته" برآشفته شود و بجای آنکه مستقیماً با این عبارت مخالفت و مرز بندی آید، آنرا خمل بر اعتقاد سرمایه‌داری مستقل و دیوکند.

اگر پیکار هنوز از بندت هومات مربوط به بورژوازی ملی خود را خلاص ننموده است، اگر پیکار ز توجه معروفش در آستان با اصطلاح بورژوازی و قبول اینکه بورژوازی لیبرال ملی ایران وجود دارد، نشکسته است. بخصوص که در شماره ۲۴، این بورژوازی ملی را عوض می‌کند، و بصورت "بورژوازی متوسط غیر وابسته" درمی آورد، با بدبوضوح و با صراحت در برابر عبارت "طبقه بورژوازی وابسته" که همان طبقه بورژوازی بران میباشد، قد علم کند، و به مخالفت با آن

بپردازد، نه اینکه "طبقه بورژوازی وابسته" رزمندگان را با دستکاری بصورت "گویا کل طبقه بورژوازی در ارتباطی مستقیم و ارگانیک با سرمایه‌مالی امپریالیستی بوده، و تا مغز استخوان وابسته هستند" در آورد. تا ساده و آسوده‌یتوا آن مخالفت کند. نگند پیکار بر زبان بنیزانی میخواهد بیفهمانندگی بخشی از بورژوازی ایران بصورت غیر مستقیم وابسته می‌باشد، و مستقیماً در رابطه با سرمایه‌های امپریالیستی فرار ندارد! اما نه احمی در اینصورت نیویکیسار با یاد استوار روشن می‌ساخت که رزمندگان در کجا تمام بورژوازی ایران را "در ارتباطی مستقیم و ارگانیک با سرمایه‌مالی امپریالیستی" تلقی کرده است، و در کجا عبارت اختراعی "تا مغز استخوان وابسته" را بکار بسته است؟ بعلاوه،

و سرمایه مستقل و ملی، بهمین به آن می‌کند، که به بورژوازی ملی با وارد آمد، و چنین اعتقادی را راست روانه تلقی می‌کند. رزمندگان بکار در جزوه بررسی وضعیت سرمایه‌سی آئینده "از بورژوازی ملی" صحبت نمودن هم بدینصورت: "بورژوازی ملی خود نیز بطور غیر مستقیم وابسته است و بقای آن در ارتباط نزدیک با سرمایه‌داری جهانی است، بزبان دیگر بورژوازی ملی در مرکز کنونی به قطب‌های جهانی سرمایه وابسته است. از اینرو، مبارزه آن با بورژوازی وابسته امپریالیسم هیچگاه همدجانبه و بیگانه نخواهد بود، کآ رده‌سته خود را نمی‌برد." (بررسی وضعیت سیاسی آئینده ص ۸)

پیدا است که رزمندگان در بیمن ماه ۵۷ درهما

نروژ تسکینستهام صرفاً و خه کلی و جنبه یگانگی سرمایه‌داری کشورهای تحت سلطه با سیستم جهانی سرمایه‌داری را مورد توجه قرار میدهند.

این تازه، حدنهایت خوش بینی ماست، زیرا که پیکار در هیچ نوشته‌یی توبه خود را در برابر "بورژوازی ملی" یا عبارت جدیدتر "بورژوازی متوسط غیر وابسته" نشکسته است، و با به نهایت رساندن نوعی از وابستگی بورژوازی یعنی وابستگی "مستقیم و ارگانیک با سرمایه‌مالی امپریالیستی" و ابداع مفهوم "تا مغز استخوان وابسته" زمینه را برای قالب زدن بخش دیگری از بورژوازی وابسته ایران بصورت "بورژوازی متوسط غیر وابسته" یا "بورژوازی لیبرال" بخشا مرتجع نشده "قراهم می‌کند. بورژوازی ایران چه بصورت مستقیم در رابطه با سرمایه‌مالی امپریالیستی باشد، چه در رابطه با سرمایه‌مالی امپریالیستی باشد و چه در رابطه با سرمایه‌های وابسته داخلی - در هر حال بورژوازی وابسته میباشد، و در زمره "طبقه بورژوازی وابسته" که بیان خاص شده طبقه بورژوازی ایران است، محسوب میشود. سرمایه در هر شکل و در هر مقیاس و در هر گوشه جهان، بطرق مختلف در خورشیکه سرمایه جهانی و عملکردها از جاهانی گرفتار است، و تابع عملکرد قانون ارزش در مقیاس جهانی است، آنچنانکه هرگز نمیتواند محیطی مستقل از آن ثیر این بسا زار جهانی سرمایه جهانی برای خود فراهم نماید. و بخصوص که در کشوری مانند ایران، سیکل گردش سرمایه در ایران، هرگز بدون ارتباط با سرمایه، جهانی نمیتواند بسته شود، و با قطع ارتباط گردش سرمایه در ایران با سرمایه جهانی، همانا آغاز مرگ سرمایه در ایران فرامیرسد. بنا بر این هیچ سخنی از سرمایه مستقل و ملی و "بورژوازی غیر وابسته" در ایران نمیتواند مطرح باشد، و تکرار می‌کنیم: بورژوازی ایران بهر حال وابسته است. ما گردش سرمایه ملی، و بطریق اولی بورژوازی ملی نداریم.

جالب اینجاست که پیکار معتقد به وجود "بورژوازی غیر وابسته" رزمندگان را با وجود مخالفت قاطع اش در مورد موجودیت بورژوازی

جزوه مزبور، بورژوازی ملی را غیر مستقیم و وابسته حساب می‌آورد، نه اینکه آنرا غیر وابسته بداند، و آنرا به قطب‌های جهانی سرمایه، وابسته تلقی می‌کند، و بقای آنرا در ارتباط نزدیک با سرمایه‌داری جهانی میدانست. یعنی آنکه رزمندگان با بورژوازی ملی نه بعتنای بورژوازی غیر وابسته و مستقل بلکه بمشابه نوعی از وابستگی بورژوازی به سرمایه‌های جهانی برخورد می‌نمود، با این وجود رزمندگان از اینکه، بخشی از بورژوازی وابسته ایران را در گذشته بطور مجازی و از روی مسامحه‌کاری "بورژوازی ملی" می‌نامید، و نیز از سایر مواضع انتحرافی خود در گذشته انتقاد کرده است، رجوع شونده تا ریخسه سیاسی - تشکیلاتی سازمان ما

اما موضوع تمام نشده است! اگر پیکار، اعتقاد به بورژوازی ملی را که به رزمندگان در گذشته نسبت میدهد، گرا پیش و موضعی را نسبت ارزیابی می‌کند، باید بصراحت اعلام نماید که در برابر اعتقاد به "بورژوازی متوسط غیر وابسته" - توجه کنید که پیکار "بورژوازی غیر وابسته" می‌گوید نه "بورژوازی غیر مستقیم و وابسته" - چه می‌گوید؟! آیا همه جوش و خروش پیکار بر علیه رزمندگان در مورد "طبقه بورژوازی وابسته" و ایراد اتهام موضع گیری چپ روانه و شبه تروتسکیستی به رزمندگان ناشی از همین بیعتنای است "پیکار مبنی بر اعتقادش به وجود بورژوازی غیر وابسته نمی‌باشد؟ فعلاً قضاوت و ارزیابی در این مورد را نیز به بعد موکول می‌نمایم.

از این گذشته، نتیجه گیری مهم دیگری که پیکار میکند و آن نیز از همین نوع است که بازگو کردیم، اینست که پیکار از نظریه نقل شده از رزمندگان شماره ۱۴ ص ۸ چنین استنباط میکند: "بر اساس نقل قول فوق و دید رزمندگان گویا ابتدا سرمایه‌داری در ایران بطور خود پوتکا میل یافته و مستقلاً استقرار میابد و سپس طی روندی وابسته میشود، با در حقیقت وابستگی بران سوار میشود."

نگاهی به ...

راستش را نخواهید ما هرچه تقلا کردیم که در پس نقل قول پیکار از "روزندگان" شماره ۱۴ برداشت و نتیجه گیری پیکار را باک و بیم، چیزی دست گیرمان نهد، و در پس آینه چیزی نصب نگشت از روزندگان در آنجا بر ضرورت وجود پیکار مناسب برای سلطه و بهره کشی امپریالیسم تکیه میکنند... اما پیکار چنین نتیجه میگرد که منظور روزندگان آنست که ابتدا سرما به بطور خودپنو تکامل یافته و مستقلا استقرار می یابد، و سپس در طی روندی وابسته میشود، واقعا که با پیکار دست میریزد گفت. و از هنرش درس گرفت

حتم نیمه فتوادل و ستم بر سر بودن این پروت، تا خروارها تروتسکیسم و شبه تروتسکیسم و غیره بر توپا رکندند. اما این مسئله فقط به محافل م. ل. مقیسم خارج اختصاص نداشت، و در بین محافل و گروه های داخلی معروف به خط ۲ نیز تا چند سال پیش هرگاه سخن از سرما به داری وابسته بودن آن و وابسته بودن کل بورژوازی ایران بمیان میآوردی همین جریانهای داخلی نزدیک به ما - زمان انقلابی و اتحادیه کمونیستها و توفان... خوب تروتسکیسم را بر میداشتند، و از جمله ما که در چند سال پیش به "روزندگان" اشتها ر نداشتیم، سخت مورد لعن و دشنام این جریانها بودیم و بخاطر آنکه ایران را کشوری سرما به داری

تروتسکیستها صرفا به جنبه "ما هوی و خصلت اساسی" ما معرما به داری وابسته توجه میکنند، و به آثار و عواقب خاصی از وابستگی بی توجهی که ما توجه اند، بر عکس، پوپولیستها به این رابطه پراهمیت داده، و جنبه "ما هوی و خصلت اساسی" ما معرما به داری وابسته را از نظر دوزمی اندازند، در هر حال هر دو در این امر مشترک اند که مبنای اوضاع اقتصادی حرکت کرده، و کانون و محور بررسی و در نتیجه تاکتیک خود را نه مبارزه طبقاتی که اوضاع و احوال اقتصادی قرار دهند.

وابسته بحساب میآوریم، و به اساسی بودن تضاد کار و سرما به اعتقاد داشتیم، خوب تروتسکیسم رفق را بر سرمان میشکست. بهر حال، شکی نیست که تروتسکیسم گرایش خطرناک برای جنبش کمونیستی بشمار میرود، و به خصوص از نظر ما هم اکنون بسی خطرناک تر شده است، و باید که در برابر آن هشیار بود. اما موضوع مهم در این میان آنست که بعضی از ما "تروتسکیسم" را انسان استعمال میکنند که در چند سال پیش "رویزونیسم" را بکار میبردند. جریانها نات چریکی، رویزونیسم خروشچی را عمدتاً در معنای اعتقاد به گذار ما لمت آمیز و مخالفت با مبارزه مسلحانه بکار میبردند، و بر اساس چنین درک ناقصی بود که بعد از - میگوئیم بعد از - نسلت - حمایت نسبی - شوروی از جنبش های آزادیبخش آفریقا و ولفارو... عبارت دیگر بعد از کمکهای شوروی به مبارزه مسلحانه خلقهای برخی از کشورهای جریانی ما نیستند - سازمان چریکهای فدایی خلق اعتقادشان نسبت به رویزونیست بودن "حزب کمونیست شوروی" است. و بدنبال آن - البته نه فقط بدین دلیل - دیدیم که چه مواضعی اتخاذ کردید. اکنون نیز بییم آن میروید که درک محسود و وسطی نسبت به تروتسکیسم حکم بدی ست را در برابر ما ج آن داشته باشد. برخی از ما، ل. های ما بخاطر عدم مطالعه آثار تروتسکی و تروتسکیها و موضعگیری با تروتسکیسم نه از روی معرفت، بلکه از سر آنکه تروتسکیسم به گرایشی انحرافی معروف است، موضعی سخت شکننده و آسیب پذیر در برابر این گرایش انحرافی و خطرناک دارند، آنها باعتبار یکی دو وجه از عوارض تروتسکیسم و بدون توجه به جوهر اساسی تروتسکیسم، که همان دیدکل گرایانه، هگلی و اقتصادگرایانه است با آن مرزبندی

است که وقت که در امکان تقلا در عوارض تروتسکیسم را دارند. تروتسکیسم زمانه نیست، و به سبب هم که ما به بود، زمانی که انقلاب طلبی در حزب و کم توجهی به نقش سازمان انقلابیون هم نظر از بود، زمانی با انقلاب سوسیالیستی در یک کشور مخالفت میکرد، و زمانی که انقلاب دمکراتیک در دستور بود، بدنبال انقلاب سوسیالیستی میگشت، زمانی به اقتصادیات پریها میداد، و زمانی به سیاست اهمیت زیاد از حد میداد، اینها و بسیاری دیگر عوارض تروتسکیسم است، و اگر کسی یا جریانی م. ل. تروتسکیسم را فقط در قالب این عوارض بشناسد، سخت در برابر آن آسیب پذیر بوده، و برآورد حتی تروتسکیسم از مجرای دیگر بدون آن خواهد خرید. بگمان ما، امروزه پوپولیسم بخاطر جوهر نگرشی و محدود سوبیا تروتسکیسم علیرغم مرزبندی بظا هر غلاظ و شاد با آن، سخت در معرض رسوخ و تبدیل شدن به تروتسکیسم است. در اینجا نیز همچون مورد رویزونیسم - مثالی که نقل کردیم، تروتسکیسم را صرفا در شکل اعتقاد به سوسیالیستی بودن انق میشناسند، غافل از آنکه تروتسکیسم در اساس چیز دیگریست و موضعگیری چپ و از جمله اعتقاد به سوسیالیستی بودن انقلاب در مرحله انقلاب دمکراتیک یکی از جلوه های آنست.

اتفاقا تروتسکیستها هم همانگونه که ما معر ایران مینگردند که پوپولیستهای پیرو تاضا د عمده خلق و امپریالیسم، اگر برای این پوپولیستهای میهنی "ما نندرقای سازمان پیکار" تما میسر میسر ما به داری، و وابستگی حتی به نظریه نسبی و انتزاعی قابل تصور نیست و هر دو به وجود سرما به داری وابسته را یکی میندازند، و بیک سو آن هر دو را اساسی و اصلی تلقی میکنند و در ادامه بنا چاره "نظا وابسته" میسند، در مقابل تروتسکیستها هم صرفا وجه کلی و جنبه یگانگی سرما به داری کشورهای تحت سلطه یا سیستم جهانی سرما به داری را مورد توجه قرار میدهند، و تنها به تضاد اساسی کار و سرما به داری می اندیشند. تنها تفاوت این دو جریان آنست که تروتسکیستها در کشورهای تحت سلطه، وجه سرما به داری سیستم جهانی سرما به داری را صرفا تضاد کلی سرما به داری می بینند، و پوپولیستها وجه وابستگی آن کشورها به امپریالیسم و حاکمیت امپریالیسم را برای این کشورها کانون توجه قرار میدهند. این دو گرایش اگرچه نتایج متفاوتی از خود پیروز دهند، اما در اصل وحدت دارند و آن اینکه هر دو یک جانب موضوع را توجه دارند، و به جنبه دیگری توجه یا کم توجه اند، یکی سرما به داری بدون کشورهای تحت سلطه ما نند ایران را محور قرار میدهد و دیگری وابسته بودن آنرا، تروتسکیستها از توجه و آفریه وحدت، یکپارچگی و پیوستگی مثلا ایران با سیستم جهانی سرما به داری صرفا سرما به داری بودن را مبنای کار قرار میدهند و پوپولیستها از توجه و آفریه تحت سلطه بودن مثلا ایران در مقابل امپریالیسم صرفا وابسته بودن را اساسی کار می نهند. تروتسکیستها صرفا به جنبه "ما هوی و خصلت اساسی" ما معرما به داری وابسته توجه میکنند،

نتیجه گیری بازم جالب تر از جانب پیکار اینست که مینویسد: "در عین حال روزندگان وقتی از "طبقه بورژوازی وابسته" صحبت میکنند، بازم در واقع همین دیدگاه را از جنبه اجتماعی قضیه منعکس میکنند... خلاصه "میتوان نتیجه گرفت که روزندگان به تکامل خود پیوسته سرما به داری در ایران و سرما به داری مستقل در ایران معتقد است" خلاصه باید نتیجه گرفت، مهم نیست که طرف مقابل چه میگوید، مهم اینست که باید نتیجه گرفت که "روزندگان به سرما به داری مستقل ایران معتقد است" روزندگان میگوید "طبقه بورژوازی وابسته" پیکار نتیجه نمیگرد که "روزندگان به تکامل خود پیوسته سرما به داری در ایران و سرما به داری مستقل ایران معتقد است" "پیکار" معلوم میشود اگر کسی بگوید "طبقه بورژوازی وابسته" ایران، آنکس به سرما به داری مستقل ایران معتقد است. و شاید هم هرکس نه، و بلکه فقط روزندگان! چرا؟ گویا برای اینکه باید به جویندگان و صراحت کنندگان بروحت پیکار روزندگان گفت و بهر قیمت شده، ثابت نمود که نظرات "پیکار" و "روزندگان" زمین تا آسمان با هم فرق دارد، و نشاند که بین آنها اختلاف عمیق وجود دارد، بخصوص که روزندگان دارای "انحرافات عمیق" میباشد و از آن جمله تروتسکیسم! پیکار مینویسد که تحلیلهای روزندگان در مورد ساخت و اعتقادش به اینکه سرما به داری ایران مستقل و خود پیوست ملهم از گرایش تروتسکیستی میباشد. گرایش تروتسکیستی! شنیده ایم که استفاده از این انتساب در محافل م. ل. مقیسم خارج وسیعا مثل نقل و نبات رایج بود. و هر کس از خط الگویی معروف پوپولیستهای طواف گریه کعبه چین منحرف میشد، و او را سخته چوب تکفیر تروتسکیسم می بستند، کافی بود گویی که بالای

سرمقاله

درصدیت با اعمال نفوذهای مستقیم امپریالیسم تاقط رابطه دیپلماتیک و تا حد اشغال سفارت آنها تن در میدهد و در این راه به افشاگری و ضدیت نسبت به بورژوازی لیبرال میپردازد. این خود به منافع موجود امپریالیسم و بورژوازی ضربه وارد میکند. اما از سوی دیگر این حرکت با تبلیغ و تحریک بر علیه انقلابیون، سرکوب جنبش انقلابی خلق گردد، ضرب و جرح و دستگیری و اعدام کمونیستها همراه است. همین عملکرد در صحنه بین المللی از یکسویه مبارزه با

شان به امپریالیسم آمریکا است. این چنین است که شوونیسم مذهبی خرد بورژوازی مرتجع در نهایت به خدمت منافع در امدت امپریالیسم درمی آید. آنچه با این وحدت عینی را تشکیل میدهد حمایت مشترک از جریان ارتجاعی است که شوونیسم مذهبی خرد بورژوازی مرفه سنتی بر آن گسردن مینهد.

حمایت هیات حاکمه از سازمان "امیل" که یک سازمان شوونیستی و ضد کمونیستی وابسته به سوریه مینماید نمونه دیگری از عملکردهای

را در پرتو مبارزه با مظاهر افسوسناک امپریالیسم در دنیا ل میکنند سیاست خارجی آن نیز پیگیری همیشگی مشی در پرتو مبارزه با بین المللی با مظاهر از سیاستهای جهان نیستی امپریالیسم است. میگوئیم مظلومیت هر از سلطه و سیاست امپریالیسم زیرا کسی که در اتحاد با بورژوازی در حکومت قرار گرفته، ارکان ارتش را از زیر حملات توده ها و انقلابیون خارج میکند و دستگاه اداری و نظامی ارتجاعی را بنام انقلاب فرهنگی و اداری تقدیس می نماید و قوا نین ارتجاعی را یکی پس از دیگری بتمویب و اجراء درمی آورد و بر سیاست سرکوب جنبشهای انقلابی و اعدای کمونیستها تکیه میکند. گسردن بیش از این نمیتواند انجام دهد. سیاست بین المللی خرد بورژوازی

کمونیستهای ایران میبایست ماهیت واقعی سیاست خارجی هیات حاکمه را که در پوشش فریبنده ضدیت با ناسیونالیسم بورژوازی به اجرا درمی آید برای توده های زحمتکش و بخصوص کارگران افشا نمایند. انقلابیون کمونیست و دمکرات میبایست توده ها را بر این حقیقت واقف سازند که حکومتی که سرکوبگر جنبش انقلابی در کشور خویش است و انقلابیون و بویژه کمونیستها را در مقابل جوخه های اعدام قرار میدهد نمیتواند حامی خلقهای "مستضعف" جهان باشد.

حرکات معین اگرچه قابل استفاده جنبش بین المللی کمونیستی و کارگری و نهضت های رها بی بخش بر علیه امپریالیسم و صهیونیسم میباشد اما بهیچ وجه نمیتواند سیاست قابل حمایت نیست.

رویزیونیستهای مختلف (خرد شفیق و سه جهانی) که هر کدام به فراخور حال خود میکوشند تا در سیاست خارجی خرد بورژوازی حاکم و کلاه هیات حاکمه بپوشانند، برای خیزش بزرگ آن بیابند خطرناک ترین برگ ساقطت ارتجاعی این سیاست و در واقع ماهیت هیات حاکمه هستند. بسیار خطرناک اند چون با استفاده از واژه های مارکسیستی برای افسوسناک های ضد کمونیستی پدید آورده میافکنند و با خطرناک اند زیرا از مزه های شوم خود را بنام کمونیسم زیر گوش پرولتاریا و توده های زحمتکش سر میدهند. کمونیستهای ایران میبایست ماهیت واقعی سیاست خارجی هیات حاکمه را که در پوشش فریبنده ضدیت با ناسیونالیسم بورژوازی و مبارزه با امپریالیسم به اجرا درمی آید بر این توده های زحمتکش و بخصوص کارگران افشا نمایند. انقلابیون کمونیست و دمکرات میبایست توده ها را بر این حقیقت واقف سازند که حکومتی که سرکوبگر جنبش انقلابی در کشور خویش است و انقلابیون و بویژه کمونیستها را در مقابل جوخه های اعدام قرار میدهد نمیتواند حامی خلقهای "مستضعف" جهان باشد.



ژوازی حاکم در مبارزه با امپریالیسم، صهیونیسم درست بخاطر خصوصیت ضد کمونیستی و خصوصیت پان اسلامیتی که میل به اتحاد با نیروهای ضد کمونیست در کشورهای مختلف میکند، خصمتی ارتجاعی دارد. اجزاء چنین سیاسی بعنوان

سیاست خارجی حکومت است. جالب اینجاست که این سازمان از آنجاست که محور تشکیل خود را شوونیسم مذهبی شیعه و ضدیت با کمونیسم گذارده است لانه طبقات مختلف ضد پرولتری گردیده و جناحهای مختلف بورژوازی و خرد بورژوازی حاکم از آن دفاع میکنند. اگرچه ابتکار عمل این حمایت در دست بورژوازی حاکم و مهره های آن نظیر چمران و طباطبایی است، اما گسیل میلیونها دلار پول و اجاره فعلیتهای نظامی این سازمان در ایران توسط خرده بورژوازی حاکم صورت گرفته است و این نیز جلوه دیگری از خصمت ارتجاعی خرد بورژوازی حاکم است که از فرط ضدیت با کمونیسم و رهبری کمونیستها در اتحاد با بورژوازی قرار میگردد و در پوشش شوونیسم اسلامی و دفاع از شیعیان لبنان در صفوف خلق فلسطین تفرقه می افکند.

امپریالیسم مشغول است اما ما درست بخاطر اینکه این مبارزه نه بر علیه موجودیت واقعی و همه جا نباشد امپریالیسم بلکه بر علیه مظاهر آن است و تمام با مبارزه ضد کمونیستی است. در نهایت بسود بورژوازی و امپریالیسم تمام میشود. شرکت هیات نمایندگی جمهوری اسلامی در کنفرانس اخیر "مالک اسلامی" که با تأییدات خرد بورژوازی حاکم صورت گرفت بسیار نگرخصمت ارتجاعی سیاست بین المللی هیات حاکمه است. در این کنفرانس مرتجع ترین جناحهایی که با تکیه به بازیافتن موقعیت از دست رفته با حکومت افغانستان مبارزه میکنند و خود را در موضع حمایت از خلق افغانستان جایگزین میکنند تحت حمایت مستقیم هیئت نمایندگی ایران در کنفرانس شرکت کردند. والایته های سیاسی و مالی و حتی نظامی جمهوری اسلامی که ظاهراً نسبت به خلق افغانستان صورت گرفته است، در واقع به سازمانهای مرتجع نظیر "حرکت اسلامی" و امثالهم تعلق گرفته است. سازمانهای اسلامی که در عین حال اتکای عمده و اصلی

نگاهی به...

اوبه آثار و عواقب خاص ناشی از وابستگی بی توجه یا کم توجه اند، برعکس، بپولیتیکای این رابطه پراهمیت داده، و جنبه، ماهوی و خصمت اساسی جامعه سرمایه داری وابسته را از نظر دور می اندازند، در هر حال هر دو در این امر مشترک اند که بر مبنای اوضاع اقتصادی حرکت کرده، و کانون و محور بررسی و در نتیجه تا کنون خود را نه مبارزه طبقاتی که اوضاع و احوال اقتصادی قرار دهند.

ادامه دارد

یکما صفحه ۱

بورژوازی

نشان داد که چنین تفسیری تنها میتواند عمیق دور بودن خود از واقعیت را نشان دهد. بهاره ای گروهها نیز از نامنوب به "جامعه روحانیت" و یا "کاست حکومتی" و یا غیره مینمودند. در این حالت نیز خود ویژگی روحانیت بر تبیین طبقاتی پرده ساز می افکند و خود را از شریک تحلیل واقعی نجات میدهد.

بهر ترتیب کاملاً واضح بود که جناحی از حکومت (خرده بورژوازی مرفه سنتی) در این جریان منافع را دنبال میکند. و خواهان حل مسأله گروهگانه بصورتی است که بعضی منافع آنها تا مین گردد. از همین زمان است که جناح خرده بورژوازی حاکم به "خطا امپریالیسم" بعنوان دشمن اصلی میپردازد: "آمریکا دشمن اصلی ما است. تمام بدبختی های ما از آمریکا است" (آیت الله خمینی)

حکومت آیت الله خمینی اصولاً از این زمان به آمریکا آغاز میگردد. شورای انقلاب که مجمع عمومی هیات حاکمه باشد، جای دولت بورژوا لیبرالها را میگیرد، و مستقیماً در عرصه هر میثاق خود به شورای انقلاب با ترکیب بورژوا - خرده بورژوازی خود به مثابه دولت متجلی میگردد. و اداره امور را بطور مستقیم بدست میگیرد. این در شرایطی است که توده ها وسیعاً به مبارزه بر علیه امپریالیسم کشیده میشوند. میلیونها مردم آمریکا را برای هرگونه مبارزه اعلام میکنند. لیکن مبارزه توده ها علیه امپریالیسم کجا و شورای انقلاب کجا؟! در ابتدا، شورای انقلاب بطور کلی مسئله گروهگانه ای آمریکا را مسکوت میگذارد و به کوششهایی به خرج میدهد تا آنها را با شاه معاوضه کنند. اما این کوششها که در مجموع در جهت حل آرام و بی دردسر مسئله گروهگانه است بلافاصله با بلوکه کردن اموال ایران در آمریکا، قطع وارد کردن نفت از طرف آمریکا و پیشنه دامحاره اقتصادی

توده ها بر علیه مظاهر ظالمانه حضور امپریالیسم و متحدین داخلی آن میگردد. امری که نتایج طبیعی تاریخی حرکت توده ها در سیر خویش جنبه طبقاتی خود را به خوبی نشان داد. نشان داد که چگونه مبارزه با امپریالیسم، خود جنبه طبقاتی دارد و تابع منافع و خواسته های تاریخی طبقات حاضر در این مبارزه است. توده ها برای مبارزه با امپریالیسم مظاهر عینی آن را اعم از سرمایه های وابسته، سرمایه داران و... به با حملات خویش گرفتند. و مرزهای محدودی را که جناحی از هیات حاکمه در دل سیستم موجود بواسطه تضادهای نسبی با سرمایه انحصاری برای درگیری خود با امپریالیسم ترسیم کرده بود، شکستند و مظاهر را سی این سیستم را نیز به مبارزه خواندند.

توده های یاسیج ارتش ۲۰ میلیونی از طریق آموزش نظامی و ایجاد هسته های نظامی با فرماندهی جداگانه از ارتش بمرحله عمل در میآید. جهاد سازندگی و پاسداران بطور جدی نیرو میگیرند و ابوابتکار ریساری کارها و اعمال را بدست میآوردند.

نباید حکومت مستقیم شورای انقلاب را حکومت خرده بورژوازی تلقی کرد. ترکیب طبقاتی شورای انقلاب ترکیبی خرده بورژوا - بورژوازی است. این ترکیب خود منشا بسیاری اختلافات درون شورای انقلاب میگردد و انعکاس آن در سیاست روزمره هیات حاکمه بخوبی مشهود بود. هنوز ارتش و بوروکراسی در نفوذ بورژوازی حاکم میباشد. و بطور کلی

نباید حکومت مستقیم شورای انقلاب را حکومت خرده بورژوازی تلقی کرد. ترکیب طبقاتی شورای انقلاب ترکیبی خرده بورژوا - بورژوازی است. این ترکیب خود منشا بسیاری اختلافات درون شورای انقلاب میگردد و انعکاس آن در سیاست روزمره هیات حاکمه بخوبی مشهود بود.

هر دو در حاکمیت قدرتمند هستند. لیکن همانطور که قبلاً دیدیم در این قدرت حاکم خرده بورژوازی مرفه سنتی است که غلبه دارد و هر از چند گاهی غلبه خود را نیرومندتر میکند. میگویند: آنچه در دست خرده بورژوازی حاکم است قدرت صوری است نه واقعی! آنها بسیاری از ارگانهای نوظهور را از یک طرف و موقعیت انجمن های اسلامی ارتش و بوروکراسی و نفوذ معنوی خرده بورژوازی حاکم را که هم اکنون اهمیت آن معلوم شده مورد توجه قرار نمیدهند. قدرت صوری قدرتی است که در واقع هر عملش منافع بورژوازی را در بر دارد و تابع و تحت سیطره قدرت واقعی "بورژوازی است. ولی آیا وضعیت خمینی چنین است؟ آیا او تابع بازرگانان بود؟ آیا میتوان گفت اقدامات بسیج، جهاد سازندگی، پاسداران، بورژوازی حاکم را تقویت کرده است در حالیکه بازرگانان هنگام برکناری خود از نخست وزیری با آنها به همین قدرت هایی که خارج از اراده بورژوازی حاکم بود میگویند:

"نجات مملکت و به شمر رساندن انقلاب بدون وحدت کلمه و وحدت مدیریت میسر نمی باشد."

و اینکه او و وزیرانش با رها کردن دست چاقویی مینا منده تیغه اش (یعنی بخش اصلی اش) در دست دیگری است. بهشتی در توضیح همین مسئله میگوید:

"خط فکری شان (بازرگان و بیزدی را میگوید) در مورد سیاست انقلابی ایران از اول هم خطی است که با ما بخوانند نمی یافتم. و ما از همان اول حس میکردیم نقطه نظرهایمان متفاوت است..... تا وقتی که این آقایان به این نتیجه رسیدند که نمیتوانند با بیای این نقطه نظرها بیایند و

در این حال منازعه میان بورژوا لیبرالها و خرده بورژوازی حاکم حول مسئله گروهگانه ها و سایر مسائل روبه وسعت میگذارد. بورژوا لیبرالها بتغییر گروهگانه گیری میپردازند و دانشجویان را ماجراجویان خطاب میکنند. در حالیکه خرده بورژوازی حاکم میگوید: تنها درازای بازپس دادن شاه و اموالش ما میتوانیم گروهگانه را به آمریکا پس بدهیم. بورژوا لیبرالها برای اینکار حتی اعلام آمریکا منعی بر اینکه در ایران اشتباه کرده است را کافی میدانند.

افشای بورژوا لیبرالها آغاز میشود. ارتباط دولت موقت (بازرگان و دیگران) با آمریکا، رابطه امیرانتظام، مقدم مراغه ای، دیگران با آمریکا، تغییر بعضی وزرا و سپردن رادیو و تلویزیون بدست خودکشی ها و اینک نهضت آزادی مورد توجه امپریالیسم آمریکا است و... اوضاع را بشدت برین بورژوازی حاکم تغییر میدهد. اگرچه شورای انقلاب با این افشاگریها

در پی اشغال سفارت آمریکا افشای بورژوا لیبرالها آغاز میشود. ارتباط دولت موقت (بازرگان و دیگران) با آمریکا، رابطه امیرانتظام، مقدم مراغه ای، نریه و دیگران با آمریکا، تغییر بعضی وزرا و سپردن رادیو و تلویزیون بدست خودکشی ها و اینک نهضت آزادی مورد توجه امپریالیسم آمریکا است و... اوضاع را بشدت برین بورژوازی حاکم تغییر میدهد.

اظهارات رضایتی میکنند و توقف آنها را خواستار میگردد ولی لا اقل پس از آنکه دانشجویان از قول مذاکره آمریکا با حزب جمهوری اسلامی را ضد امپریالیسم ترین حزب ایران (ا.ا) مینامند، جناح خرده بورژوازی حاکم از مسئله گروهگانه ها برای تحکیم موقعیت خود بهره برداری کامل میکند. گروهگانه ها به حیثیت جمهوری تبدیل میشوند. و حفظ آنها در دستور قرار میگیرد. درگیری با آمریکا وارد مرحله جدیدی میگردد و طرح بسیج

به سازمان ملل و کشورهای امپریالیست اروپایی و سرانجام قطع رابطه سیاسی از طرف آمریکا همراه میگردد. شورای انقلاب در عمل پیوسته یک قدم از آمریکا عقب تر میماند. تعرض از جانب آمریکا است. و شورای انقلاب تنها پس از قطع خرید نفت است که اعلام میکند دیگر به شرکت های آمریکایی نفت نخواهد فروخت.... مسئله سفارت آمریکا، روحیه ضد امپریالیستی مردم را بشدت بالا میبرد و موجب گسترش مبارزات

نابود باد سرمایه داری وابسته به امپریالیسم

بورژوازی

بورژوازی با منتهی‌بوی خود در داخل کشور با تمام تاراج از این فرم بوروکراتیک عمل کرده است. آقای بازرگان عجیب تکیه‌داشته‌اند روی اینکه همه کارها را بیزندتوی همین کالهای بوروکراتیک و بهمین دلیل خیلی ضربه خوردیم.

بورژوازی برای انجام "امور" پیوسته سازماندهی میکنند و وقتی فریاد بورژوازی از فغد آن وحدت کلیه و مدیریت بلند میشود، با یدانست که او نتوانسته "سازماندهی" مطلوب خود را متحقق سازد. از لحاظ اجرایی ارتش و بوروکراسی ذوی‌الاملی محسوب میشوند. در کنار این دواگان اصلی که پیوسته مورد حمله خرده بورژوازی واقع میشوند ما دهها ارگان غیر متمرکز چه در شهرستانها و چه در تهران میبایم که فرماندهی آنها در دست بورژوازی نیست و مستقیماً از خرده بورژوازی محلی یا سازمانهای متمرکز خرده بورژوایی دستور میگیرند. این قدرت صوری نیست! واقعی است!

و اینها را نگاه میکنند. آنها نمیتوانند دریا بند که صدتاییها به انحصاری انسان را در موضع انقلابی قرار نمیدهد. بلکه ضدیت از موضع انقلابی، یعنی از موضع مصالح و منافع آتی خرده بورژوازی میتواند چنین ضدیتی را ما هیئت انقلابی بدهد. خرده بورژوازی مرفه‌سنستی، با سرمایه‌انحصاری و امپریالیسم تضافات می دارد که از موضع خرده بورژوازی فقیر و متوسط یعنی از موضع انقلابی و دمکراتیک نیست. آنها در عین نزدیکی به بورژوازی و تحکیم منافع آتی خویش، تضافاتی با سرمایه‌انحصاری دارند که ابداً به آنها ما هیئت انقلابی نمی‌بخشد. بعکس هما نظر که می‌بینیم آنها دقیقاً نه تنها برضد حرکت انقلابی پرولتاریا که برضد حرکت جناحهای دیگر خرده بورژوازی مثل مجاهدین خلق که از موضع دیگری ما همین سرمایه در ضدیت بسر میبرند، عمل می‌نمایند.

از زمان اشغال سفارت بدین سویش عظیمی از سهام خارجی بانکهای ایران و همچنین

قدرت صوری، قدرتی است که در واقع هر عملش منافع بورژوازی را دربردارد. رد و تابع و تحت سیطره قدرت "واقعی" بورژوازی است ولی آتیا وضعیت خمینی چنین است؟

سهام امپریالیستی در صنایع به حالت بلوکه در می‌آید. اگر چه سرمایه بست تجارت خارجی سوق داده میشود، اما این امر بورژوا لیبرالها را به موقعی شدد بر علیه خرده بورژوازی حاکم میکشاند. آنها فریاد بر می‌آورند که اینکار نظم جامعه و حتی نظم جهانی را بهم میزند. و خرده بورژوازی نیز به نوبه خود بر سر کارگران فریاد میزند: "برای شرایط بهتر، برای آزادی واقعی، برای یکسره کردن کار سرمایه‌داری وابسته فریاد بزنید!"

امپریالیسم که چشم خود را به بورژوازی لیبرال و خیل جاسوسان و فرماندهان مزدور ارتش دوخته بود او را به حرکت ضد کمونیستی و ضد انقلابی خرده بورژوازی حاکم بود، تدریجاً با روی دیگری یعنی در عین حال تضعیف بورژوازی حاکم و ضدیت خرده بورژوازی با سرمایه‌انحصاری هر چند محدود و ضعیف روبرو میگردد.

بورژوازی حاکم از لحاظ اقتصادی نمیتوانست سیاستی جز نزدیکی با انحصارات بیسن المللی و برآه انداختن "اقتصاد سابق" مرحله عمل در آورد. لغو بسیاری از قراردادها و تقسیم بخشی از درآمدهای دولتی برای جهاد سازندگی، مصادف بسیاری از کارخانه‌ها و اموال سرمایه‌داران سابق در بنیاد دستفغین، تغییر طرح اصلاحات ارضی و قبول بعضی رفرمها تحت فشار جنبش دهقانی، همگی برنامه‌های بورژوازی لیبرال نیستند. وضعیت آنرا از لحاظ اقتصادی تا قبل بلاماطله و بطور کوتاه مدت مورد مد نظر قرار میدهد. نمونه آن ملی شدن تجارت خارجی است که با عکس العمل وسیع بورژوازی مواجه گردید و غیر قابل اجراء شد.

مسئله‌ای که با ید به آن توجه کرد جنبش بوده‌ای وسیع در این دوران است که به علت ضعف کمونیستها و نیروهای انقلابی بدست خرده بورژوازی حاکم کنترل میشود. و بر امواج آن سوار شگرد و نتایج آنجا که نمیتوانند در برابر بورژوازی به تقویت وی بیانجامد آن سود میجوید. منشاء این بهره‌برداری و اصولاً آنچه که گفتیم چیزی نیست مگر تضاد نسبی خرده بورژوازی حاکم با امپریالیسم و سرمایه‌انحصاری. بعضی جریانها سیاسی م. ل. در برابر آنچه که ما میگوئیم میگویند: نه! این حکومت چیزی جز حکومت بورژوازی امپریالیسم نیست. بعبارت دیگر این تضادها و اختلافات را که هزار چندگانه‌ها می‌شدند در درون حکومت وجه در سطح جهانی تظاهر میکنند تضادها می‌باشند. درون بورژوازی بطور کلی محسوب میکنند و در نتیجه آنها را تضادی درون "بورژوازی جهانی" میدانند. آنها همانطور که قبلاً اشاره کردیم به وقایع و حوادثی که میگذرد اعم از تصرف سفارت آمریکا و یا تاشیدن عمل و غیره به چشم "سناریو"

کوچک و بزرگ و در هر دو طرف با خواستهای متفاوتی در مقابل یکدیگر ایستاده‌اند. سفارت آمریکا با اعتقاد بر اینکه سرمایه‌داری مذبوحانه روبرو نیست با (همه‌تاهم)، مبنای رده طبقاتی رشد کند. و این مبارزه که ما با برضد زمینداران و سرمایه‌داران و به ابتکار توده‌ها انجام میگیرد، عموماً با کشتار و قهر و غلبه پاسداران رژیم مواجه میگردد: هیات حاکمه بر سر سرکوب توده‌ها و بطور کلی حفظ سیستم موجود اتفاق نظر دارد.

در کارخانه‌ها بویژه بر خورد بر سر مزد، نیازمند بهای زندگی، گریه‌خانه و غیره، امکان راه افتادن سرمایه‌براحتی را از آن سلب میکند. بحسب میزان سیاسی، بحران اقتصادی را دامن میزند و محاصره اقتصادی امپریالیست‌ها به آن اضافه میگردند (هر چند محدود). روز بروز جمعیت بیشتری از کارگران (علیرغم ادعاهای حکومت در حل مسئله بیکاری) به صف بیکاران می‌پیوندند. سرمایه‌داران کسسه وضع بورس و سرمایه‌گذاری‌ها را تا مساعدر می‌بایند، حاضر نیستند سرمایه‌گذاری کنند! این روند همچنان ادامه دارد. پس از این اوضاع بورژوازی مغلوب و غالب هر دو تلاش میکنند بهره‌برند. حزب رسمی جمهوری خلق مسلمان که ترکیبی از بورژوا لیبرالها و بورژوازی انحصاری سابق باشند، در آذربایجان دست به تعرض میزند و این تعرض با شکست روبرو میگردد: یکبار دیگر لیبرالها مورد حمله واقع شده و مورد افشاکری واقع میشوند.

در چنین اوضاع و احوالی است که انتخاب ریاست جمهوری آغاز میشود. کشاکش درون حکومت تا این زمان چند نکته اصلی را به ما نشان میدهد. درگیریهای درون حاکمیت ریشه بورژوایی - خرده بورژوایی دارند. و در طی این مدت بورژوازی لیبرال صدمه‌هاست قابل توجهی از لحاظ افتاء آنها در برابر توده‌ها و نتوانی در سازماندهی مناسب متحمل میگردد. امپریالیسم که در دوره اول متوجه موقعیت بورژوازی لیبرال و تا مین منافع خود از طریق آنهاست و امیدوار است در طی پروژه حاکمیت بورژوازی غالب گردد و اوضاع کاملاً مساعدی برای آن فراهم گردد، در درودوم با واقعیتی مواجه

آنها نمیتوانند دریا بند که ضدیت با سرمایه‌انحصاری انسان را در موضع انقلابی قرار نمیدهد. بلکه ضدیت از موضع انقلابی، یعنی از موضع مصالح و منافع آتی خرده بورژوازی میتواند چنین ضدیتی را ما هیئت انقلابی بدهد.

در عین حال ما با گسترش مبارزه توده‌ها روبرو میشویم. گسترشی که تا او اخر سال گذشته آنچنان وسیع است که امپریالیسم را از ذهن خرده بورژوازی حاکم بیرون میکند. کارگران و دهقانان دست به مبارزه با کارفرمایان و زمینداران بزرگ میزنند. لایحه واگذاری اراضی موات نمیتواند خواهسته‌های توده‌دهقانی را پاسخ دهد و آنها به درگیری و برخورد های قهرآمیز با عوامل حکومت و زمینداران کشیده میشوند. جنبش بیکاری اوج میگیرد و به شورش بیکاران در شهرهای

است که توسط به اقداماتی از قبیل فشار به جناح خرده بورژوایی حکومت از طریق محاصره، قطع خرید نفت، وتدارک نیروهای فراگزمان شاه خاش، ضروری میشود. آنها امید خود را به بورژوا لیبرالها از دست نمیدهند اما از این طریق راه را برای وادار کردن جناح خرده بورژوازی به تاسی از بورژوا لیبرالها همواره میکنند، کاری که در آینده با زهم نتوانست مورش با شوهما نظور که نشان خواهیم داد امپریالیسم آمریکا را واداشته است

بورژوازی

تا برای اینجا در رابط مناسب جهت هر چه بیشتر بهره برداری از ایران از هر لحاظ (سیاسی - اقتصادی - نظامی) بوجود آورد.

نکته ای که در اینجا باید بدان دقت کرد این است: در حال حکومت علیرغم تضادهای درونی در برابر توده ها و سرکوب آنها، سرکوب کارگران و کمونیستها، خلقهای تحت ستم... وحدت دارد. و مبارزاتی را که بر علیه سیستم حاکم، بر علیه امپریالیسم از موضعی انقلابی صورت میگیرد، سرکوب میکند، چنین اندوخته های اطمینان حاکمیت در این دوران.

با تضعیف موقعیت بورژوازی لیبرالها، آنها چشم خود را به انتخاب تریاست جمهوری و مجلس شورای میوزند. برخلاف نظراتی که معتقد به وجود بورژوازی ملی در ایران هستند، ما یقین داریم می بینیم که حرکات بورژوازی جز در جهت تحکیم روابط با امپریالیست ها و استقرار نظم به شکل سابق نیست. با ازدوسویا دهدف متماز میزور د حمله قرار دارد. اول توده ها برای اینکه مبارزه آنها بطور کلی بر دسر ما به داری وابسته است و دیگر خرد بورژوازی حاکم که ضحیت با سرمایه

داری اشعاری در مورد بورژوازی حاکم در ایران در طی این مدت اساساً شمشیر خود را با امپریالیسم بخوبی نشان میدهد. و سه ستاره امید خلقی امپریالیسم تجلی می نماید. عوامل دولت نه فوق مانع از تحکیم موقعیت آن میگردد. و هر چه به جلو می آئیم ضرباتی که به آن وارد میشود بیشتر است. هیات حاکمه ضد انقلاب، دشمن توده ها، دشمن خلقهای انقلابی، دشمن کمونیستها

در میان مردم، اما دشمن مردم، اما سنگسار جمهوری "اما مخالف ولایت فقیه و نزدیک بسسه فقیه، عضو حکومت، عضو شورای انقلاب، اما بیوسه سته در اپوزیسیون سرباز آورد توهم همه توده ها و اختلافات درونی هیات حاکمه را پایه قدرت یا بی خویش قرار دهد. چنین کسی میبایست جامعه ای را نجات دهد که مدتها درگیر تضادهای نجات نیافتنی است.

از دوران این اوضاع بشو، تنها میتوانست یک خادم بورژوازی، مرموز اما مشهور، ساخته شده، اما ناشناس در میان مردم، اما دشمن مردم، اما سنگسار جمهوری "اما مخالف ولایت فقیه و نزدیک به فقیه، عضو حکومت، عضو شورای انقلاب، اما بیوسه در اپوزیسیون سرباز آورد توهم همه توده ها و اختلافات درونی هیات حاکمه را پایه قدرت یا بی خویش قرار دهد.

دردون خود دجرا اختلافات شدید است بطوریکه در انتخابات رئیس جمهوری توانایی کاندید شدن توری یک رئیس جمهور را ندارد! کبر بورژوازی نماینده برجسته و مشهور خود بنام مدتی را میگذراند ان میفرستد، خرد بورژوازی نمیتواند بر سر یک شخصیت متماز بر جسته اتفاق نظر پیدا کند: قاری در همان هفته های اول نمیتوان یک افغانی بزرگسوال میزود، از درون این اوضاع بلشوی، تنها میتوانست یک خادم بورژوازی، مرموز اما مشهور، شناخته شده، اما ناشناس

ادامه دارد

کردیم. توده محدود و تنگنوریک و بزداشت تا درست از جنبشهای دهقانی، در شایلی کسه جنبشهای دهقانی در خراسان با معادله زمینهای زمینداران بزرگ آغاز گشت، شروع بحرا - نهایی ایدئولوژیک و روشنفکرانه تضادهای درونی ما بود و هدف تحقیقاتی ما تحت الشعاع خود قرار داد... در بحث های ابتدایی به این نتیجه رسیدیم که باید با علیه بر روحیه محفلی و تنگ نظرانه یکی از قطب های جنبش کمونیستی که با آن در رابطه با عمیق ترین مسائل ایدئولوژیک - سیاسی وحدت داریم نزدیک شده و فعال نیست سیاسی خود را چه در زمینه مبارزه عملی ایدئولوژیک در رابطه با آن قطب آدا مه دهیم. همچنین در این بحث ها اولیه بود که ما به نفعی کار با مضمون و شکل گذشت رسیدیم و شروع به جمع بندی نظرات خود در رابطه با اوضاع سیاسی تضادهای طبقه ای، وضعیت و ماهیت حاکمیت، کزدیم. و با این مرز بندی های کم و بیش مشخص وضعیت خود را از طریق بررسی نظرات قطب های درون جنبش کمونیستی در این زمینه مشخص و وضعیت خود را تا می که داداشیم، با این قطب ها مشخص کردیم. از طریق همین برخورد های مشخص بود که ما (پیا مروستا - خراسان) در زمینه ها عمیق ترین مسائل ایدئولوژیک



مکانات و غیره بود، آنچه مربوط به ما (پیا مروستا - خراسان) در طول یکسال گذشته میباشند مختصراً ذکر میکنیم: اکنون یکسال از شروع فعالیت ما در پیا مروستا - خراسان میگذرد. کار سیاسی ما با اشتیاق و شریه پیا مروستا شکل منسجم گرفت. شکل ما نیز که متاثر از شرایط منطقه خراسان و در شان ما نبود، ساخت اقتصادی - اجتماعی منطقه خراسان و شرکت در میزات زحمتکاران روستا - بی تعیین نموده و بر اساس مرز بندی با جریانات احزاب افی و اپورتونیستی (حزب توده، سه جهان) شروع یکساز

بقیه از صفحه ۱ خیر مقدم میگوئیم. در زیر بخش هایی از پیا - نیه این رفتار را میخوانید:

بیانیه پیام روستا

فقط با بندش مورد یک با سیاسی ها که در کار انقلابی بر آبرو نایش از بیم رفع نارسایی ها است وجود داشته باشد "لنین"

در طول یکسال گذشته عرصه های جدیدی از فعالیت در میان طبقه کارگر و سایر زحمتکاران برای نیروهای (م. ل) گشوده گردید. پیدایش هسته ها، محفلیها و گروه های پراکنده که خود معلول دوران کودکی جنبش کمونیستی و ناشی از سکتاریسم و اکونومیسم در سازمانهای عمده کمونیستی در ایران بود، حرکت خود جوشی محسوب میگشت که این شکل های پراکنده را برای شرکت در میزات طبقه ای جاری در جامعه بدون ارتباط با جریانات سراسری پدید آورد. این شکل ها که عمدتاً با تلاشهای پیگیر عناصر و فعالین کمونیست، روشنفکران انقلابی و

مرکز برای امپریالیسم آمریکا و ارتجاع داخلی!

بقیة صفحه ۱۱

تفاوت نمیکرد اما بطور کلی در سرا بر ایران فعالیت کمونیستها
بیش از نیروی دیگر در مشکلات جدیدی قرار گرفت .

اما همچنانکه خصیصه کمونیستها و فعالیتهای کمونیستی است
هیچکدام از مشکلات فوق مانعی غیر قابل جبران نبوده و نیستند .
خلافت و ابتکار کمونیستها و تکیه آنها به توده ها همواره راهگشای
تداوم فعالیتهای آنهاست .

فعالیتهای مخفی در سازمان نهدی، گسترش یافت و برخی از فعال
لیتهای علی (نظیر انتشار روپخش) نیز به عرصه فعالیتهای مخفی
افزوده گشت . اما تماس با توده ها بطور کلی و خصوصا در ایما وسیع فعال
لیت جنبش کمونیستی نمیتواند مخفی باشد البته این تماسیکه بر نامه
ریزی و هدایت جنبش توده ای محصول آنست در محیط کار روزنگسی
توده ها از طریق شوراها و تشکلهای دیگر ادامه داشته و دار و تنهادر
شکل آن تغییراتی حاصل میشود . اما هنوز برای بسط آگاهی و تبلیغ
و ترویج میان توده ها ابتکار و خلاقیت جدیدی لازم بود .

"بساط"ها با ریدر وظیفه، تماس با توده ها و تبلیغ و ترویج
مستقیم و حضوری در میان توده ها را بعهده گرفتند . با ریدر بساط ها
بعنوان کارکنان علی مبارزه کمونیستها و انقلابیون بمبستدان
آمدند . کار ما به این کارکنان کوچک که چون قارچ از گوشه و کنار
شهرها و بعضا قصبات سردر آورده اند چیست ؟ عزم آهنین انقلابیون
و کمونیست ها کذا از طریق هزاران هوادار مصمم و پر شور و روزه اجسرا
درمی آید : انقلابیونی که هر روز توده کوچک اما غنی خود را از کتا بها
جزوات اعلامیه ها ، نوشته های دیواری به کنارت کوجه ها و خیابانها ،
گودهای فقیر نشین و محلات کارگری به ارمان میبرند . غرفه های
کوچک اما باشکوه "انقلاب" را تزیین میکنند و مصمم و خون سرد در کنار
آنها برای انجام وظیفه انقلابی خود میایستند . اینها هستند قهرمانان
کمان و فرآوان جنبش انقلابی جامعه ما .

علی رغم تلاشهای جناحهای مختلف حاکم در برچیدن بساط انقلاب
بیون ، فعالیت انقلابیون به همراه اعتبار و نفوذ آنها روبه گسترش
است و نشانه بارز این گسترش افزایش تعداد بساط ها و استقبال
مردم از آنهاست . در ۲ ماه اخیر ما شاهد حملات بر نامه ریزی شده ای به
بساط ها در شهرهای مختلف بوده ایم . نمونه های این حملات در درشت
قائم شهر ، هواژوتهران بوقوع پیوسته است . اما هر بار با رسوایی
بیشتر برای حکومت ، مقاومت دلبران بساط داران و حمایت بیشتر
مردم از آنها انجامیده است . نمونه های متعددی از حمایت های
مشخص مردم از انقلابیون بهنگام تهاجم مزدوران غیر رسمی و گاه
رسمی (کمیته ها و پاسداران) به بساط ها هر روز تکرار میشود . و ایمن
خود حکومت را به دست و پا میاندازد .

چندی پیش یکی از نمایندگان مجلس طی نطقی خواهان برچیدن
شدن بساط های انقلابیون از گوشه و کنار شهر شد . روحانیون مرتجعی
چون غفاری از مشاوران سابقه تحریک و لجن پراکنی و سازماندهی حملات
وحشیانه بر علیه مراکز فعالیت "مخالفین جمهوری اسلامی" میپردازند
تا آنجا که مضموم مجروح ساختن جوانان انقلابی و بمب گذاری در کتبه
های سیاسی به یک تلاش دائمی اما مذبحخانه ارتجاع حاکم تبدیل
شده است . در شهرهای استانهای شمالی بخصوص گیلان توسط روحانیون
مرتجع هزار چندگانه جمع آوری عده ای مزدور و بعضا ناآگاه از شهرهای
مختلف و فرستادن آنها برای پاکسازی شهرها از پوسترها ،
اعلامیه ها ، شعرا و نشریات انقلابی دائمی تکرار میشود اما باز تمام
این تلاشها قادر به جلوگیری از گسترش فعالیت انقلابیون نمیکردند .

شواهد فوق تماما نشان میدهد که شیوه تبلیغ و ترویج انقلابیون
از طریق بساط های کوچک و فرآوان خود شیوه ای موفق و توده گیر
است . بهمین خاطر میبایست با زدهی و تانیر فعالیت بساط ها را هر چه
بیشتر بهبود داد . بساط های کمونیستها در واقع مراکز آشنایی توده ها
با آنهاست . مراکزی که توده ها در تماس با آن ، با مضمون تبلیغ و
ترویج و حتی روش رفتار کمونیستها آشنا میشوند و بسیاری از قضا و تها
ی خود را بر این اساس انجام میدهند .

هرگاه زنده ترین و جالبترین و در عین حال مهمترین مسائل
روز با لحن و بیانی قاطع ، ساده و مستدل در نوشته جات دیواری
در اعلامیه ها و در گفتگوها و بحث ها و مشاجرات جاری آراشه شوند تا شیر

تبلیغ و ترویج صدچندان میگردد . اداره کنندگان هر بساط میبایست
به وضعیت ذهنی مردم محل توجه نموده این مسائل و شکل آراشه آنها
را تعیین نمایند . انتخاب عنوان جالب در نوشته های دیواری و تهیه
اعلامیه های ساده بر این اساس قدرت تا شیر گذاری مضامین انتخابی
را بیشتر میکند .

بحث ها و گفتگوهای پیرامون بساط ها از مهم ترین فعالیت این
کارکنان است . مطالعه ذهنیت گروههای مختلف مردم محل و آموختن
بهترین نحوه برخورد با آنها جهت انتقال آگاهی به توده ها
امری است که میبایست پیوسته و بطور جدی از سوی انقلابیون پیگیری
شود . نمی بایست فراموش نمود که تبلیغات ضد انقلابی هیت حاکمه و سو
استفاده آن از احساسات مذهبی توده های مردم پیشداوری ها و قضا و
تهای نادرست در میان مردم میبراکند . از موثرترین روشهای
بر طرف نمودن این پیشداوریها و قضا و تها همانا برخورد های مستقیم
انقلابیون و ویژه کمونیستها با مردم است . برای موفقیت در این امر
باید توجه ما به آموزش از خود توده ها نیز معطوف گردد .

بر خوردی که در میان توده ها جهت افشای یکدیگر صورت میگیرد و
حتی برخورد آندستد از مردمی که از روی قضا و تهای سطحی و تحت تاثیر
تبلیغات هیات حاکمه به مجادله با انقلابیون میپردازند ، هر کدام
حاوی آموزشهای با ارزشی در خصوص این مطلب است که توده ها برای چه
شیوه بیان و تکیه گاههایی در استدلال بیش از همه ارزش قائل
میشوند . مطالعه و این برخورد ها تشخیصی خصوصیات یک شیوه بیان
مستدل با بالاترین تاثیر و بیکی کلام توده ای و وظیفه دائمی انقلابیون
است . انقلابیون تنها در حین آموزش از توده ها ست که میتوانستند
اندیشه خود را به آنها بیاموزند و در واقع به یک مبلغ و مروج توده ای
تبدیل شوند . اگر مضمون مسائل مورد تبلیغ و ترویج حتی الامکان همگو
ترو تحت یک بر نامه ریزی و احدهمین گردد ، آنگاه با توجه به تعدد
و گسترش این کارکنان کوچک به یک عامل مهم در هدایت اذهان
توده ها تبدیل میگردد . برای تأمین یک کیفیت عالی در کار تبلیغی
و ترویجی بخصوص در رابطه با بساط ها ، ضرورت یک سازماندهی پسر
تحریک چشم میخورد . سازماندهی که بتواند تجربه روزه بر
خوردهای زنده بساط ها را جمع آوری ، تجزیه و تحلیل و جمع بندی
نموده ، بکار بندد و بر این فعالیت مهم نظارت نماید . تنها از این
طریق است که میتوان به نیازهای توده ها به آگاهی ، پاسخ شایسته
داد و از فداکاری و تلاش جوانان انقلابی بهترین بهره ها را برای
انقلاب تأمین نمود .

ما از تمام هواداران خود میخواهیم که با تشخیص اهمیت فعالیت
تبلیغی - ترویجی در میان توده ها از تمام امکانات خود برای
گسترش این فعالیت بهره برداری کنند . خلاقیت و ابتکار انقلابی کنه
اکنون در دایر نمودن و تداوم کار بساط ها جلوه گراست سرچشمه
پایان ناپذیر فعالیت انقلابیون و ویژه کمونیستهاست . سرچشمه ای
که حیا تبخ ز ندگی و مبارزه کمونیستها و پیوند آنها با توده های
زحمتکش است .

کار مشکل چندبفره بگردا داره هر کدام از این کارکنان های کوچک
تسلط بر مسائل تئوریک و سیاسی که از مطالعه آرگان سازمان و
روزنامه ها و نشریات جاری تا مختلف بدست می آید ، به همراه بحث
قبلی پیرامون آنها ، پیگیری مسائل ، جمع آوری شواهد و استناد
جهت افشاگریها و یکا بردن موثرترین شیوه دارا شه کتبی و شفاهی آنها
برای توده ها از وظایف اساسی هواداران ززمنده است . جمع آوری
تجربیات ، تدوین آنها و آراشه آن به سازمان و استفاده از امکانات
سازمان در بهبود فعالیتها فوق بر آوردن این وظایف اساسی را
با کیفیتی عالی تروا بعدی گسترده تر ممکن میسازد .

کار مشکل برای فعالیتها تبلیغی و ترویجی از طریق بساط ها
در صورت کاربرد خلاقیت و ابتکار میتواند دست آوردهای بیشتری
نظیر تهیه گزارش از محلات ، کار مشخص با افراد زحمتکش و مبارزان
و تشکیل هسته های فعال در محیط را ببدنیال داشته باشد . اینها
دست آوردهای دیگر فعالیت توده ای کمونیستها هر کدام گام از زند
های در جهت رشد و تعالی جنبش کمونیستی است که تنها به همت انبوه
جوانان پر شور و انقلابی میسر میباید .

بقیه از صفحه ۱۲

میتینگها، دفاتر، تظاهرات، فروشندهگان، نشریات، پخش کنندگان اعلامیه ها و امثالهم توسط دستجات اجرایی خصوصی "حزب الهی" بود حتی بعدها بنی صدر نیز برای اعمال سیاستهای خود از مردم میخواست که خود را رد عمل شوند به کردستان را هبیمایی کنند، گوش بفرمان او باشند و در واقع منظور این بود که از اقدامات گروههای خنثی حکومت نظیر "حزب الهی" و یا پاداران و یا داروستانهای دیگر حمایت کنند.

هیچکدام از روشیهای ایدئولوژی و مرعوب کننده هیات حاکمه بر علیه انقلابیون، فعالیتهای انقلابیون و بخصوص کمونیستها را متوقف ننمود، بخصوص کمونیستها که بنا به سرشت خود مقاومترین و پیگیرترین انقلابیون هستند قربانی میدانند و فعالیتهای موفق علنی خود را از طریق دفاتر، انتشارات، رزگانها، میتینگها و تظاهرات به پیش میبردند.

تجربیات توده ها که در اثر رشد مبارزه طبقاتی و لیس ما هیت هیات حاکمه بدست میآورد و بروز برحایت توده های کارگر، وکلا و زحمتکش و عده کثیری از روشنفکران نسبت به کمونیستهای افزود، ضعف هیات حاکمه در جلوگیری از رشد فزاینده مبارزه طبقاتی، تضییع درونی هیات حاکمه را از من میزد و این تضاد به تحولات سیاسی در حکومت متعکس العمل آن در مبارزه طبقاتی در جهت رشد این مبارزات عمل میکرد. سقوط سیاسی بورژوازی لیبرال، اشغال سفارت، و عواقب بعد از آن از جمله تحولاتی بود که به نوبه خود مبارزه طبقاتی را از من میزد و بخصوص صحت گفتار روحانیت فعالیت انقلابیون را نشان میداد.

مجموعه عوامل فوق باعث شد انبیا مختلفی از سوی هیات حاکمه در جهت جلوگیری از فعالیت انقلابیون کمونیست و غیر کمونیست شد، یورش سراسری به این فعالیتها در مرداد ۵۸ در تنها مدتی کوتاه موفق بود و بزودی درهم شکست، یورش بعدی از آغاز سال جدید (۵۹) بر نامه ریزی گشت و تحت عنوان "سال امنیت" که کاملاً مشخص بود که لبه نیز آن متوجه انقلابیون است طرح گردید اما با زاین بر نامه ریزی که قرار بود بنظر ارت و ابتکار عمل رئیس جمهور در کردستان و ترکمن صحرا و سراسر ایران به اجرا درآید به علت عدم حمایت واقعی مردم در درجه اول و تضادهای در حکومت در درجه دوم، به توفیق افتاد، تنها اینکه خرده بورژوازی حاکم در پوشش روحانیت همین وظیفه را تحت عنوان "انقلاب فرهنگی اسلامی" در پیش گرفت که با زهم لبه، تیز آن متوجه انقلابیون و از محصولات فرعی آن خنثی سازی نفوذ بنی صدر بود.

برگزاری انقلاب فرهنگی که هیات حاکمه در مجموع بالاخره هر جناح بنوعی در خدمت اهداف اصلی آن در آمدن به دست داشتن دانشگاهها محدود نگشت و کلیه دفاتر انقلابیون را مورد حمله قرار داد، و قانون ممنوعیت انتشار و فروش و حتی خریدارگانهای سازمانهای کمونیستی وضع گردید و سپس حملات گسترده شرعی و عرفی به سایر سازمانهای انقلابی (مجاهدین) آغاز گشت، هیئت حاکمه که رسماً و عملاً هرگونه میتینگ و تظاهرات را ممنوع و با قاعده آفرینی امجدیه و تبلیغات پیرامون آن بر عزم خود به آتش و خون کشانیدن جمعیت انقلابی عملاً تاکید نمود.

در شرایط جدید فعالیت کمونیستها که از اوایل سال جاری شروع گشت و با "انقلاب فرهنگی اسلامی" علیه یافت، کمونیستها قبل از هر نیروی دیگر امکانات موجود خود را (دفاتر، میتینگها، امکانات عادی انتشار و رویش ارگانها) از دست دادند. دیگر دفاتر علنی قادر به ادامه کار نبودند، دیگر چاپخانه ها که از ضرب چاپ ارگانها نمیشدند و دیگر فروشندهگان خرده پا از فروش علنی نشریات معذور میگشتند و بالاخره دیگر تظاهرات مستقیم و وسیع با توده ها که از طریق میتینگها سخنرانیها و تظاهرات برقرار میگشت جز با درگیریهای شدید قابل ادامه نبودند و البته با توجه به اوضاع سیاسی جامعه و بهره برداریهای وسیع ضد انقلاب از این درگیریها از نظر تاکتیکی مقرون به صلاح نمیشدند. اگرچه این اوضاع جدید در فعالیتها در مناطق مختلف و سنا به میزان حمایت توده ها و نفوذ انقلابیون و ضعف و قوت هیات حاکمه

و دریای آنها به بحث و گفتگو میآید.

سرنوشت رژیم شاه دوران و شرایط جدیدی از فعالیت انقلابی را در پی خود داشت. در حالیکه حافظین گذشته نظم سرمایه داری وابسته یعنی رژیم شاه درهم ریخته و هنوز قدرت سیاسی جدیدی برای برقراری دستگاه حفاظت نوین از آن نظم را نداشت فعالیتهای وسیع انقلابیون امکانات علنی مهمی پیدا نمود، اگرچه هیات حاکمه جدید چنان به قوانین گذشته و معیارها و ضوابط آن استناد میکرد و بر این مبنا تمام فعالیت انقلابیون در واقع غیر قانونی بود اما بهیچ وجه نمیتوانست از علنی شدن این فعالیتها جلوگیری نماید، و این ناتوانی اولاً مطو ل موقعیت پریشان هیات حاکمه بود که هنوز نمیتوانست نسبت به افکار عمومی بی اعتنا باشد (افکار عمومی توده های مردم که بهیچ وجه پذیرش قوانین ارتجاعی را نداشتند) و ثانیاً معلول گسترده گسی و عزم و ابتکار انقلابیون و به ویژه کمونیستها در فعالیتها ایشان بود که علی رغم هر توطئه و تحریک و مانعی هم چنان راه خود را پیکار میکرد و ادامه میداد.

انتشار علنی و بطور کلی آزادانه نشریات انقلابی و استفاده از امکانات علنی در پخش و فروش آنها، استفاده از امکانات علنی در برگزاری میتینگها، تظاهرات، سخنرانیها و حتی گشتها و تظاهرات علنی در حالی صورت میگرفت که ارتجاع حاکم تنها نمیتوانست دستجات مزدور "حزب الهی" را سازماندهی کند، به خرابکاری و حملات بفرستد و البته آنها را مستقل از خود و بدو از ناحیه مردم و آن خود سازد. هیات حاکمه هنوز برای زمینه سازی حملات آشکار و قانونی به انقلابیون به جعل اسناد، تحریک، فتوا و جنگ افروزی و صحنه سازی مشغول بود.

شرایط مساعد فعالیت علنی و کمونیستها امکانات گسترده ای را در برقراری تماس با توده ها از طریق دفاتر و میتینگها و تظاهرات بوجود آورده بود و در نتیجه ساطها دیگر نقش مهمی از این لحاظ ایفا نمیدادند، بلکه بیشتر جهت ارائه نشریات و کتب و جزوات بود و میآید که حتی از سوی کتابفروشان خرده پا به مقیاس وسیعی برپا میگشتند. علاوه بر سهو لت و نشر و پخش ارگانها و اعلامیه ها برای مردمی که از طریق دهکده های معمولی کتابفروشی و حتی روزنامه فروشان حرفه ای بدین نوشته جات دسترسی داشتند، برخورد مستقیم مردم به انقلابیون نیز از طریق دفاتر، میتینگها و تظاهرات گاه چند صد هزار نفری تا مین میگشت. حتی انقلابیون گاه به راه دیو و تلویزیون و مطبوعات قانونی راه می یافتند و در هر بار استقبال وسیع توده ها از مباحثات متقابل رو بر رو گشته و بر دامنه نفوذ و جلب حمایتشان افزوده میگشت.

یورش ارتجاع به فعالیتهای انقلابیون و در واقع به انقلاب درست از تشخیص خطر فزاینده موجودیت و فعالیت آنها برای حکومت نشأت میگرفت. کردستان و ترکمن صحرا بارها زیر آتش گلوله و هجمه های ارتش و پاداران قرار گرفت، اما هیچ موقع این یورشها مجسراً از حمله سراسری به فعالیتهای انقلابی صورت نپذیرفت و بالعکس شکست این یورشها در اثر مقاومت مملحانه خلق کرد و افشاگریهای وسیع سراسری بر علیه هیات حاکمه تحقق مییافت و شرایط مساعد برای فعالیتهای انقلابی در کردستان، ترکمن صحرا و سراسر ایران را مجموعاً فراهم میکرد، تهاجم و عقب نشینی ضد انقلاب در مقابل پیشروی انقلاب درست این واقعیت را نشان میداد که جبهه انقلابیون جبهه ای گسترده در سراسر ایران است و پیشروی و عقب نشینی بخشهای مختلف آن تمام بخشهای دیگر را به کنش و واکنش و میآورد.

هرچه ضد انقلاب فشرده تر و سازمان یافته تر میگشت بر میزان تبلیغات و تحریکات خود بر علیه انقلابیون و بخصوص کمونیستها میافزود و البته بتدریج بر افکار عمومی توده های بی که خارج از دایره تبلیغات و توهیمات نسبت به هیات حاکمه قرار میگرفتند بی اعتنا تر میگشت و با صلاح بی پروا و جسور تر میگشت، بتدریج حملات ارتجاع به نیروهای انقلابی جنبه قانونی بخود گرفت، برای مطبوعات، فعالیتهای علنی، و اصولاً موجودیت سازمانهای انقلابی، قوانین جدیدی وضع گردید، اما هنوز هم هیات حاکمه ناتوان از اجرای آن، عمدتاً به شبکه نیمه رسمی-نیمه علنی ولی دیگر رسوا شده "حزب الهی" متوسل میگشت، و شیوه اصلی مبارزه با انقلابیون همانا حمله به

بقیه از صفحه ۱

کانونهای ...

تبدیل میکنند. مشاجراتی که در آنها با پیداز روی مدارک و شواهد و بدقت و با قانع کننده ترین شیوه ها پاسخ و صحت عقیده و استدلال را نشان داد. و نظاره گزان و داوران این برخوردهای زنده و فعال شده های مردم هستند، توده هایی که معمولا فرصت و امکان تجربه این چنین برخوردهای بی پروا و همه جا نبه ای به مسائل را ندارند، توده هایی که عطش آنها برای دریافت حقیقت سیراب ناشدنی است، توده هایی که علی رغم تمام تحریکات و سوء استفاده هایی که از احساسات آنها میشود اما به تجربه و به مدد آگاهی فزاینده خود به رسیدن به حقیقت بیش از هر چیز دیگر اعتقاد دارند.

بساط های جریانات انقلابی و از جمله کمونیستها امروز جزئی از زندگی روزمره بسیاری از شهرهای کوچک و بزرگ شده است. بخصوص محله های زندگی توده های زحمتکش بیش از هر جای دیگر مورد توجه این بساط ها است. استقامت و پیگیری جوانان پرشور دانه کننده این بساط ها از یک سو و میل توده ها به حضور و فعالیت انقلابیون از سوی دیگر عوامل اصلی بقا و گسترش بساط ها هستند. بقاء و گسترش که هر روز با هجومی گاه و بیگانه دستجات مزدور و لگردان حرفه ای روبرو میشود. مزدوران سازمان یافته ای که با عریضه های وحشیانه به کانونهای کوچک و گرم انقلاب حمله میبرند و با تیغه های چاقو نوشته جات دیواری را میدرنند جزوات و کتابها را لگدمال میکنند، با فحش و ناسزا بساط جوانان انقلابی حمله میبرند و وحشیگری خود را برای مردم به نمایش میگذارند.

برخوردهای قاطع و افشاگرانه بساط داران که هر روز با حمایت بیشتری از سوی عابرین مردم اطراف روبرو میشود خود نشان دهنده جنبه دیگری از صفات انقلابیون است. برخوردهایی که در هر مورد عده بیشتری را جلب و دستجات مزدور و حاکم میان اصلی آنها را که میانسای جنایات مختلف هیات حاکمه هستند منزوی ترمی سازد و وحشیست و استیمال ارتجاع از حضور و فعالیت انقلابیون هر روز چندین بار در گوه و کناره شهر به نمایش گذارده میشود. و هر با مردمی که از اوضاع اقتصادی - اجتماعی و سیاسی جامعه بتنگ آمده اند و جبهه مشترک بیشتر میان خود و انقلابیون در مقابل مزدوران "نظم" ارتجاعی حاکمه مینمایند.

پس از رهبرش رسوا و موج نفرت و خشمی که از حرکات و حشیانسه و لگردان برمی خیزد، باز رفیقی از گوشه ای بسته جدیدی از جزوات و کتابها را می آورد. باز چند نوشته بردیوار قرار میگیرد و با ردیگر بساط ها برای پذیرش نگاهها و اذهان جستجوگر توده ها - این مخاطبین دایمی زبان و قلم انقلابیون - آماده میشوند.

اولین ابتکارهای انقلابیون و بویژه کمونیستها در پهن کردن بساط که البته همواره غیرقانونی اما همواره متکی به حمایت توده ها بوده است، به دوران اوگیری جنبش انقلابی بر علیه رژیم شاه بر میگردد. این بساط ها معمولا در اطراف محله ایی که توده ها برای خیرگی و مبارزه جویی در آنجا مجتمع میشدند پهن میشد. اطراف دانشگاهها، برخی از چهارراهها و خیابانهای پررفت و آمد بهترین نقاط برای بساط ها بود. چند کتاب "سفید" غیرقانونی و نایاب از بساط کوچک رفیقی بیرون می آمد برای مدتی در کف خیابان پهن میشد و با انبوهی از خریدار و مواج میگشت. دسته ای اعلامیه در گوشه جمعیت قرار میگرفت و گاه بر دیوار چسبانده میشد و به این ترتیب آگاهی کانونی کوچک مینایفت. عمرا این بساط ها بستگی به اطلاع پلیس و

ما موران حکومت نظامی داشت که وحشیانه و حتی گاه با تیراندازی به بساط ها حمله میبردند و عده ای را مجروح میکردند و گاه رفیق را بچنگ آورده و مضر و بومدهوش بطرف کامیونها میکشاندند.

اما با زدر میان جمعیتی که در اطراف نظاره گر و وحشیگریهای حافظین رژیم ضد انقلابی بودند و با شعراهای انقلابی خود بساط و انقلاب را میکوبیدند رفیقی دیگر دسته اعلامیه را در هوا بخش میکرد و هنوز شبح منحوس نظامیان و پلیس محوشده بود که از درون تاک کوچکی کتابها و جزوات جدیدی بر سنگفرش خیابان پهن میشد.

هر چه جنبش انقلابی روبه رشد میگذازد و عمومی تر و همگانی تر میشد دوام و بقای بساط ها بیشتر میگشت و تعداد آنها فزونی میگرفت. هنگامیکه بساط های انقلابیون بصورت نمايشگاه کتاب و عکس در مدارس و پارکها و دانشگاهها و گوشه های خیابان در اقصی نقاط شهرها پهن میگشت دیگر کاملا معلوم بود که شیرازه امور از دست رژیم شاه خارج گشته است.

آری رشد بساط ها با قدرت رژیم نسبت معکوس داشت. و البته جز این نیز انتظار نبود زیرا بساط ها از آزادی و انقلاب خیر میدادند و قدرت رژیم از خفان و ارتجاع.

در آستانه فروپاشی رژیم شاه و آنگاه که امیرالایم در صدد پیداکردن راه حلی برای جلوگیری از رشد بیشتر انقلاب، حتی به بهانه های قربانی کردن در روسته شاه جهت سازش با روحانیت متنفذ در جنبش انقلابی بود، و هنگامیکه این روحانیت در کنایه ریزو از ایلیبرال راه سازش را پیشه کرد، حملات برنا مه ریزی شده به انقلابیون و کمونیستها آغاز گشت. و البته در ابتدا این حملات عمدتاً جنبه تبلیغی داشت اما جلوه های مشخص عملی خود را در حمله به نظاره های انقلابی و بویژه کمونیست و حمله به نمايشگاههای کتاب و عکس و پاره کردن اعلامیه ها و پوسته های کمونیستها نشان داد.

برای فعالیت کمونیستها و از جمله بساط ها دشمنی جدید قد علم میکرد دشمنی تحت عنوان "حزب الله" که معمولا از ماجدمحل، سازمان مییافت و عوامل اجرایی آن افراد مشکوک و بعضا ساواکهای ناشناخته بودند. اما "حزب الله" که خود را نیروی مبارز با رژیم شاه نشان میداد هنوز خشم و نفرت مردم را بر نمی انگیخت و با استفاده از احساسات و نفرت مردم از رژیم شاه فعالیتهای خود را بر علیه انقلابیون و بویژه کمونیستها محق جلوه میداد. "حزب اللهیان" حرفه ای به چاقو و قمه و زنجیر و پنجه بکس مجهز بودند و بخصوص حملات فقیرنشین را مرکز فعالیت خود نموده و از همان ابتدا در صدد پاک نمودن نفوذ روزافز و کمونیستها در میان توده های زحمتکش بودند. همین "حزب اللهیان" حرفه ای بودند که بعدها عوامل اجرایی بسیاری از کمیته ها شدند و با زوی چماقداری جریاناتی نظیر حزب جمهوری اسلامی را تشکیل دادند. اما در آغاز فعالیت خود ما هیت آنها بر توده ها پوشیده بود.

کمونیستها از یک سو با رژیم شاه و از سوی دیگر با دشمنان جدید "حزب اللهی" مواج گشتند اما مواج جنبش انقلابی بسیار وسیع تر و عظیم تر از آن بود که کمونیستها بی که چون ما هی در میان توده ها شنا میکردند عرصه را بر خود تنگ مینمایند. کمونیستها در کارخانجات، در ادارات در کوچه ها و خیابانها با دشمن عمده و دشمن جدید خود هر کسدام بغیرا خورا همیتشان مبارزه میکردند و برای بساط آگاهی و متوجه کردن توده ها به جهت انقلابی مبارزه میکوشیدند. و بساط ها که در آن روز در قنابلب نمايشگاهها و دکهای کوچک کتابفروشی تجلی مینایفت هر روز رشد و گسترش بیشتری داشت و در دوران افتاده ترین نقاط کشور پهن میگشت. دانشجویان و دانش آموزان فعال ترین و پرتحرک ترین نیروی گسترش این بساط ها بودند. کسانی که چون قاصد های انقلاب کوله بساط اعلامیه ها، جزوات و کتابها و پوسته ها را حتی به دهات حمل میکردند

بقیه در صفحه ۱۱

قطع کامل دستهای خونین امپریالیستها فقط بوسیله کارگران و زحمتکشان امکان پذیر است!

«کمونیستها هرگز به مردم دروغ نمی گویند، کمونیستها هرگز به صاحبان قدرت تکیه نمی کنند، کمونیستها فقط به قدرت طبقه کارگر و سایر زحمتکشسان و روشنفکران انقلابی متکی هستند.»
ولادیمیر ایلیچ لینن

بیک رزمندگان

ویژه نامه گردستان

به مناسبت سالگرد یورش وحشیانه ارتجاع و مقاومت دلاورانه خلق کرد

بیاد رفیق شهید بهمن عزیزی معلم ارضاناز حمتکشان



یاد شهدای خلق کرد گرامی باد!



نگاهی کوتاه به جنبش مقاومت خلق کرد



کارگران
چون کوهی
استوار
در مقابل
لغوسود ویژه
ایستاده اند!

سرانجام، حکومت
حاکمی سرمایه داران،
حمله جدیدی را بر علیه
طبقه کارگر آغاز کرد.
شورای انقلاب کوه
جناح های مختلف حکوم
مت در آن، همواره دست
به دست هم داده و بر علیه
کارگران و زحمتکشسان
اقدام کرده اند، در
آخرین روزهای حیات
ننگین خود با لغوسود
ویژه کارگران سبک
کشید دیگری بر پرونده
قطورا اقدامات ضد خلقی
خود افزود. وزیر کار
و سایر مقامات دولتی،
با وقاحتی که فقط
شایسته خودشان است،
به دفاع از این قانون
ضد کارگری پرداخته اند
و حتی بی سرمایه آبراه
نفع کارگران قلمداد
کرده اند!

در صفحات دیگر میخوانید



حمله وحشیانه
پاسداران به
خوابگاه
دانشجویی
روی ساواک
راسفید کرد!



اخبار
کردستان
فهرمان

دو فرزند
خلق ترکمن
تیرباران شدند!



اخبار
کوتاه

از کودتای شوم ۲۸ مرداد

درس بگیریم!

امپریالیست ها هرگاه منافع خود را در
کشوری در خطر ببینند به انواع حيله ها و
دسایس دست میزنند تا اوضاع را بنفع خود
تغییر دهند. آنها در این راه پیوسته از متحد
پن داخلی خود بهره جسته و آنها را بسیج
میکنند و برای می اندازند. امپریالیست ها
وقتی متحدین داخلی شان در ضعف قرار
داشته باشند مستقیماً با قوای نظامی شان
به تها و زولشگر کشی جنگ میگردانند.
اما زمانیکه از لحاظ داخلی متحدین قوی
داشته باشند، از طریق اغتشاش، ناامنی
و سرانجام کودتا کوشش میکنند تا تمام
قدرت را به جنگ بیاورند. در چنین شرایطی
طبقات مرتجع و ارتشهای ضد خلقی و دسته ها
و شبکه های مزدوران داخلی پایه ای برای
اعمال قدرت نظامی کودتا محسوب میشوند.
کودتای ننگین ۲۸ مرداد نیز چنین
سرشتی داشت. درحالی که حکومت ملی دکتر
مصدق میکوشید تا قدرت را به شیوه قانونی
از دست دربار شاه خارج کند، امپریالیست ها
که حاکمان خود را در خطر میدیدند، توطئه ها
را برای تدارک کودتا آغاز کردند. ما هر
کودتایی علاوه بر آنکه به یک طبقه اجتماعی
تکیه دارد، برای تحقق آمال خود به ابزار
سزکوب نیز نیاز دارد. و یک ارتش مزدور
بقیه صفحات ۹



کارگران ...

اما در این میان، جناح حزب جمهوری اسلامی که نزدیک به دو سال است که دست در دست جناح دیگر حکومت به سرکوب کارگران و زحمتکشان و فریب آنها مشغول است، با هیاهوی بسیار خود را مخالف این قانون ضدکارگری وانمود میکند. موضع فریب کاران نه حزب جمهوری اسلامی از آنجا اهمیت بیشتری می یابد، که این حزب در اکثر کارخانه ها، بوسیله شوراهای فرمایشی و انجمن های اسلامی خود، کانون های توطئه ای را تدارک دیده است که هرروزه کاری جز فریب کارگران، ایجاد محیط رعب و وحشت نفاق در کارخانه، اخراج کارگران مبارک و زومرتقی و حمایت از منافع سرما به داران ندارند.

آری، این حزب اینک ناگهان خود را مدافع طبقه کارگر جا زده و سعی میکند خود را مخالف تصویب نامه شورای انقلاب قلمداد نماید.

ما معتقدیم طبقه کارگران با بیداری و علت واقعی تصویب این قانون ضدکارگری و رابطه آنرا با بحران اقتصادی - سیاسی کنونی نظام سرمایه داری وابسته ایران و همچنین راهها و سیاست های رژیم جمهوری اسلامی برای حل این بحران را بشناسد، تا بتواند مبارزات خود را در جهت تامین منافع بلندمدت و کوتاه مدت خود، بهتر و دقیق تر سازماندهی کرده و گسترش دهد.

ما بیزانیم تا در دو شماره پیک، ابتدا مواضع حزب جمهوری اسلامی و حیلگری های آنرا بر ملا کرده و آنگاه دلایل حکومت و نیز اجبار آنرا برای حمله به ابتدایی ترین حقوق طبقه کارگر توضیح دهیم.

در این ضمن، تکیه بر این نکته ضروری است که گرچه هر دو جناح حکومت، اینک آماج مبارزات کارگران و زحمتکشان در سراسر ایران قرار گرفته اند، با این وجود، از آنجا که هر کدام به شیوه خود سعی در فریب و سرکوب مردم دارند، بهتر است هر کدام را در جای خود با شیوه های فریب و سرکوب مخصوص به خود، افشاء و طرد کنیم!

حزب جمهوری اسلامی و اردو دسته اش چه می گویند!

کردن این سند ضدکارگری مخالفت خود را با آن اعلام نکرده اند؟ پس حزب جمهوری اسلامی همراه و متحد با جناح دیگر هیئت حاکمه یعنی بنی صدر متحداً در تصویب این قانون ضدکارگری سهیم هستند و به امضاء هر دو جناح ضد انقلابی رسیده است.

حزب جمهوری اسلامی که در تمام دوران بعد از قیام در سیاستها و اقدامات ضد انقلاب

حزب جمهوری اسلامی به هیچ وجه مخالف تصویب نامه شورای انقلاب در لغو سودویژه نیست. و شاهد این ادعا نیز امضای رهبران حزب جمهوری اسلامی بر پای تصویب نامه است. مگر اکثریت اعضای شورای انقلاب را اعضای این حزب جمهوری اسلامی تشکیل نمیدهند؟ مگر بدون موافقت آنها شورای انقلاب میتوانست چنین قانون ضدکارگری را تصویب کند؟ اگر رهبران این حزب با این تصویب نامه مخالف بودند چرا پیش از امضاء کردن این سند ضدکارگری مخالفت خود را با آن اعلام نکرده اند؟

دوم اینکه: مخالفت و هاپیهوی حزب جمهوری اسلامی و کانون هماهنگی شوراهای اسلامی وابسته به این حزب با لغو سودویژه اینست که این کار به موقع صورت نگرفته است و تنها در شرایط کنونی درست نبوده است.

گردانندگان این حزب میگویند: "اگر مصوبه ضرورت داشت، لازم بود که شورای انقلاب صبر نماید و رسیدگی به وضع آن را به عهده مجلس شورای اسلامی بگذارد" حزب جمهوری اسلامی با لغو سودویژه هیچ مخالفتی ندارد فقط آنرا زود میداند و به شورای انقلاب نصیحت میکند که با دیدن بگرد و در فرصتی دیگر به این عمل ضدکارگری دست مینهد.

سوم اینکه: یکی از دلایل ناراحتی نشان دادن حزب جمهوری اسلامی و "کانون هماهنگی" وابسته به آن از تصویب لغو سودویژه اینست که چرا به اندازه کافی قبل از اعلام رسمی آن زمینه سازی لازم نشده است. دقت کنید! حزب و کانون وابسته به آن میگویند: "چون این ارگانها از قبیل وزارت کار، در طول این مدت بیش از همه مورد هجوم تبلیغاتی بوده اند لذا لازم است که قبل از اتخاذ تصمیم، اول شرایط اجتماعی مردمی را که میخواهند مجری

بی و ضدکارگری و سرکوبگرانه هیئت حاکمه نقشی فعال داشته و ما هیئت ضدکارگری خود را در این ۲۰ ماهه خوبی نشان داده است، کوشش میکند که خود را مخالف تصمیم اخیر شورای انقلاب نشان دهد. و تشکیلات با صلاح کارگری وابسته به این حزب یعنی کانون هماهنگی شوراهای اسلامی کارخانجات نیز در این زمینه سروصدای زیادی راه انداخته است. کارگران نباید به مخالفت خوانی های عوام فریبانه حزب ضدکارگری و عناصروا وابسته به آنها توجه کنند زیرا نگاهی دقیق به عمق حرفها و عملکردها و مقاصد ضدکارگری آن بخوبی ماهیت آنرا روشن میکند در رابطه با موضع حزب جمهوری اسلامی و تشکیلات وابسته به آن باید به چند مسئله توجه کرد.

اول اینکه: حزب جمهوری اسلامی به هیچ وجه مخالف تصویب نامه شورای انقلاب در لغو سودویژه نیست. و شاهد این ادعا نیز امضای رهبران حزب جمهوری اسلامی بر پای این تصویب نامه است. مگر اکثریت اعضای شورای انقلاب را اعضای همین حزب جمهوری اسلامی تشکیل نمیدهند؟ مگر بدون موافقت آنها شورای انقلاب نمیتوانست چنین قانون ضدکارگری را تصویب کند؟ اگر رهبران این حزب با این تصویب نامه مخالف بودند چرا پیش از امضاء

بقیه در صفحه ۱۲

پیش بسوی ایجاد حزب طبقه کارگر!

به مناسبت سالگرد یورش وحشیانه از تجاع و مقاومت دلاوران خلق کرد

نگاهی کوتاه به جنبش مقاومت خلق کرد

و بدست آوردن زمین مانند، اما خلق کرد ۲ هفته بعد از انقلاب طی قطع نامه‌ای در ۸ ماده خواستهای خود را مطرح کرد. و طی این قطعنامه آنها خواهان شرکت تمامی کارگران و زحمتکشان ایران در دولت موقت شدند و از دولت موقت خواستند که با دادن خود مختاری و رفع ستم اقتصادی در کردستان، محاکمه انقلابی ارتشیان جنایتکار، برپایی شوراهای انقلابی در پادگانهای کردستان، حقوق مسلم خلق کرد را برآورده سازد.

اما خلق کرد در کنار طرح خواستهای خود با هر قانون، با هر رای گیری و با هر عملکرد ضد دموکراتیک و ضد انقلابی رژیم به مبارزه بر میخواست و خود نیز برای کسب خواستهای خود دست به مبارزه میزد. خلق کرد از رای دادن به فرماندوم جمهوری اسلامی خودداری کرد، آنها فریب شعار "ارتش اسلامی" را نخورده و علیرغم فرمان عدم حمله به پادگانها به سلاح پادگان مهاجمان دپرداختند

یکسال از فرمان ضد انقلابی یورش به کردستان میگذرد. فرمانی که بر اثر آن دهها نفر مبارزان انقلابی کرد، به جوخه اعدام سپرده شدند هزاران خانه ویران گشت، هزاران خانواده آواره شدند، دهها نفر به شهادت رسیدند و مبارزان خلق کرد دوران جدیدی از حیات خویش را آغاز کردند. فرمانی که توده‌های ناآگاه سراسر ایران را که به جمهوری اسلامی اعتماد و اطمینان داشتند علیه خلق قهرمان و آگاه کرد بسیج کرد و با خود یورش سراسری به دستاوردهای انقلاب را در سراسر ایران به همراه داشت.

خلق کرد در یکسال مبارزات رودر روی خود با ارتش و پاسداران رژیم جمهوری اسلامی، با دروغها و فریب‌های حکومت و با هیئت ویژه مذاکره دولت آبدیده شد و اینک در کنار زمانهای سیاسی خود به مبارزه و مقاومت در مقابل تهاجمات جمهوری اسلامی ادامه داده و با به پای کارگران و زحمتکشان مبارزان و آگاه



زمینه فرمان سرکوب زحمتکشان شهر و روستاهای کردستان از مدت‌ها قبل آماده شده بود. دولت به جای پاسخگویی به حقوق خلق کرد، به مسلح کردن فتووالها، به تقویت ارتش در پادگانهای کردستان، به فرستادن هر چه بیشتر پاسداران و گذاردن کنترل شهرها به دست آنان دست میزد.

خلق کرد برای برآوردن و رسیدن به خواستهای خود دست به تشکیل شوراهای شهر و اتحادیه‌های دهقانی زد و از قبول رهنمودها و فتواهای ضد انقلابی و سازشکارانه حکومت و حکومتیان سرباز زد. دهقانان کردستان به مصادره انقلابی زمین‌ها پرداختند و فتووالها را از دهات بیرون انداختند. شهرنشینان خواستار اداره شهر توسط شوراهای مردمی شدند.

آری خلق کرد که کم‌وبیش ماهیت ضد مردمی هیئت حاکمه را شناخته بود، در جهت تحقق پیوستن خواستهای خود به مبارزه ادامه داد. خلق کرد با سابقه مبارزاتی چندین ساله خود و بعلاوه ویژگی مبارزه طبقاتی در کردستان - وجود ستم دوگانه ملی و طبقاتی - در جهت اعمال قدرت سیاسی توده‌ای مبارزه می‌کرد. این حرکت توده‌ای و تضاد آن با منافع هیئت حاکمه، کیفیتی

سراسر ایران علیه نابودی نظام سرمایه‌داری وابسته مبارزه میکند. سالگرد فرمان یورش به کردستان فرصتی است تا با دیدگرنگی به مبارزات خلق کرد بیاوریم:

مبارزات خلق کرد از فردای قیام ادامه یافت. اگر مردم تمامی نقاط ایران تا حد بسیاری فرمانها و فتواهای حکومت را باور کرده و به سرکار خود بازگشته و منتظر رسیدن به خواستهای خود شدند برای خلق کرد، کسب آزادی و پیروزی انقلاب در بدست آوردن حق خود مختاری معنی داشت. خلق کرد که فعالانه در مبارزه علیه رژیم شاه شرکت نموده بود فردای به قدرت رسیدن جمهوری اسلامی آنچه را که در راه آن مبارزه کرده بود، از رژیم جمهوری اسلامی خواست. کارگران به کارخانه‌ها نگشتند، دانش‌آموزان و دانشجویان و معلمان و استادان، راه مدرسه و دانشگاه در پیش گرفتند، روستاییان در روستاهای خود منتظر بهتر شدن وضع خود

با تمام قوا از مبارزات خلق کرد پشتیبانی کنیم!

ویژگی‌ها کردستان - به مناسبت سالگرد یورش وحشیانه ارتجاع و مقاومت دلاورانه خلق کرد

فرزندان کمونیست و انقلابی همراه شد. ۲۸ مرداد ساعت ۳ بعد از ظهر حجت الاسلام حاج سیدماذق خلخالی به دستورا ما م ع بازم کردستان شد. (روزنامه با مدا ۲۹۰ مرداد) یک جلاد تکمیل کننده فرمان یورش بود. حکومت به درستی دریافت بود که در سرک سوب میا رزات خلق کرد، با ید حمله را متوجه رهبران سازمانهای سیا - سی و کشتار بهترین فرزندان کمونیست و انقلابی آن کند و از آن - بنرو و در عین آنکه حزب دموکرات را منحل و فعالیت آن را ممنوع اعلام کرد و عزالدین حسینی را فاسد خواند و بعد از تسخیر هر شهر، دست به اعدام کمونیست ها و انقلابیون آنجا زد. بهمن عزتسی



عبدالله زارعی، حامد امینی، محمدحیدری، علی شهباز، بهدین شیرین، حبیب چراغی، فیض الله ضیایی و ابوالقاسم رشوند سرداری اولین دلاوران شهید اعدامهای ضد انقلابی و جنایتکارانه خلخالی جلاد بودند.

حمله به سنندج با این دروغ که در روز ۲۸ مرداد ساعت ۱۲ ظهر از صدای جمهوری اسلامی و در پیام آیت الله خمینی شنیده میشد آغاز شد. دموکراتها به پای دگان سنندج حمله کرده و گروهی از زنان را به گروهگان گرفتند!! این خبر تا عصرها و بارها تکرار شد. روز بعد این خبر تکذیب شد: شایعه ریخته شدن دگروگان گرفتن زنان صحت ندارد!! (اطلاعات ۲۹۰ مرداد) اما این مدت برای یورش ارتش و پاسداران به سنندج کافی بود. سنندج نیز اشغال شد و نوبت به شهرهای دیگر رسید.

اما هنوز اشغال ضد انقلابی حکومت به پایان نرسیده بود که مبارزات مردم و سازمانهای سیاسی علیه این همه جنایت آغاز گشت. فردای اشغال سنندج زنان در مقابل استانداری برای آزادی فرزندان نشان تحصن کرده و علیرغم تمامی کتکها و قنداق تنگهای پاسداران از جای خود تکان نمی خوردند. پیشمرگان خلق کرد در کوهها مسلح میشدند و دسته های مسلح برای مقابله با سرکوبگران خلق کرد تشکیل میدادند، حکومت در کردستان حتی یک روز نیز نتوانست با خیال راحت فرمانروایی کند. موج تظاهرات دانش آموزان و زنان و مردان باقیمانده در شهر خواب آرام از چشم پاسداران و ارتشیان مستقر در شهر ریخته بود و رویا و پاسداران تنها جاش ها و خائنین به خلق کرد بودند، سازمانهای سیاسی مسلح

متفاوت به مبارزات خلق کرد بخشید. رژیم جمهوری اسلامی برای برقراری حاکمیت خود با ید خلق کرد را سرکوب مینمود.

در شب عید ۵۸ یعنی تنها یکماه بعد از قیام ۲۲ بهمن ارتش جمهوری اسلامی سنندج را بمباران میکند و ۲۵ کشته و تعداد زیادی زخمی بجای میگذارد. اما توده ها هنوز کشتار رژیم شاه را فراموش نکرده بودند، آنها نمیتوانستند کشتار ارتش جمهوری اسلامی را تنها یکماه پس از سقوط شاه بپذیرند و از طرف دیگر، ارتش نیز از ما دگی سرکوب همه جا نبه رانداشت. این بود که علیرغم میل رژیم، این یورش نتوانست سراسری شود. اما این خواست ضد انقلابی رژیم، ۶ ماه بعد، در پی فرمان ضد انقلابی عملی گشت. این فرمان با استفاده از احساسات مذهبی توده ها در روز قدس و بعد از یکسری حملات منظم به آزادی های دموکراتیک در سراسر ایران، از قبیل بستن روزنامه آیندگان و غیرقانونی کردن تعدادی زیادی از نشریات انقلابی و بستن دفاتر سازمانهای سیاسی و چاپخانه ها، در روز ۲۸ مرداد صادر شد.

زمینه فرمان سرکوب زحمتکشان شهرها و روستاهای کردستان از مدت ها قبل آماده شده بود. دولت به جای پاسخگویی به حقوق خلق کرد، به مسلح کردن فتوادلها، به تقویت ارتش در پادگانها کردستان، به فرستادن هر چه بیشتر پاسداران و گذاردن کنترل شهرها به دست آنان دست میزد. اگر این اقدامات در بقیه نقاط ایران - بعلمت توهم توده ها با سکوت و بیات تنها اعتراضات محدود از طرف عناصر آگاه و انقلابی روبرو میشد، در شهرهای کردستان با اعتراض شوراها و مردمی و راهپیمایی ها و اعتراضات صدها هزار نفری مواجه بود. مردم کردستان به حکومت جمهوری اسلامی اعتماد و اطمینانی نداشتند.

فرمان یورش به کردستان با نقشه ای از پیش آماده و بعد از سرکوب آزادی ها در سراسر ایران، و به بهانه کشتار پاسداران پناوه توسط حکومت صادر شد. تبلیغات زهرآگین علیه خلق کرد از راه دیو و تلویزیون، در خطبه های نماز، در سخنرانیهای پی در پی و در مساجد آغاز گردید تا به مردم نا آگاه و مطمئن به جمهوری اسلامی بقبولانند که سرکوبگران و دشمنان سابق خلقهای ایران و سرکوبگران خلق کرد یعنی پالیزبان، سالار جاف به رهبری حزب دموکرات و شیخ عزالدین حسینی در حال کشتار مردم کردستان و پاسداران هستند و باید به نجات آنها شتافت. در عرض ۱۲ روز تمام شهرهای کردستان به تسخیر ارتش و پاسداران جمهوری اسلامی درآمد. آیت الله خمینی خود را "فرمانده کل قوا" خواند و به دولت اخطار کرد که "اگر با توپها و تانکها و قوای مجهز تا ۲۴ ساعت دیگر به سوی پاوه حرکت نکنند و غافل به اتمام نرسند همه را مسئول میدانم". اگر چه توپها و تانکها و قوای مجهز قبل از ۲۴ ساعت خود را به پاوه و سراسر کردستان رسانند اما این با اصطلاح "غافل" نه تنها پایان نیافت بلکه شکست های مفتضحانه رژیم در کردستان و قهرمانی های خلق کرد، هنوز هم ادامه دارد.

حمله سراسری به کردستان با کشتار دهها تن از بهترین

ویژه نامه کردستان - به مناسبت سالگرد یورش وحشیانه ارتجاع و مقاومت دلاورانه خلق کرد

انتشار رعلنی یافت چرا که رژیم قدرت سرکوب همه جانبه جبهه انقلاب را نداشت. راه پیمایی ها و تظاهرات به عنوان های مختلف با ردیگر آغاز شد و رژیم میرفت تا در تمام عرصه ها به عقب رانده شود. شکست در کردستان و اجبار به مذاکره با کسانی که "فاسد" معرفی شده بودند، همراه با اوج گیری مبارزات طبقاتی در دیگر نقاط ایران، وضع رژیم را به خطر انداخته بود. در این میان جریان اشغال سفارت آمریکا به خدمت فریب مجدد مردم کسبه دشمنی انقلابی و دیرینی با امپریالیست ها و در رأس آنها امپریالیسم آمریکا دارند، در آمد. اینک حکومت به "نطق" جدیدی نیاز داشت تا مذاکره با عزالدین حسینی که تا دیروز فاسد قلمداد میشد، و حزب دمکرات که منحل و غیر قانونی شده بود، دوباره آغاز گردد! استوای آن صادر گشت! اما اگر آن

کردستان در کوهها، و روستاها به جنگ پارتیزانی علیه ستونهای ارتشی و پاسداران دست میزدند، هیچ نقل مکان نظامی حتی از یک روستا به روستای دیگر بدون مقاومت سلحشوران مردم نمیتوانست صورت گیرد. پیشمرگان مسلح کردستان در همه جا حضور داشتند و با پشتیبانی و حمایت وسیع مردم در شهرها و روستاها مبارزه و مقاومت مسلحانه خود را علیه تهاجم ارتش ادامه میدادند. "پیر و زی های پی در پی رژیم و حالت تهاجمی او در ۱۵ روز اول یورش به سرعت عوض شده و از آن پس اعلامیه های نظامی حکومت حاوی جملاتی نظیر "رفع حملات مهاجمین" و "مقابله با ضد انقلابیون" بود. همه جا زاندارمها، ستون های ارتش و پاسداران حالت دفاعی گرفته با خشم و نفرتی ضد انقلابی به وحشیانه ترین جناح

شکست رژیم جمهوری اسلامی در کردستان برای توده ها بسیاری مسائل را روشن کرد. روشن شد که جنگ در کردستان، جنگ خلق کرد علیه دولت حامی سرمایه داری وابسته و دشمن تمام مردم ایران است، نه جنگ بین شیعه و سنی، نه جنگ بین پالیزان و سالار جاف با حکومت جمهوری اسلامی و نه.....!



بیات دست میزدند. آنها به روستای "قارنا" حمله کرده و زنان و کودکان و سالخوردهگان روستا را از دم تیغ جنایتکارانه خود گذرانیدند و فاجعه ای ساختند که در تاریخ همچون جنایات "دیربایسین" از خاطره ها محو نخواهد شد. با این حال این مزدوران جنایتکار در مقابل مقاومت هوشیارانه مردم آسیب های فراوانی میدیدند و هر روز بوسیله پیشمرگان قهرمان قلع و قمع میشدند.

زمان رژیم با طرح مذاکره از یک طرف میخواست خود را صلح طلب نشان دهد و از طرف دیگر شکست خود را در مقابل مقاومت خلق کرد بپوشاند و زیر پوشش لزوم برگرداندن تمام تفنگ ها به سوی امپریالیسم آمریکا، مذاکره را در مقابل توده ها موجه جلوه دهد، و علت اصلی آنرا پنهان کند، اما چند ماه بعد رشده مبارزه طبقاتی و شکاف هر چه بیشتر در حکومت موجب اعتراف خود آنان به علت واقعی مذاکره شد. و بنی صدر در یک مصاحبه با اطلاعات اعتراف کرد که علت فرستادن هیات با صلاح حسن نیت شکست کامل مفتضانه رژیم در کردستان بوده است! (گفتگوی اختصاصی بنی صدر با اطلاعات سه شنبه ۲۰ خرداد)

شکست رژیم جمهوری اسلامی ۲ ماه بعد از یورش به کردستان آشکار شد. دشمنان رژیم جمهوری اسلامی در کردستان علی رغم آنچه که "چمران" این قاتل خلق فلسطین و جلاد گروه ارتجاعی امل در لبنان، میگفت "۳ هزار نفر ما جم نبودند بلکه میلیونها سکنه کردستان بودند. پیروزی در کردستان برای هیئت حاکمه جمهوری اسلامی، برای چمران معاون نخست وزیر وقت، برای فلاخی این تیمسار مزدور آریا مهری که فرماندهی حمله به سنج را به عهده داشت، برای بازرگان و برای تمامی حکومتیان خوابوخیالی بیش نبود. خوابی که هنوز به واقعیت نیویسته و هیچگاه نیز نخواهد پیوست!

دولت پیشنها مذاکره کرد، حزب دمکرات جشن گرفت، سال زمان چریکهای فدایی خلق و حزب توده از آیت الله خمینی تشکر کردند. و در این میان سازمان انقلابی زحمتکشان کردستان ایران (کومه له) به خلق کرد توضیح داد که "ما با آگاهی سیر اینکه رژیم از موضع ضعف حاضر به گفتگو با خلق کرده شده و با آگاهی برای اینکه از موضع ریاکارانه در جستجوی راههایی برای تفرقه اندازی و کشیدن ماسک صلح طلبی بر روی چهره فاشیستی خود میباشد. برای خنثی کردن نقشه های وی در شرایط مشخص

شکست رژیم جمهوری اسلامی در کردستان برای توده ها بسیاری مسائل را روشن کرد. روشن شد که جنگ کردستان، جنگ خلق کرد علیه دولت حامی سرمایه داری وابسته و دشمن تمام مردم ایران است، نه جنگ بین شیعه و سنی، نه جنگ بین پالیزان و سالار جاف با حکومت جمهوری اسلامی و نه.....!

شکست رژیم در کردستان در کناره بسیاری عملکردهای ضد انقلابی حکومت او را در تمام نقاط به عقب نشینی و اداسیت و مبارزات کارگران و زحمتکشان اوجی نوین گرفت. کارگران نیکار به خیابان ریختند، نشریات کمونیستی و انقلابی مجددا

ویژه نامه کردستان - به مناسبت سالگرد یورش وحشیانه ارتجاع مقاومت دلاوران کردستان

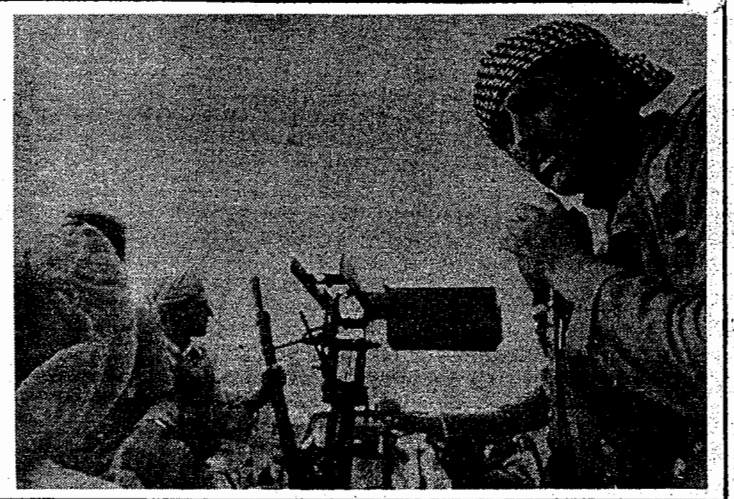
کنونی حاضر به مذاکره هستیم!" (ما و مذاکرات تا کید از متسن اصلی است آبان ۵۸) تنها کماتی که نه از موضع خلق و انقلاب بلکه از مواضع سازشکارانه حرکت میکردند میتوانستند تطق مرداد را فراموش کرده و مفتون نطق فریبکارانه آبان ماه گردند! اما کمونیست ها هیچگاه به انقلاب پشت نمیکنند، هیچگاه توده ها را فریب نداده و به توده ها دروغ نخواهند گفت!

هیئت نمایندگی خلق کرد متشکل از سازمان انقلابی زحمتکشان کردستان ایران (کومه له)، حزب دموکرات کردستان ایران، سازمان چریکهای فدایی خلق شاخه کردستان و تحت ریاست شیخ عزالدین حسینی با انتشار یک قطع نامه آمادگی خود را برای مذاکره اعلام کرد اما مذاکره ای صورت نگرفت. هیات ویژه رژیم جمهوری اسلامی بیش از یک ساعت بای میز مذاکره حاضر نشد و با انواع دروغها، فریبها و نیرنگها

مدت طعم شیرین آزادی و شرکت در اداره امور را هر چند بسیار ناقص و هر چند به تنهایی و نه در کنار خلقهای سراسر ایران چشید. اما رژیم جمهوری اسلامی نمیتوانست بیش از این آزادی آنان را در ایران تحمل کند، و بسیج و آگاهی روزافزون توده های زحمتکش کردستان قهرمان را ببیند، و از اینرو یورش ضد انقلابی دیگری آغاز شد، پیش در آمدن یورش، تهاجم وحشیانه به دانشگاههای سراسر ایران بود این بار تهاجم با فرمان ضد انقلابی بنی صدر آغاز شد و ارتش که به علت قدرت آتش سلاحهای سنگین، امکان بیشتری برای سرکوب دارد در صورت نخست قرار گرفت.

اما این یورش اگرچه فاصله اش با یورش گذشته تنها ۷ ماه بود اما در این ۷ ماه اوضاع بسیار فرق کرده بود. دیگر بخش بزرگی از توده ها در مبارزات روزمره خود، رژیم جمهوری اسلامی را شناخته بودند و با لاقلا اعتمادشان را به حکومت از دست

با گسترش مبارزه طبقاتی در سراسر ایران، و نیز با آغاز فعالیت ضد انقلاب مغلوب در سراسر ایران و بخصوص در کردستان (پالیزبان، سالار جاف و...) برای سرکوب انقلاب و با زسازی هر چه بیشتر سازشکارانی چون حزب دمکرات و سازمان چریکهای فدایی (اکثریت) اوضاع کردستان بسیار پیچیده تر گشته است!



داده بودند. آنها دیگر دروغهای شاخدار سال گذشته را در مورد بریدن سر پاداران در پاره و (!) گروگان گرفتن زنان (!) و سوزاندن جسد مسلمانان در کردستان (!) باور نمیکردند. این بار رژیم میبایست آشکارا وارد عمل شود، و از اینرو بنی صدر ارتش را با این دستور که "تا زمانی که من نگفتم پوتین هایتان را در دنیا ورید" به کردستان فرستاد. این بار حکومت با فانتوم و خمپاره به جنگ خلق کرد رفت. اینک دو ماه از فرمان یورش مجدد به کردستان میگذرد، مبارزه در کردستان ادامه دارد، رژیم به حملات بسیار به روستاها و شهرهای کردستان، دست زده و تعدادی از شهرها را نیز در اشغال خود دارد، مردم در کنار سازمانهای سیاسی خود به مقاومت علیه این تهاجم دست میزنند. با گسترش مبارزه طبقاتی در سراسر ایران، و نیز با آغاز فعالیت ضد انقلاب مغلوب در سراسر ایران و بخصوص در کردستان (پالیزبان، سالار جاف و...) برای سرکوب انقلاب و با سازش هر چه بیشتر سازشکارانی چون حزب دمکرات و سازمان چریکهای فدایی (اکثریت) اوضاع کردستان بسیار پیچیده تر گشته است.

نیروهای انقلابی و کمونیست در کردستان که در کنار خلق کرد و خلقهای آگاه سراسر ایران یکسال مبارزه رودر رو با هیات حاکمه جمهوری اسلامی را از سر گذارنده اند امروزه وظیفه دشوار مبارزه با ضد انقلاب حاکم و حرکتهای اولیه ضد انقلاب شکست خورده را تواما به عهده دارند. مبارزه ای که از راه منفرد کردن و افشای سازشکاران و بسیج توده ها در اطراف نیروهای انقلابی و کمونیست میگذرد! مبارزه ای که علیه استقرار حکومت ضد کارگری ایران تانابودی نظام سرمایه داری وابسته به امپریالیسم و تحقق حقوق خلق کرد و تمامی خلقهای ایران ادامه خواهد یافت!

مذاکره را به تعویق انداخت و مذاکرات قطع شد. اما مقاومت دلاوران خلق کرد در ماههای شهریور و مهر، در شهر و کوه، در کنار سزارب گرانبهای مبارزاتی برای خلق کرد و تمامی خلقهای قهرمان ایران، ۶ ماه آزادی و دموکراسی را هر چند ناقص برای خلق کرده همراه آورد.

حکومت عقب نشست و مسئله ای بنام کردستان و امسکوت گذاشت تایورش مجدد رژیم به کردستان در اول اردیبهشت امسال پاداران از کردستان اخراج شده و ارتش حق نداشت از پادگانها خارج شده و در شهرها حضور یابد!

خلق کرد ۶ ماه فارغ از یوغ ارگانهای سرکوب رژیم جمهوری اسلامی، تحت حاکمیت و هدایت سازمانهای سیاسی خود به سر میبرد. در آنجا از دستهای حزب الهی و چماق بدستمان حکومت، از پاداران سرکوبگروا ز یورش دائمی به ارگانهای دموکراتیک خبری نبود. انتقال و انتشار نظرات سازمانهای سیاسی به آزادی صورت میگرفت، دهقانان بسا تشکیل شوراها و اتحادیه های خود، زمین های فئودالها و زمینداران بزرگ را مصدوره و در اختیار خود میگرفتند، شهر به توسط خود مردم و توسط شوراها، محلات اداره میشد و بنکها - این بازوان مسلخ خلق کرد که وظیفه دفاع از شهر را در زمان یورش آیینسده رژیم بعهد داشتند تشکیل شدند. خلق کرد در این

وژنه‌ها کردستان - به مناسبت سالگرد یورش وحشیانه ارتجاع و مقاومت و راه خلق کرد

یادشهادای خلق کردگرمای باد!

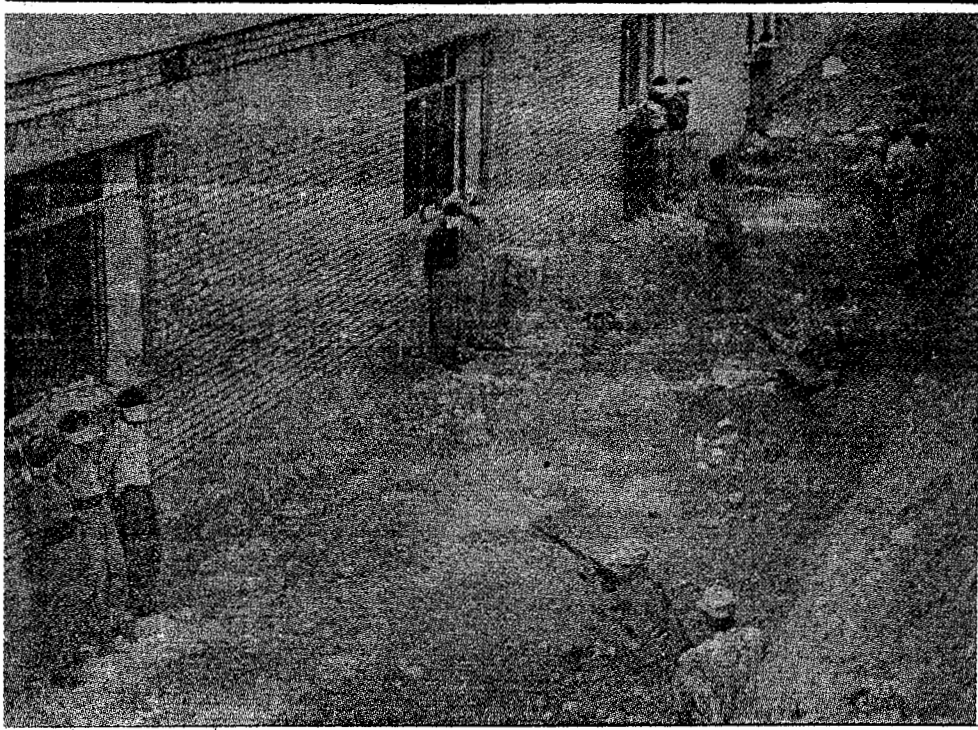
از لحظه فرمان آیت الله خمینی، مبنی بر یورش به شهرهای کردستان تا اشنغال نظامی تمامی شهرها که بیش از یک هفته طول نکشید، مرتجعین بیش از دهها تن از بهترین فرزندان خلق کرد را اعدام کردند. اعدام این مبارزین درفاشستی ترین شرایط و بلافاصله بعد از دستگیری صورت میگرفت. بسیاری از آنها مانند رفیق هرمزگرچی بیانی که در زندان دیزل آبا دکرمانشاه اعدام شدند، اصولاً محاکمه نشدند و محاکمه بسیاری از آنها توسط خلخال جلدبیش از یکی دوساعت طول نکشید و بلافاصله آنها را به جوخه اعدام می سپردند. اشغال هر شهر مصداق میشد به ج دستگیری و اعدام مبارزترین و انقلابیون بی ترین مردم. بسیاری از این انقلابیون را بعد از شکنجه های بسیار در بدترین شرایط به شهادت میرساندند. دو برادر رفیق احسن و شهریارنا هیدرا که یکی از آنان بعلت تیر خوردگی پایش حتی نمیتوانست بایستد، در فرودگاه سنندج به جوخه اعدام سپردند. رفیق جمیل یخچالی را که از فرط شکنجه بدنش راست نمیشد، به خاک و خون در غلظا نندند و رفیق دکتر رشوند سرداری را که برای معالجه زخمیان درگیری های پاره روز ۲۶ مرداد به آنجا رفته بود به اتهام واهی و به جرم آنکه زبان کردی نمیدانست ولی لباس کردی پوشیده بود روز ۳۰ تیر به شهادت رساندند. انقلابی ۱۴ ساله ای بنام آذرگشسب دارابی در حین محاکمه بعلت توهین خلخال، به صورت این جلاد تافت انداخته بود، بدون ادا مه محاکمه و همانجا اعدام کردند.

شرح اعدامهای خلخال جلد و روزییم جمهوری اسلامی در کردستان در سال گذشته، به راستی روی همه جلادان را در سرکوب توده ها سفید کرده و جنايتهاي هیتلر را بیاد می آورد.

در طول ۶ روز مجموعاً نزدیک به ۵۰ نفر به جوخه اعدام سپرده شدند که بسیاری از آنان از قدیمی ترین انقلابیون و مبارزین و بهترین فرزندان خلقهای ایران بودند:

در دیزل آبا دکرمانشاه:

عبدالله نوری، هوشنگ عزیزی، محمد بن محمدی، یدالله محمودی، حسین شیبانی هرمزگرچی بیانی، مظفر فتاحی، صفر عزیزی آذرنوش مهدویان، اصغر بهبود، محمد عزتی (روز ۲۸ مرداد)



درپاوه:

بهمن عزتی، عباس کریمی، عبدالله زارعی، حامد امینی، محمد حیدری، علی شهباز بهدین شیرین، حبیب الله چراغی، ابوالقاسم رشوند سرداری، فیض الله ضیائی (روز ۳۰ مرداد)

در کرمانشاه:

حاجی افراسیاب، عبدالوهاب مبارک شاهی، عمادالدین ناصری، عبدالکریم کریمی، محمد علی نقشینه، و آذرگشسب دارابی ۱۴ ساله (بعداً اعدام شد)

در سقز:

۹ نفر نظامی و ۱۵ غیر نظامی نظامیان: احمد سعیدی، قادر بهنا، خاطر خطیبی، محمد بابامیری، رسول امیه، محمد غفاری، ناصر حدادی، ناجی خورشید کریم رضایی

غیر نظامیان: نور اردلان، سیف الله فیض علی فخرایی، عبدالله بهرامی، سید احمدی، مهرداد رویش نقره ای، کریم شیربانی، ابوبکر حمیدی، احمد مقدم، جلیل جمالزاد یوسف کشی زاده.



ویژه نامه کردستان - بمناسبت سالگرد یورش وحشیانه ارتجاع و مقاومت دلاورانه خلق کرد



به یاد
رفیق شهید
بهمن عزتی
معلم رزمنده
زحمتکشانش

"با زهم گلی از میان گلها پرپر شده، ما این نمیتواند دلظا -
لما ن را خوشحال کند، چون این گل پرپر شده با کرده افشانی خود
هزاران گل نوشکفته را بارو ساخته است..." (از انشاء یکی از شا
گردان رفیق بهمن عزتی)

یکسال از اولین یورش وحشیانه و جنگ غارتگرانه ای که رژیم جمهو
ری اسلامی بر خلق کرد تحمیل کرده است میگذرد. اولین یورش
سراسری رژیم به خلق کرد در تابستان سال گذشته با شهادت بهتر
بین فرزندان خلق، با شهادت رزمندگان کمونیست که همواره
در پیشاپیش خلقها و زحمتکشانش مبارزه میکنند، همراه بود. رفیق
بهمن نیز که به همراه یارو همزمش دکتر رشوند سرداری برای نجات
مجروحین دزگیری پاوه به آنجا میرفت در روانسردستگیر و به همراه
انقلابی دیگر، به جوخه اعدام ضد انقلاب سپرده شد. در این جنگ
تحمیلی و یورش وحشیانه رژیم جمهوری اسلامی به خلق دلاور کرد
ستارگان زیادی از آسمان پرستاره مبارزین قهرمان میهن ما
به زمین کشیده شد و رفیق بهمن نیز ستاره ای از میان آنها بود.
رفیق را از زبان شاگردانش بشناسیم:

"... کسی که همه او را از کوچک و بزرگ می شناختند، ما ننند
صمد به رنگی بودا و برای ما صمد بود. با قدمهای آهسته اش و با
سخنان ملایم و شیرینش و با سبیلهای پرپشتش، و با آن همه مهر -
بانی و محبتش بر استی صمدی دیگر بود، صمدی که یادش در دل کارگر
کشاورز، دانش آموز و معلم و خلاصه در دل همه و همه زنده است..."
"... یکروز او را به یاد می آوردم، واسطه انقلاب بود که
در بخشداری کامیاران جمع شده بودیم و آقای عزتی سخنرانی
میکرد. و سخنش را چنین شروع کرد "وای به روزی که مسلح شویم و با
مشت هایمان دشمن را سرکوب کنیم" و بعد از اتمام سخنرانی

مشت ها را با لا برد، مشت های جمعیت با لارفت و فریاد "درود بر عز -
تی" بخشداری را به لزره در آورد.
"... یکروز وقتی که از معلم شهید عزتی پرسیدم که چرا کردها
اینهمه روی خودمختاری تکیه میکنند، او گفت که من تا آخری -
ن قطره خونی که در بدن دارم برای خودمختاری خلق کردم جنگم
چون اگر کردها خودمختار نباشند همیشه ظالمان و زورگویان به آنها
زور میگویند و ستم میکنند."

ورفیق بهمن عزتی چنین کرد و به قولی که به شاگردانش داده
بود وفا دار ماند. او که در تمام سالهای سیاه دیکتاتور شاه علیه
رژیم شاه و نظام سرما پهداری وابسته مبارزه میکرد، با آغاز قیام
فعالانه در آن شرکت نمود. معلم دلاور مدارس کامیاران با برآ
انداختن اولین تظاهرات در کامیاران، با برپایی میتینگ ها
با لخره با تسخیر زندان دیزل آباد کرمانشاه و توزیع اسلحه بی -
مردم، آنچه را که گفته بود در عمل نیز به دانش آموزانش می آت
و با شرکت فعالانه در مبارزات خلق کرد پس از قیام، تشکیل شورای
کارگران بیکار، پی ریزی جمعیت راه رها بی زحمتکشانش کامیا -
ران و شرکت فعال در راه پیمایی مریوان نشان داد که فرزندان
راستین زحمتکشانش است، و نشان داد که برای رها بی زحمتکشانش
از جان خود نیز دریغ نخواهد داشت. رفیق بهمن عزتی با زندگی
سراسر مبارزه اش و با شهادت دلاورانه اش به شاگردانش و به تمام
انقلابیون راه سرخ و پیروزمند طبقه کارگران نشان داد و از اینر -
وست که یکی از شاگردانش مینویسد:

"... او میدوارم بتوانم تمام خشم و کینه ام را جمع کرده و
راه او را در پیش گیرم و انتقام خون عزتی ها، رشوند سرداری ها
زندگی ها، سلطانی ها، سلیمی ها، گرجی بیانیها و... را بگیرم"
"... نبودن شما بر ایمان خیلی مشکل است و با سختی تمام
آنرا تحمل میکنیم. خیلی سخت است اما بگفته خودت باید بسا
سختی مقابل شد و مبارزه کرد و این گفته را هیچوقت فراموش نخو -
اهیم کرد که همیشه میگفتی "ما نند قصه ما هی سیاه کوچولو با شید
و گفته هایش را به خاطر بسپارید" من میدانم که مرگ به آنسی
میتواند به سراغم بیاید اما من تا زنده هستم هیچوقت به سراغش
نمیروم و اگر هم آمد مهم نیست مهم آن است که مرگ با زندگی
من چه نقشی در زندگی دیگران داشته باشد" بلکه اقرار است
میگفتی و حالا شما صدهستی و ما هم شاگردانت هستیم، قسم میخورم
بیم که راهت را ادامه خواهیم داد...."

شاگردان رفیق بهمن عزتی، رفیق صمد، و تمام معلمین مبار
رزوا انقلابی و کمونیست غنچه های بی خواهند بود که با خون بهمن عزتی ها،
صدها پرورش یافته اند. و صفوف ارتش عظیم انقلاب پیروزمند کارگران
و زحمتکشانشان در کنار دیگر انقلابیون و کمونیست ها فشرده تر
خواهند ساخت.

یاد...
در مریوان: (بین ۵ تا ۱۲ شهریور)
قاسمی، عراقی
در سنندج:
احسن ناهید، شهریاری ناهید، ناصر سلیمی
جمیل یخچالی و... (۲۹ مرداد)
یادشان گرامی و راهشان گلگون تر باد.

بقیه از صفحه ۱

از کودتای ...

و ضد خلقی بهترین وسیله است. در حقیقت دکتر مصدق که خود را به ارتش شاهنشاهی نیامد میدید، چنین میپنداشت که با انتقال فرماندهی ارتش به خود، آنرا بی خطر خواهد کرد. او همچنین با خودداری از مبارزه و مماشات کردن با حاکمان طبقاتی شاه - که فتوایها و سرما به داران وابسته به امپریالیسم بودند - تمام عوامل یک

رابطه ها را برقرار کردند و نقشه کودتا توسط ارتش ریخته شد. به این ترتیب صبح ۲۸ مرداد کودتا آغاز شد. او با شان و چاقو کشان حرفه ای به خیابانها ریختند و رئیس شهر با نی وقت، با کما میونهای شهر با نی، شاه پرستان مزدور را به مرکز شهر آورد. حدود ظهر نیروهای تیپ زرهی ارتش، مرکز را دیدند و اشغال کردند و آدیو با نیک شوم "زنده باد شاه... را سردا داد. از این به بعد هرگونه مقاومت پراکنده سرکوب شد. کودتا چنان در مراکز حساس مستقر گردیدند و حکومت مصدق سقوط کرد و خود مصدق نیز توسط ارتشیان بازداشت شد. در حالیکه از مدتها

گرفتار رژیم جنایت کار شاه خائن گردید. حزب توده حتی کارهای مسلح خود را نیز وارد عمل نکرد و از سازمان افسران حزب توده نخواست که اقدامی بکنند. آنها در حساسترین لحظات به مردم خیانت کردند و در مقابل کودتای ضد انقلابی ۲۸ مرداد نه تنها مقاومت نکردند بلکه راه فرار را برگزیدند. کودتای ۲۸ مرداد از یکدوران سیاه حاکمیت شاه و دربار او بسته به امپریالیسم و غارت دسترنج کارگران و زحمتکشان و منابع زیرزمینی ایران توسط امپریالیستها بود. ایران به میدانی برای چکمه پوشان امپریالیست و مرتجعین داخلی تبدیل شد و هزاران هزار فرزندان دلیر خلق ایران، کارگران و زحمتکشان در زیر یوغ ارتش و سایر مزدوران امپریالیسم و ارتجاع به خاک و خون افتادند. ۲۸ مرداد ۳۲۵ نشان داد هر ارتشی ضد خلقی همواره برای هرگونه کودتا و اقدام ضد انقلابی آماده گی دارد و سخنان رفیق شهید خسرو روزبه را که میگوید "ارتش - که قانون اطلاعات کورگوران نه در آن حاکم باشد فقط به سود امپریالیسم و ارتجاع، به سود سرمایه داران و بزرگان علیه کارگران و زحمتکشان عمل خواهد کرد"، ثابت کرد.

۲۸ مرداد ۳۲۵ نشان داد هر ارتش ضد خلقی همواره برای هرگونه کودتا و اقدام ضد انقلابی آماده گی دارد و سخنان رفیق شهید خسرو روزبه را که میگوید "ارتش که قانون اطاعت کورگوران نه در آن حاکم باشد فقط به سود امپریالیسم و ارتجاع، به سود سرمایه داران و بزرگان علیه کارگران و زحمتکشان عمل خواهد کرد"، ثابت کرد.



کودتای امپریالیستی را برای دشمنان فراهم ساخت. طبقات ارتجاعی با برپا کردن احزابی همچون سومکا و آریبا و ذوالفقار دست به فعالیت زدند و مصدق تحت لوای حمایت از دموکراسی، آزادی آنان را تائید کرد! چنین بود که نطفه های کودتا بسته شد و طرفداران شاه آستینها را بالا زدند. در مرداد ماه ۱۳۳۲، اشرف پهلوی خواهر شاه خائن که از طرف دولت مصدق تبعید شده بود، در پاریس با آلن دالس "شواریستکف" نمایندگان امپریالیسم آمریکا جلسه تشکیل دادند و زمینه را برای روزگونی حکومت مصدق بررسی کردند. روز ۲۵ مرداد، شاه خائن حکم برکناری مصدق را صادر کرد و آنرا توسط سرهنگ نصیری - که بعدها به ریاست ساواک رسید و سرانجام معدوم شد - برای مصدق فرستاد. دستگیری نصیری، این توطئه امپریالیستها برای سقوط حکومت با شکست مواجه شد. اما توطئه ها با شدت ادامه یافت. "حزب توده" که مدتها بود شعار میداد "کودتا را به ضد کودتا تبدیل خواهیم کرد" عمل هیچ کوششی جدی برای آمادگی اعضا و هواداران خود انجام نداد. حزب توده مردم را مسلح نکرد و آماده مقابله با کودتا نشد. آنها به جای آنکه منتظر مصدق ننشسته و خود را آماده دست به بسیج انقلابی بزنند مردم را بدون راهنمایی و آمادگی رها کردند آنها در روز ۲۶ مرداد پس از آنکه درگیری میان حزب توده و پان ایرانیستها بوجود آمد، دستور مصدق که گفته بود هر نوع تظاهرات قدغن است، موافقت کردند. و به این ترتیب بارها کردن مردم و گذردن نهادن به تردیدها و ودلی های مصدق، علی رغم آنکه مدتها بود شعار میدادند و ادعا میکردند که راه را برای کودتا چنان باز کردند. او با شان و چاقو کشان در خیابانها راه افتادند. و با شعار "زنده باد شاه" شهر را ترق کردند. در این شرایط حزب توده تلفنی با مصدق تماس میگرفت و از او میخواست اهدات تکلیف آنها را معلوم کند. و مصدق که همواره دچار زلزله و تردید و عقب نشینی بود جواب میداد: "هرکاری میتوان کنید از دست من کاری ساخته نیست".

* امروز شاه به درک واصل شده است! و حکومت سلطنتی به زیالدهان تاریخ سپرد شده است اما جان نشینان آن حکومت به سرعت مشغول بازسازی نظام فرسوده سرمایه داری وابسته هستند. حکومت جدید

رژیم جمهوری اسلامی که از مسلح بودن توده ها و سازمانهای انقلابی وحشت دارد، مجبور است به ارتش ضد مردمی بازمانده از رژیم شاه و پاداران خود متکی باشد. رژیم جمهوری اسلامی اگر چه از طرف نیروهای ضد انقلاب و عوامل وابسته به امپریالیسم نظیر بختیار مورد تهدید قرار دارد، ولی همه توان و قدرت خود را در جهت سرکوب کارگران و زحمتکشان و سازمانهای انقلابی و کمونیستی بکار میگیرد. و چنین است که سقوط خود را نزدیک می سازد.

قبل مردم برای هرگونه مقابله با کودتا چنان آمادگی ذهنی داشتند. نه تنها مصدق بلکه رهبران خائن و فرصت طلب حزب توده نیز آنها را به اقدام انقلابی راهنمایی نکردند.

بخشی از سرمایه داران وابسته و ارتش شاه را حفظ کرد. امثال مدنی ها، امیرانتظام ها، یزدیها را در حکومت جای داد و شادمهرها، فلاخی ها، شاکرها و باقری ها را در راس ارتش قرار داد. سرمایه زانی که حاضر نیستند به مردم تیراندازی کنند اعدام میشوند و سرمایه داران وابسته، به استثنا رکارگران و زحمتکشان مشغول شده اند.

آنها اگر به قدرت عظیم کارگران و زحمتکشان ایران کمترین اعتمادی داشتند، به سهولت میتوانستند با مسلح کردن مردم، هر کودتایی را در نطفه خفه کنند. حزب توده و مصدق که همواره میخواستند از طریق مماشات و شیوه پارلمانی با طبقات ارتجاعی، خود را در حکومت شریک نمایند و از قدرت کارگران و زحمتکشان بیترسیدند با کنار گذاشتن و مسلح نکردن توده ها در این مبارزه، مرگ زندگی، مملکت و توده های مردم را در برابر پرورش وحشیانه ارتجاع و امپریالیسم بی دفاع گذاشتند. و چنان شد که دیدیم. ۲۵ سال خلق ما

در چنین شرایطی توطئه گران، یعنی شاه و دربار، سرمایه داران وابسته و فتوای الهی به کمک امپریالیسم آمریکا و انگلیس کاملاً برای کودتا آماده شدند. جاسوسان

حکومت او با شان و چاقو کشان را بزرگ نام "حزب الله" به سر وقت نیروهای انقلابی میفرستد. فعالیت سیاسی را ممنوع میکند در عوض ساواکیها عفو میشوند. حزب واحد، حزب جمهوری اسلامی قدرت را قبضه کرده است. سرمایه داران، طبقه بورژوازی ایران که متحد داخلی امپریالیسم است، بقیه از صفحه ۱۵

مقاومت کارکنان پتروشیمی شیراز در مقابل پاکسازی ارتجاع!



به دنبال با لگرفتن موج "پاکسازی" رژیم یک کارگری که در مبارزه با رژیم پهلوی شیمیایی شیراز، راهبانه تمام تکثیر و پخش نشریه کارگری معلق و مزایای آنها را قطع میکنند، با وجود آنکه این دو نفر هیچ نقشی در تکثیر و پخش نشریه "کارگری" نداشته و بعلت عملکردهای ناجای خود در گذشته چندان هم مورد حمایت کارگران نبودند، اما با اخراج آنها موج ناراضی و اعتراض با لایمیکرد. کمیته پاکسازی که انتظارش غیر از این بود، و فکر میکرد با این عمل دستش برای حرکت‌های بعدی بازتر میشود عملاً درین بست قرار گرفت و از ادامه فعالیت عاجز می ماند. کارگران مبارز دست به افشاگری علیه کمیته پاکسازی زده و تمام حرکت‌های ضد انقلابی آن‌ها را که تحت اتهام پخش نشریه "کارگری" صورت می گرفته افشا میکنند.

بطوریکه کمیته خود مجبور به بازگرداندن کارگران خارجی شده و او را به سرکار برمیگرداند. شیوه و عملکرد کمیته پاکسازی و بخصوص ماهیت اعضای کمیته و سوابق "درخشان" آنها خشم و نفرت همگان، حتی کارگران ناآگاه را نیز برانگیخته است. موج اعتراض بصورت‌های مختلف سر تا سر مجتمع را فراگرفته است. و تعداد بسیاری از کارگران متنی را که کارگران مبارز علیه کمیته پاکسازی تهیه کرده بودند تکیه و امضاء کرده اند. در تمام این مدت نشریه "کارگری" از طرف کارگران رزمنده پتروشیمی شیراز منتشر می شود و تیراژی ده بر برگزیده چاپ شده و استقبال از آن چندین برابر گذشته است. کارگران به یکدیگر میگویند: "صدسال دیگر نمی توانیم آنهایی را که نشریه پخش میکنند بگیرند." □

مبارزات کارگران در مقابل

نوطه لغو سود ویژه!

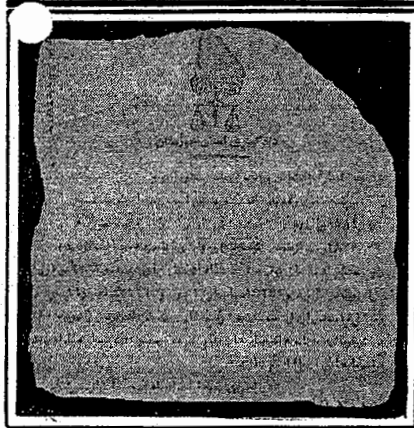
در کارخانه صنعتی به شهر:

در هفته اول مرداد ماه کارگران کارخانه صنعتی به شهر به عنوان اعتراض به عدم پرداخت سود ویژه ۴ ماهه کارخانه دست از کار کشیدند و با رفتن به اتاق مدیرعامل خواهان پرداخت آن شدند. مدیرعامل قول داد با مراجعه به وزارت کار دستور پرداخت سود ویژه را بگیرد و کارگران وی را تهدید کردند که در صورت عدم پرداخت دست به اعتصاب میزنند.

در این مدت انجمن اسلامی به مسپاشی دست زده و کارگران را به صبر و شکیبایی دعوت میکرد، تا اینکه شورای انقلاب قانون لغو سود ویژه را اعلام کرد. این خبر خشم کارگران را برانگیخت بطوری که کارگران در مقابل دفتر کار مدیرعامل جمع شده و اعتراض میکنند. در حال حاضر کارگران برای مبارزه حول این خواست کاملاً آماده اند و مدیرعامل را با این تهدید که دست از کار خواهد بردوانند وزارت کار کرده اند.

دادگاه انقلاب خوزستان از عناصر ضد کارگر حمایت می کند!

عباس دارملح صح روز	بلافاصله تمام کارگران به ششم مرداد به محوطه شرکت حفاری "ریدینگ اند بیوتیس" احوال میریزند و نمایندگان شوری کارکنان را دستگیر و نمایندگان میگویند که باید به دادگاه انقلاب میبرند.
حمایت از نمایندگان خودسوار	ماشین های شرکت شده و بدنبال آنها میروند. در دادگاه به شورای کارکنان را دستگیر و نمایندگان میگویند که باید بقیه در صفحه ۱۴



رژیم شاه خائن فعالان شرکت داشتند. کارگران مبارز خارجی کارگرانی هستند که سالها تحت فشار رژیم استعمارگران قرار داشته و برای رهایی کارگران و سایر زحمتکشان مبارزه نموده اند. مسلم است که وجود این گونه کارگران آگاه و انقلابی سد راه سرمایه داران استعمارگر و ضدکارگر. شورای ضدکارگری چیت ممتاز که به مبارزه در جهت خواسته های کارگران، همگی کوشش خود را صرف جاسوسی و شناسایی کارگران مبارز و همکاری با توطئه های ضدکارگری کارفرمایان و انجمن اسلامی میکند. مسلم است که با وجود این کارگران انقلابی نگرانی باشد. در شرایطی که رژیم جمهوری اسلامی هر روز دست به اقدام ضدکارگری جدید میزند، در شرایطی که با اعمالی نظیر لغو سود ویژه میخواد هدر چه بیشتر کارگران را در فقر و محرومیت نگاه دارد، وجود کارگران مبارز آگاه در کارخانه به ضرر رژیم و تمامای مفت خواران ضدکارگر است. برای سرکوب همه جا بنه کارگران و خفه کردن صدای اعتراض آنها رژیم جمهوری اسلامی مزدوران ابتدایی کارگران آگاه و انقلابی را از کارخانه اخراج کنند و توطئه مشترک شورای اسلامی چیت ممتاز، کارفرمایان و انجمن اسلامی برای اخراج کارگران مبارز آگاه به همین منظور میباید.

تنها اتحاد مبارز بیکپا رچه کارگران و حمایت فعال برای جلوگیری از توطئه اخراج کارگران مبارز آگاه میتوانست جلوی تهاجم همه جا بنه رژیم و عمال آنها را بگیرد. □

توطئه اخراج کارگران مبارز در چیت ممتاز

از مدتی پیش انجمن های اسلامی و مدیریت کارخانه چیت ممتاز به تهاجم افتاده اند تا کارگران مبارز را به تهاجم پخش و نشر "ساج مبارز" و "پیک نساج" دستگیر و از کارخانه اخراج کنند. عوام مسل جاسوس کارفرما و اعضای انجمن اسلامی در این راه به توطئه ای دست زده اند. اعضای انجمن اسلامی چیت ممتاز که اکثر از عناصر خارج کارخانه و از دانشجویان وابسته به حزب جمهوری اسلامی هستند، اینک بعد از "انقلاب فرهنگی" در دانشگاهها و سرکوب و کشتار دانشجویان در فکر سرکوب مبارزات کارگران و اخراج کارگران مبارزی باشند.

در هفته اول مرداد کارفرما دو کارگر مبارز را به بهانه بحث زیاد (!!) در کارخانه اخراج کرد. او اینک خبر رسیده است که عوام کارفرما با جاسوسی در میان تعدادی زیادی از کارگران مبارز، ۱۰ تن از آنان را اخراج و شایع کرده اند که لیست ۹۵ نفر از کارگران را برای بیرون کردن آنها از کارخانه تهیه کرده اند.

شورای ضدکارگری و دست نشانده کارفرما و مدیریت کارخانه برای توجیه این اعمال ضدکارگری خود همچون اربابان نشان در حکومت با وابسته قلمداد کردن انقلابیون و مبارزین به امپریالیسم و کودتا، به سرکوب و وحشیانه آنها دست میزنند. طی اطلاعیه ای به کارگران مبارز اخراجی را با کودتا مربوط کرده اند. کارگران اخراجی همگی از عناصر آگاه و مبارزی هستند که در مبارزات خلق ایران بر علیه

بقیه در صفحه ۱۱

بقیه از صفحه ۲ کارگران . . .

آن طرح و تصمیم باشند، مورد بررسی قرار دهند که در مورد نفوس و ویژه این کار انجام نشده است." (نقدی پیرامون مصاحبه وزیر کار روزنامه جمهوری اسلامی ۲۰ مرداد) "شورای انقلاب باید به این نکته توجه میکرد که این مصوبه بدون تشریح قبلی آن که لااقل میتواند دلایل کار مسئولین را روشن سازد، نمیتواند باعث تحر یک و بوجود آوردن یک جو متشنج شود" (روزنامه جمهوری اسلامی ۹ مرداد)

این مصوبه را نفی میکنند "حزب که رهبران آن عملاً در جریان تصویب این قانون بوده اند تا دو روز بعد از اعلام رسمی آن جیک نمیزدند ولی وقتی با موج اعتراضی و مبارزات کارگران در سراسر ایران روبرو میشوند، برای جلوگیری از گسترش مبارزات کارگران و خاموش ساختن مبارزات آنها شروع به مخالفت خوانی میکنند و از زبانی صدمیخواهد که با توجه به این شرایط "قانون فوق را نفی میکنند!"

نگرانی حزب جمهوری اسلامی از مبارزات کارگران وقتی عظیم تر میشود که با این اقدام ماهیت سرمایه دارانه و ضد

حزب جمهوری اسلامی و رهبری و کانون هماهنگی شوراهای اسلامی میخواهند با این مخالفت کردنها بر موج اعتراضات و مبارزات کارگران سوار شوند، و به این مبارزات و اعتراضات مهار زده و در پیج و خم راههای قانونی و چشم دوختن به مجلس و رئیس جمهوری سرگردان نشان سازند، و در جهت مقاصد کارگری خود بکارش بگیرند.

این اقدام ننگین حکومت از آن استفاده میکند.

وزیر کار میگوید: "جمعا ۸۰٪ صنایع ملی شده و مدیریت آنها را دولت به عهده دارد پس بیان این مطلب که لغو این قانون به نفع سرمایه دار است، نادرست می باشد" (مصاحبه وزیر کار - کیهان سه شنبه ۱۴ مرداد)

در اینجا وزیر کار بعنوان نماینده یک جناح حکومت، و حزب جمهوری اسلامی به عنوان جناح دیگر، هر دو یک حرف میزنند و در حقیقت هر دو میکوشند تا ما هیت استثماری را که سرمایه داران را رزمی را بپوشانند آنها به کارگران میگویند کارگران عزیز! اگر چه با لغو سود ویژه دریا فتنی شما کم میشود (و در مقابل هزینه های سرسام آورزندگی کم تران میشکند) اما نا راحت نیاشید این مبلغ که از شما کم میشود به جیب دولت که ۸۰٪ صنایع را در دست دارد میرود!!

در حقیقت اگر دولت، دولت کارگران و زحمتکش نبود و حفظ منافع کارگران را وظیفه خود میداند، این حرف میتواند درست باشد، چرا که چنین دولتی با مصدور کارخانه ها دست سرمایه داران مفتخور را قطع میکرد و برای برطرف کردن نیازها و خواسته های مادی و معنوی کارگران، هیچ اقدامی فروگذار نمیکرد.

در حالیکه در ۲۰ ماه گذشته، تمام اعمال و سیاست های رژیم بر ضد کارگران و زحمتکشان بوده است، آنها نه فقط کمترین دردی از طبقه کارگر ندانند بلکه گران نی و فقدان مسکن و بیکاری، لطمات جبران ناپذیری نیز به آنها وارد کرده است رژیم جمهوری اسلامی یک رژیم ضد کارگری است، دولت جمهوری اسلامی بعنوان مالک بیش از ۸۰٪ کارخانه ها و واحدهای تولیدی و صنعتی، بزرگترین سرمایه دار ایران و بزرگترین چپاول گرو استثماری در کشور است. کارگران است، در ۲۰ ماه گذشته دولت جمهوری اسلامی به عنوان حافظ منافع طبقه سرمایه دار، بیشترین فشارها را بر کارگران تحمیل کرده است. منافع کارگران و دولت نه تنها یکی نیستند، بلکه کاملاً ضد هم هستند.

در نتیجه برای کارگران چه فرقی میکند که دسترنجان بوسیله سرمایه دار خصوصی غارت شود یا کارفرمای دولتی؟ برای

کارگری رژیم جمهوری اسلامی برای کارگران آن بیشتر روشن میگردد، و کارگران متوجه میشوند که حرفها و نظرات کمونیستها که در یکسال ونیم گذشته مرتب فریاد میزدند این رژیم و دولت، حامی سرمایه دار است و قدر درست و صریح بوده است. بله حزب جمهوری اسلامی از آن ناراحت است که این تصمیم گیری شورای انقلاب حقانیت کمونیستها را هم ثابت کند.

پنجم اینکه: این حزب و تشکیلات کارگری وابسته به آن تنها با لغو سود ویژه در کارخانه های بخش خصوصی اظهار مخالفت میکنند. ولی با لغو سود ویژه در کارخانه ها و صنایع دولتی آشکارا موافقت خود را اعلام کرده اند. حزب و تشکیلات با صلاح کارگری وابسته به آن میگویند:

"ما می پذیریم که لغو قانون سهامی کردن کارگران در بخش صنایع دولتی به سود مردم است اما عمده اشکال ما به این مصوبه این است که شما باعث معاف شدن کارفرمایان خصوصی، از پرداخت این پول شده اید" (مقاله مجادله با مصاحبه - روزنامه جمهوری اسلامی - ۱۹ مرداد)

آری، اینجا دیگر دم خروس از لای "عباسی" حزب بیرون میزنند و همدلی اش با جناح دیگر حکومت بر ملا میگردد. حزب میگوید: لغو قانون سهامی کردن کارگران در بخش صنایع دولتی بسود مردم است و این درست همان دلیلی است که وزیر کار هم برای توجیه

می بینیم که مخالفت و نا راحتی حزب جمهوری و کانون وابسته به آن به این خاطر است که چرا شورای انقلاب و وزارت کار قبلاً به اندازه کافی روی این مسئله تبلیغ نکرده اند. چرا با تبلیغات عوام فریبانه کارگران را آماده پذیرش این اقدام ضد کارگری ننموده اند. آنها نا راحت این هستند که چرا شورای انقلاب و وزارت کار این چنین روشن و آشکارا ماهیت ضد کارگری خود را نمیکنند و نشان میدهند.

چرا که این حزب طی فعالیت سراسری ضد انقلابی خود به خوبی به نقش تبلیغاتی فریب کارانه پی برده است. چرا که این حزب در گذشته قبل از دست زدن به هر اقدامی ضد انقلابی نظیر حمله به کردستان، کشتار در دانشگاه و سرکوب آزادیها، با تبلیغات زهر آگین و ضد انقلابی خود توانسته بود، ذهن توده ها را منحرف ساخته و در جهت منافع خود و کل هیات حاکمه بکار گیرد.

چهارم اینکه: حزب جمهوری اسلامی و کانون وابسته به آن از وحشت مبارزات کارگران خود را مخالف لغو سود ویژه قلمداد میکنند.

کانون هماهنگی شورای اسلامی در اطلاعیه خود میگوید: "با این مصوبه چندین کارخانه دست به اعتصاب زده و اغلب بشکلی با آن ابراز مخالفت نمودند، با توجه به این شرایط از ارگانهای دولتی و آقای رئیس جمهور میخواهیم هر چه زودتر

کارگران...

کارگران چه فرقی میکنند که دسترنجشان صرف پرداخت حقوق های بیست، وسی هزار تومانی هیئت مدیره دولتی شود یا خصوصی؟ پولی که به جیب دولت میرود، آیا صرف مسکن برای کارگران، بهداشت برای کارگران، امنیت اجتماعی برای کارگران و تامین زندگی ارزان برای آنها میشود یا بجیب پاسدارانی ریخته میشود که همه جا برای سرکوب کارگران و زحمتکشان آمده اند؟

آیا جز اینست که نتیجه دسترنج کارگران در کارخانجات دولتی صرف حقوق ارتشیان و خرید تجهیزات نظامی میشود که کشتار خلق دلاور کرد و خراب کردن خانه و کاشانه آنها بپردازند؟ صرف پرداختن حقوق به افراد ذکا رگری چون وزیر کسار و تمام تشکیلات عریض و طویل او میشود؟ علاوه بر اینها، پولی که به جیب دولت میرود، صرف ساواک جمهوری اسلامی، زندانها، رادیو تلویزیون، مطبوعات، تبلیغات، تالیفات انجمن های اسلامی و غیره میشود که تمام کاری جز فریب و سرکوب کارگران و زحمتکشانیه مندانند.

آری، دولت ضد کارگر، اگر تمام کارخانجات را هم دولتی کند، باز هم قادر به این منافع کارگران و زحمتکشانی نیست.

چنین است که حزب جمهوری اسلامی، هم صدایا وزیر کار، به فریب کارگران دست میزند و مقاصد واقعی خود را پنهان میکند. حزب جمهوری اسلامی، بالغ و سود ویژه ۸۰٪ از کارگران ایران موافق است و فقط ۲۰٪ آنهم برای فریب توده ها - با ۲۰٪شان مخالفت میکند!

حزب جمهوری اسلامی در واقع بالغ و سود ویژه در بخش صنایع خصوصی هم مخالفتی ندارد. برای هر کارگری که یکی دو سال سابقه کار داشته و اندک آگاهی از جامعه سرمایه داری داشته باشد مثل روز روشن است که اضافه دستمزدها مزایایی که یک بخش از کارگران سا بر بخشها و کارخانه ها هم برای گرفتن آن اضافه دستمزد و مزایا مبارزه

حمله وحشیانه پاسداران به خوابگاه دانشجویی روی ساواک را سفید کرد!

در حالیکه حدود دو هفته از حمله پاسداران به خوابگاه دانشجویان تکنیکوم نفیسی که طی آن پاسداران با ساواکی بی نظیری دانشجویان را از خوابگاه اخراج کرده و اناشیه آنها را به خیا با آنها ریخته اند میگذرد، حمله دوم نشانه دیگری به خوابگاه دانشجویان دانشکده پلی تکنیک، مبارزات دانشجویان را بر علیه این مزدوران مسلح رژیم، اوج تازه ای بخشید، هفته پیش، دوشنبه ۲۰ مرداد، پاسی از شب گذشته، ناگهان سکوت خوابگاه دانشجویان با عریبه های پاسداران مسلحی که با حالتی سیعانه در راهروها میدویدند، شکسته شد. پاسداران هر که را که در راهرو می دیدند به باد کتک می گرفتند و هر دری را بسته می یافتند با لگد و قنطاق تفنگ و عریبه می شکستند و به داخل اتاقها میریختند. آنها تعداد زیادی از دانشجویان را مضروب کرده و با وحشیگری غیر قابل تصویری اناشیه محقر دانشجویان را بهم ریخته و کتابها و نشریاتشان را به غارت بردند. این ماجرا تا نیمه های شب ادامه داشت و تعدادی از دانشجویان بشدت مضروب شده و پرنده گوش یکی از دانشجویان پاره شده و عده ای نیز بوسیله این مزدوران مسلح دستگیر و به اسارت برده شدند. تمام این مدت مردم محل که وحشت زده از این حمله وحشیانه در اطراف ساختمان اجتماع کرده بودند با فریاد و شعار، از دانشجویان حمایت کرده و اعمال فاشیستی این مزدوران را محکوم می نمودند.

آری، ارتجاع که از رشد مبارزات انقلابی مردم به وحشت افتاده است، چون خرس آتش گرفته ای عریبه میکشد و هراسان از هجوم سیل آسای خلق، فاجعه های جدیدی می آفریند!

ات کارگران سوار شوند، و به این مبارزات و اعتراضات مهار زده و در پیچ و خم راههای قانونی و چشم دوختن به مجلس و رئیس جمهور سرگردان نشان سازند و در جهت مقاصد ذکا رگری خود بکارش بگیرند.

حزب جمهوری اسلامی میخواهد با این مخالفت کردننها، ماهیت ضد کارگری خود و کل رژیم جمهوری اسلامی را از دید کارگران پنهان ساخته، و آنرا از ضربات خشم و کینه مبارزات کارگران در امان نگاه دارد.

حزب جمهوری اسلامی، با این مخالفت کردننها میخواهد از خشم و کینه مبارزات کارگران برای زدوبند، بده و بستان با جناح فریب خود در هیئت حاکمه سوء استفاده نماید. طبقه کارگر با شناختن ماهیت و مقاصد ضد کارگری حزب جمهوری اسلامی و تمامی گردانندگان رژیم، فریب حیل های آنها را نخواهد خورد و با تکیه بر قدرت عظیم خود، با تکیه بر انرژی انقلابی خود، و با تکیه بر اتحاد و تشکل مستقل خود، حق خود را از حلقوم کارفرمایان و دولت حامی آنها بیرون خواهد کشید.

("ادامه دارد")

نمایند. حال چگونه ممکن است بفرص ۱۰۰ هزار نفر از کارگران بخش خصوصی سود ویژه بگیرند و ۴۰۰ هزار نفر کارگران بخش دولتی از گرفتن سود ویژه محروم باشند؟ مسلم است که در چنین شرایطی کارگران صنایع دولتی هم برای گرفتن سود ویژه مبارزه خواهند کرد.

حزب جمهوری اسلامی که راه دیگری برای انقلابی نمایی طرفداری از کارگران پیدا نکرده، میخواهد خود را مخالف سرمایه داری بخش خصوصی جا بزند و از این طریق مدتی دیگر کارگران را فریب داده خود را ضد سرمایه دار قلمداد کند. از طرف دیگر بین صفوف متحد کارگران شکاف انداخته و منافع کارگران بخش خصوصی را مخالف منافع کارگران بخش دولتی جلوه دهد.

* * * اینهاست دلایل و هدفهایی که در پشت مخالف خوانی حزب جمهوری اسلامی با "لغو سود ویژه" خوابیده است.

حزب جمهوری اسلامی و رهبری کانون هماهنگی شورا های اسلامی میخواهند با این مخالفت کردننها بر موج اعتراضات و مبارزه

اخبار کردستان

۱۰ - ۵۹/۵/۸ - ساعت ۱۰ صبح ارتش و پاسداران مستقر در "خانلر" با شلیک چندگلوله توپ به اطراف روستای "بیژ آوی" بسوی آنجا پیشروی کردند و یک فروند هلی کوپتر بلندپه‌ای اطراف آبادی را زیر رگبار گرفت. پاسداران جایتکار کمیته نرده وارد ده شدند. خاطره خونین قتل عام قارنا و قلاتان مردم ده را وحشت زده میکنند و عده‌ای پیرمردوزن و کودک را جلو آنها میفرستند تا با این وسیله مانع قتل عام مردم روستا شوند. پاسداران با تهدید آنها را کناره زده و به بازدیدخانه های مردم میپردازند. ۲۳ نفر از مردان و جوانان ده را دستگیر میکنند، چشمانشان را می بندند و در خارج آبادی

اطرافشان را به رگبار ۳ - میبندند. و بدینوسیله آنها را شکنجه میدهند و از آنان میخواهند که به پاسداران سلاح تحویل دهند و چون نتیجه ای نمیگیرند ۲۰ نفر را همراه خود میبرند.

۱۰ - ۵۹/۵/۱۰ - صبح این روز ستونی از ارتش و پاسداران در حمایت تا نکها و چهار هلی کوپتر به شهرک آرمزده حمله کردند و بدون هیچ مقاومتی آنجا را اشغال نمودند. بیشتر مردم خانه‌های خود را ترک کرده و مغازه‌ها را بسته بودند. پاسداران قفل بسیاری از مغازه‌ها را شکستند و اجناس آنرا غارت کردند. سپس چند نفر از روستائیان را دستگیر کرده و برای یافتن محل پشمگران وحشیانه شکنجه

نمودند. حوالی ظهرا این ستون روستا های "بله‌کئی" و "با - نوان" را زیر آتش توپ و خمپاره ۱۲۰ میلیمتری گرفت و همزمان با آن هلی کوپترهای جمهوری اسلامی روستاهای مزبور و مزارع آنرا براکنت بستند. ستون قصد پیشروی بسوی این دو روستا را داشت که مورد حمله گسترده مردم و پیش مرگان دموکرات کومه له قرار گرفت و ضربات سختی به آن وارد آمد و مجبور به عقب نشینی گردید. این ستون در بازگشت بکمپین پشمگران افتاد و بار دیگر تلفات سنگینی به آن وارد آمد و با بجا گذاشتن یک اتومبیل ریو و عقب نشینی خود را با عجله ادامه داد. و به پشمگران آسیبی وارد نیامد.

در این جریان علی‌رغم همه جا روجنگالی که رادیو ایران براه انداخته است و آمار

تلفات پشمگران را گامی ۱۰۰ نفر و گاهی چهل نفر بر آوردمیکند، به پشمگران هیچ آسیبی وارد نیامده است، در حالیکه ارتش و پاسداران دهها کشته و زخمی داشته‌اند. آنها در بازگشت ۳ روستایی زحمتکش از یک خانواده (یک پدر پیرو و دو پسر) را دستگیر و پس از شکنجه فراوان با خود بردند. پس از پایان درگیری یک فروند فانوسم بر فراز منطقه به پرواز درآمد و حوالی "گرماب" و "دوبینی" را براکت بست.

در این جریان روحیه مردم بسیار عالی بوده و در بازگشت پشمگران در سر راهشان گوسفند قربانی کردند. بمباران‌ها و خمپاره‌باران‌های وحشیانه و دستگیری‌ها نتوانسته اراده مردم قهرمان این منطقه را در حمایت بیدریغ از پشمگران سست نماید.

بقیه از صفحه ۱۰

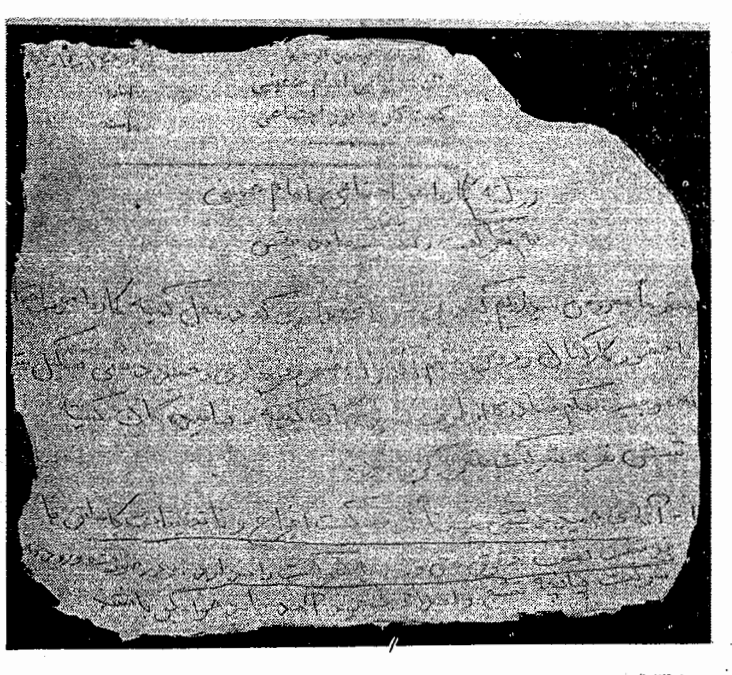
دادگاه انقلاب

حمیددشتی به سرکار برگردد. و حقوق او پرداخت شود.

اما حمیددشتی کیست؟

حمیددشتی فرد مزدور ضدکارگری است که ۱۶ ماه قبل یعنی بلافاصله بعد از قیام بوسیله کارگران و کارمندان به جرم همکاری با رژیم شاه خائن از شرکت اخراج شده است.

حمیددشتی کسی است که در زمان شاه خائن، به هنگام اعتصاب قهرمانان کارگران، برای درهم شکستن اعتصاب آنها با ماشین به میان کارگران حمله ور شده و دو نفر را زخمی کرده است. حال دادگاه انقلاب خود زستان به زور سرنیزه میخواهد این عنصر مزدور و ضدکارگر را به سرکار برگرداند. دادگاه انقلاب



ب خوزستان وقاحت و بی شرمی را تا به آنجا میرساند که طبق شکایت دشتی دستور جلب و توقیف تعدادی از ماشینهای شرکت را به نفع دشتی صادر میکند!

نمایندگان کارگران به شدت در مقابل این حرکت ضدانقلابی دادگاه انقلاب مقاومت نمودند ولی دادگاه انقلاب خوزستان همچنان نمایندگان شورا و کارگران

را برای برگرداندن دشتی مزدور به سرکار تحت فشار قرار میدهد. اینک کارگران و کارمندان مبارز شرکت حفاری زیدینگ اندیتس که به همراه چند شرکت حفاری دیگر در چند ماه پیش با یک اقدام انقلابی شرکت ملی حفاری ایران را بوجود آورده اند و هم اکنون نیز شورای کارکنان، اداره شرکت را در دست دارد، به شدت مورد حمله رگانه‌های رژیم جمهوری اسلامی قرار دارند. و با توجه به یورش اخیر رژیم برای منحل کردن شوراهای مترقی و مبارز در سراسر ایران احتمال میرود که رژیم، حملات ضدکارگری خود را بر علیه شورای این کارخانه هم آغاز کند. اما کارگران مبارز شرکت ملی حفاری ایران اینک همچون سد شکستناپذیری در مقابل توطئه‌های بی درپی حکومت مقاومت میکنند.

از کودتای . . .

بخشی از هیأت حاکمه ضد انقلابی را تشکیل می‌دهد و همراه جناح حزب جمهوری اسلامی به سرکوب انقلاب، سرکوب توده‌ها، کشتار رخلقی‌های کرد و ترکمن و عرب مشغولند بحران اقتصادی و سیاسی هر روز عمیق‌تر می‌گردد. و امپریالیست‌ها به انواع توطئه‌ها مشغولند. یکبار دیگر اوضاع از چینه‌هایی به سال ۳۲ شبا هت پیدا کرده است. رژیم جمهوری اسلامی که نه می‌خواهد و نه می‌تواند به خواست‌ها و نیازهای کارگر-ان و زحمتکشان گردن نه‌دهد، دست به سرکوب همه جانبه و وحشیانه توده‌ها و نیروهای انقلابی و کمونیست‌ها می‌زند. این حکومت از قدرت مردم وحشت دارد و به همین دلیل نمی‌تواند متکی به مردم باشد.

رژیم جمهوری اسلامی که از مسلح بودن توده‌ها و سازمان‌های انقلابی وحشت دارد، مجبور است به ارتش ضد مردمی بازمانده

نده از رژیم شاه و پادشاهان خودمختگی باشد. رژیم جمهوری اسلامی، اگرچه از طرف نیرو-های ضد انقلاب و عوامل وابسته به امپریالیسم نظیر بختیار مورد تهدید قرار دارد، ولی همه توان و قدرت خود را در جهت سرکوب کارگران و زحمتکشان و سازمان‌های انقلابی بی و کمونیستی بکار می‌گیرد. و چنانچه است که سقوط خود را نزدیک می‌سازد. اینک نیز جنبش انقلابی خلق مادر معرض انواع سیاست‌های اپورتونیستی قرار دارد. کمیته مرکزی سازمان چریک‌های فدایی (اکثریت) نیز به جای تکیه بر مردم، به جای ایمان به قدرت توده‌های کارگر و زحمتکش، به بالا و بسته هیئت حاکمه ضد انقلابی چشم دوخته است. و توده‌ها را برای مقابله و مبارزه با ضد انقلاب حاکم و ضد انقلاب مغلوب آماده نمی‌سازند.

اما کمونیست‌ها با افشگری، با تبلیغ

و تشکل توده‌ها، با بسیج کارگزاران و زحمتکشان ضمن مقابله و مبارزه با ضد انقلاب حاکم آماده اند تا با تمام توان خود هرگونه کودتا را به ضد کودتا تبدیل کنند. و تا پای جان و تا آخرین قطره خون خود برای نابودی سرما بیداری و ایستادگی امپریالیسم مبارزه نمایند. ما معتقدیم با پیگیرانه داخلی کودتا طبقه سرما بیداری را بر سر است. آنها با امپریالیسم منافع مشترک دارند، و حاضرند برای منافع خود دست به هر کاری بزنند. ما معتقدیم تنها شکل انقلاب بی توده‌ها، بسیج آنها و مسلح کردنشان می‌تواند هرگونه کودتایی را که با اتکال به ارتش و طبقه سرما بیداری به خاطر منافع امپریالیست‌ها انجام می‌گیرد، محو و نابود سازد. ما معتقدیم که هرگونه کودتایی را که امپریالیسم طرح‌ریزی کند، توده‌ها، قدرت متحد کارگران و زحمتکشان مسلح می‌تواند شکست دهد. و شکست خواهد داد.

اخبار کردستان . . .

از قبل می‌خواهد هر نوع حرکت تجا و زکارانه بعدی ارتش و پاسداران در مها با دران نیز تیز نه و توجیه نماید. با این حساب جنگ کردستان از جانب دولت با تمام کشتارهای وحشیانه آن، با تمام اعدام‌ها و شکنجه‌های آن، با بازماندن هزاران گل‌گوله، خمپاره و توپ با بمباران‌های مزارع و مراکز مسکونی نتیجه برپایی محاکمه، عده‌ای از جاسوسان بوده است. یعنی بعقیده سا- زمان چریک‌ها این جنگ سرکوب‌گرانه از ما هیئت ارتجاعی هیأت حاکمه و از شرایط مبارزه طبقاتی در ایران ناشی نمی‌شود.

دومین نکته‌ای که در عبارات سازمان چریک‌ها بچشم می‌خورد از اینهم رسواکننده‌تر است. سازمان چریک‌ها تنزل سیاسی را تا به آنجا رسانده

است که آب پاکی بر سر تمام جاسوسانی که بوسیله کومه له دستگیر و محاکمه گردیده اند میریزد و ادعا می‌کند که این افراد بیشتر "محلین و کسان‌های همتند که دارای اعتقادات مذهبی می‌باشند. با این ترتیب سازمان چریک‌ها به جاسوسان می‌دهد که جاسوسان باشند و با زبان بی زبانی آنها را بیگناه و انمود کرده و از مردم می‌خواهد که بخاطر اصطلاح اعتقادات مذهبی کاری به کارشان نداشته باشند. لابلد شرکت این جاسوسان در کشتار و اعدام افراد بی‌دفاع، شکنجه دختران و بگروگان گرفتن روستاییان، تفتیش منازل و شکستن و خرد کردن و غارت اموال مردم هم، چون بقول سازمان چریک‌ها از موضع اعتقادات مذهبی و بخاطر مخالفت با نیروهای سیاسی کردستان (واز نظر سازمان چریک‌ها همه خلق کرد) بوده پس قابل بخشش است و اگر کسی این مزدوران

را دستگیر و در حضور مردم محاکمه کند جنگ افروز است.

در این روز ۵۹/۵/۷ - ۱۵ پشم‌گرم دموکرات که از نقاط مختلف جمع آوری شده و با انواع سلاح‌های سبک و سنگین از قبیل خمپاره‌انداز و آرپی جی مسلح بودند راه‌های خروجی روستای "بیتوش" واقع در منطقه "آلان" سردشت را بسته و آنجا را محاصره کردند و مقر کومه له را در این روستا مورد تهدید قرار دادند.

روز بعد (۵۹/۵/۸) یکی از مسئولین پشم‌گرم کومه له برای مذاکره در مورد علت این جریانات و جلوگیری از پیش آمدن هر نوع برخوردی با مسئولین حزب وارد گفتگو می‌شود. در پایان مذاکرات با وجود توافق ظاهری عده زیادی از افراد حزب ناجوانمردانه بر مسئول کومه له ریخته و او را دستگیر و زندانی می‌سازند و تحت شکنجه و آزار قرار می‌دهند.

بدنبال آن افراد حزب با استفاده از غفلت پشم‌گرم ما که فکر می‌کردند نمایندگان دو طرف مشغول مذاکره و توافق هستند خود را بمحل مقرر رسانده و ضمن تیراندازی با نیروی بادی وارد آنجا شدند و پشم‌گرم‌گان ما را دستگیر و زندانی نمودند. پشم‌گرم‌گان کومه له با احساس مسئولیت در این جریان متانت خود را حفظ کردند و با رفتار درستی مانع گسترش این برخورد تحمیلی از جانب حزب دموکرات گردیدند.

این جریان بخاطر دفاع پشم‌گرم‌گان کومه له از زحمتکشان این منطقه در مقابل بل‌زورگویی و فشار حزب دمکرات برای گرفتن انواع رسومات مختلف از بابی بوجود آمده است.

پشم‌گرم‌گان زندانی را از "بیتوش" به "قله رشه" و سپس به "نیوران" و از آنجا به "روستای مزرا" منتقل کردند. بقیه در صفحه ۱۴

برقرار باد جمهوری دمکراتیک خلق!

دو فرزند خلق ترکمن تیرباران شدند!

شیخ جلادان رژیم جمهوری اسلامی بار دیگر مبارزترین و انقلابی ترین فرزندان خلق ترکمن را نشانه گرفته است. بعد از اعدام ۲ قهرمان و مبارز خلق ترکمن، توماج، واحسدی، مختوم، و جرجانی که با توطئه کثیف عوامل مزدور رژیم و بطور پنهانی و مخفیانه صورت گرفت، بار دیگر دست های جلادان رژیم به خون ۲ فرزند دلاور خلق ترکمن آغشته شد.

"عبدالله قزل" و "هالی هالی زاده" دو رزمنده ای بودند که به جرم دفاع از خلق ترکمن و خلقهای قهرمان ایران به جوخه اعدام سپرده شدند. "عبدالله قزل" معلم آگاه و انقلابی مینو دشت که در جریان جنگ تحمیلی زمستان گذشته در جنگ رژیم جمهوری اسلامی اسیر شده بود بعد از ۴ ماه اسارت و شکنجه به جوخه اعدام سپرده شد. و هالی هالی زاده عضو دیگر ستاد خلق ترکمن نیز چند روز بعد تیرباران شد.

اینک موج دستگیری مبارزین خلق ترکمن ادامه دارد و ارتجاع که راه چندصباحی حاکمیت بیشتر خود را دیگر تنها درس کوب نیروهای انقلابی و کمونیست و کارگران و زحمتکشان مبارزین دست و سینه با اقدامات ضد انقلابی و یورش های وحشیانه دست نبرند.

انحلال شوراها، اخراج کارگران مبارز، اخراج معلمان و استادان انقلابی، دستگیری انقلابیون و اعدام قرا مرزحمید ها تقی شهرها، و عبدالله قزل ها، همه و همه نشانه آخریین تلاشهای رژیم برای حفظ سیستم پوسیده سرمایه داری وابسته است. سیستمی که می رود تا مبارزات آگاهانه و هشیارانه کارگران و زحمتکشان میهن ما از میان برداشته و همراه با حاکمانش به زیاده دانی تاریخ سپرده شود.

تاکنون بیشتر کسانی که بوسیله کومه له دستگیر، محاکمه و اعدام شده اند، دارای اعتقادات مذهبی بوده و همواره با این انگیزه و از این موضع با نیروهای سیاسی کردستان مخالفت کرده و با علیه این نیروها اقدامی کرده اند.

سازمان انقلابی زحمتکشان کردستان ایران در پاسخ به این تهمت های ضد مردمی و ضد انقلابی که در خدمت رژیم جمهوری اسلامی است در خبرنامه شماره ۵۶ خود چنین نوشته است:

"در جملات بالا در کتب و اولین نکته ای که بنظر میرسد اینست که سازمان چریکها مودیان میخواندند که خواننده نا آگاه بقبول آنند که جنگ کردستان معلول برپایی این محاکمات از جانب کومه له بوده است. زیرا در یکجادر مورد دادگاههای سندی میگویند که "نتایج آنرا دیده ایم". معنی این حرف چیست و این دادگاهها چه نتایج داشته اند که سازمان چریکها آنرا منافی میدانند؟ سازمان چریکها هیچ اشاره روشنی به نتایج این دادگاهها نمیکند، اما حیل گران و بطور پوشیده ای همان یاوه های مقامات دولتی را تا شاید میکنند که گویا یورش کردستان معلول اقدامات غیرقانونی گروههای مسلح میباشد. بدتر اینکه در جای دیگر در مورد دادگاهها میباید "عوارض جنگ" افروزانهای که این حرکت میتوانند دنبال داشته باشند" اشاره میکنند و یا این ترتیب بقیه در صفحه ۱۵

حزب توده به دروغ با فسی و تحریف حقایق و تهمت زدن به کومه له میپردازد و عملاً آب به آسیاب بورژوازی ریخته و رهنمودهای بهستی را انجام میدهد. "خبر" ارگان خبری سازمان چریکها (اکثریت) شاخه کردستان مدتهاست که از آگاه کردن توده ها و سازماندهی مقاومت مردم قهرمان کردستان علیه تهاجمات رژیم جمهوری اسلامی دست کشیده و بیش از هر چیز در خدمت تهمت زدن به کومه له و شیخ عزالدین حسینی پرداخته است. در خبر شماره ۳۱ سازمان چریکها (اکثریت) در مورد دادگاههای انقلابی کومه له علیه جاشها و وابستگان به رژیم سابق و مزدوران رژیم جمهوری اسلامی نوشته است: "جدا از جگونگی و شکل محاکماتی که بوسیله کومه له انجام میگردد و جدا از عوارض جنگ افروزانهای که این حرکت میتوانند دنبال داشته باشد (آنهم در شرایط حساس میباشد) آنچه که قابل تعمق و توجه است ماهیت کسانی است که بوسیله "کومه له" محاکمه میشوند. قبلاً نیز بارها کومه له و بویژه در سندی کسانی را مخصوصاً در میان محصلین با تها "جاش بودن" دستگیر و زندانی و یا محاکمه کرده است که نتایج آنرا دیده ایم. کومه له همواره و در بره در دنبال این تنوع جاشها گشته است و این در شرایطی بود که بسیاری از ساواکی ها و عوامل رژیم منفور شاه با رضایت خاطر این اقدامات کومه له را نظاره میکردند.

رشد مبارزه طبقاتی در سراسر ایران، شکست و عقب نشینی های پی در پی رژیم در کردستان، از یکسوی دست انقلاب را به سرکوب آشکار میکشاند و از سوی دیگر با افزودن هر چه بیشتر به نیروی توده ای سازمان های کمونیست و انقلابی چشم انداز آینده ای تابناک را نوید میدهد. در این میان سازشکاران با وحشت از قدرت گیری نیروهای انقلابی به دست و پا افتاده اند و از هیچ عمل ضد مردمی و بیشترانه برای آستان بوسی بورژوازی دریغ نمیکند.

اگر حزب دموکرات از وحشت قدرت گیری کومه له در کردستان به خمپاره انداز، نارنجکا انداز و ۱۵۰ پیشمرگ مسلح متوسل میشود، سازمان چریکها (اکثریت) شاخه کردستان چون برادر برگش



اخبار کردستان قهرمان

سازمان چریکها (اکثریت) از جاشها دفاع می کند!

اتحاد پولادین کارگران و زحمتکشان نظام پوسیده سرمایه داری وابسته را درهم خواهد کوبید!